هفته‌نامه‌ی سیاسی - اجتماعی: ارگان حزب کارگزاران سازندگی ایران

شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ ▪ ۱۶ صفحه ▪ هزارتومان ▪ سال اول ▪ شماره‌ی ۱

سازندگی

لااکراه في الدين قد تبيّن الرشدُ مِن الغيّ

آبادی • آگاهی • آزادی

روحانی تنها نیست

سرمقاله

مبارزه انتخاباتی یا مبارزه طبقاتی؟

محمد قوچانی
کمیته سیاسی

ادعای گزافی نیست اگر آغاز نهضت اصلاح‌طلبی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران را به انتخابات مجلس پنجم نسبت دهیم؛ هرچند که بی‌شک اوج این حرکت در دوم خردادماه ۱۳۷۶ بود. اما در انتخابات مجلس پنجم (۱۳۷۴) دو جریان سیاسی- اجتماعی جدید در جامعه‌ی ایران متولد شد: اول- جریان **راست مدرن** که با اعلام موجودیت کارگزاران سازندگی ایران اندیشه‌ی توسعه را از یک برنامه‌ی دولتی به یک راهبرد انتخاباتی/ حزبی بدل کرد و دوم - جریان **چپ مدرن** که در شکل نخستین خود در نشریه «عصر ما» (ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران) آرام آرام از جریان چپ سنتی فاصله می‌گرفت و مهمترین نقطه تمایز و تکامل آن پذیرش تدریجی مفهوم دموکراسی بود. این جریان سیاسی بعدا با تاسیس جبهه مشارکت ایران اسلامی پس از پیروزی اصلاح‌طلبان در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ به اوج خود رسید و صورت تشکیلاتی خود را پیدا کرد.

اصلاح‌طلبی به معنای سیاسی خود البته سابقه‌ی تاریخی درازدامنی دارد که به هیچ حزب و جناح سیاسی و فکری محدود نمی‌شود. اگر میرزاتقی خان امیرکبیر را نخستین مصلح عصر جدید در ایران بدانیم که به فکر توسعه و ترقی ایران افتاد، در طول زمان کارگزاران و وزیران و مدیران ارشد بسیاری بودند که در درون نهاد دولت به فکر توسعه‌ی ایران بوده‌اند افرادی مانند محمدعلی فروغی، علی‌اکبر داور، محمد مصدق و در پی انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی؛ مهدی بازرگان، اکبر هاشمی‌رفسنجانی، سیدمحمد خاتمی و حسن روحانی... اینان با همه‌ی تفاوت‌های ماهوی و فکری خود دارای سه ویژگی برجسته بودند:

اول آنکه برخلاف مبارزان و انقلابیون در بیرون نهاد دولت و حاکمیت و دولت‌گریز نبودند. در واقع بخش عمده‌ای از کوشندگان راه اصلاح امور در ایران از مبارزان چپ‌گرا تا اسلام‌گرا افرادی بوده‌اند که ضددولت ونه فقط دولت مستقر که کلیت نهاد دولت شناخته می‌شدند و تنها راه اصلاح امور را حرکت اجتماعی در میان خلق یا توده یا امت می‌دانستند، افرادی مانند دکتر علی شریعتی، بیژن جزنی و حتی بزرگانی مانند آیت‌الله سیدمحمود طالقانی از این زمره بوده‌اند.

دوم آنکه برخلاف مدیران و فن‌سالاران عصر جدید در ایران منحصردر درون نهاد دولت و حاکمیت نبود و دولت‌گرا نبوده‌اند؛ افرادی مانند احمد قوام، علی امینی و پس از انقلاب اسلامی برخی مدیران عالی‌رتبه قوه مجریه را می‌توان در مجموع بورکرات‌هایی دانست که مهمترین وظیفه‌ی آنها حفظ نهاد دولت، افزایش اقتدار آن و اعمال قدرت برای اداره کشور بود. این افراد البته جزء اصلی هر نوع حکمرانی هستند و هر حکومتی به آنها به‌خصوص در دوره استقرار نیاز مبرم دارد. اما در دوران تغییر و تحول (که متاسفانه برای ما ایرانیان بیش از ۱۵۰ سال به درازا کشیده است) هنوز به گروه اول کارگزاران پیش از گروه دوم آنان نیاز وجود دارد.

سومین ویژگی این نخبگان، آن است که برنامه سیاسی و فکری خود را از صورت یک دولت به شکل یک جنبش اجتماعی درآورده‌اند و با آن پیوند زده‌اند.

ادامه در صفحه ۳

۲و۳
دیدگاه

دیپلماسی و ایدئولوژی
احمد نقیب‌زاده

نسل دوم اصلاح‌طلبان
محمد عطریانفر

اقلیت‌ها و شوراها
محمود علیزاده طباطبایی

در آستانه بحران
علی جمالی

۴تا۷
خبرنامه

جای خالی هاشمی
همایش دیدبان اعتدال به یاد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و به همت کارگزاران سازندگی برگزار شد

اتفاق ۹۶ در راه است
سید حسین مرعشی در افتتاحیه ستاد حزب: نقد دولت را باید به پس از انتخابات واگذار کرد

۸تا۱۱
دیدار

رهبری به من گفتند اصلاح‌طلبان فرزندان من هستند
گفت‌وگوی اختصاصی با دکتر اسحاق جهانگیری

شوراها جای متخصصان است
گفت‌وگو با پروانه مافی

شهرداری تهران در ۱۲ سال فقط برنامه نوشت
گفت‌وگو با محسن هاشمی

با ۵ نامزد پوششی مذاکره کردیم
گفت‌وگو با یدالله طاهرنژاد

۱۲و۱۳
کتابخانه

آغاز اصلاح‌طلبی انتخاباتی
بازخوانی بیانیه اعلام موجودیت کارگزاران سازندگی ایران

هر دو مخالف بودیم
نگاهی به جلد تازه خاطرات آیت‌الله هاشمی: سال ۷۳

۱۴و۱۵
گفتمان

منشور سازندگی و آزادی
سند مواضع حزب کارگزاران سازندگی ایران/۱

پیوند لیبرالیسم و سوسیالیسم
سند مواضع حزب دموکرات ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۱۶

سیاست خارجی

دیپلماسی و ایدئولوژی

سیاست خارجی تا چه اندازه تابع سیاست داخلی است؟

احمد نقیب‌زاده
کمیته آموزشی

همیشه دگرگونی‌هایی که در سیاست داخلی صورت می‌گیرد، سیاست خارجی را نیز تحت تاثیر قـرار می‌دهد و اگر این دگرگونی مربوط به یک کشور قدرتمند باشد، سیاست و نظام بین‌المللی را هم دگرگون خواهد کرد. آنچه در آستانه دهه ۱۹۳۰ در آلمـان اتفاق افتاد و منجر به روی کار آمدن هیتلر شد، یک امر داخلی بود ولی طوفانی در روابط بین‌الملل به‌وجود آورد که کمتر کسی پیش‌بینـی آن را کـرده بـود. روی کار آمدن گورباچف در شوروی هم همین وضعیت را داشت ولی نظام دوقطبی را دگرگون سـاخت. توجه به انتخابات فرانسـه در ماه گذشته نمونه‌ای از این مساله بود. اروپائیان به فرانسه چشم دوخته بودند. زیرا می‌دانستند که پیروزی مارین لوپن و ورود او به کاخ الیزه چیزی نیست که به مرزهای فرانسه محدود بماند؛ خصوصا که ممکن است سرنوشت اتحادیه اروپـا را که با دقـت و زحمت به این مرحله رسیده است، یک‌شبه دگرگون ساخته و بنیادش را بر باد فنا دهد. چنین است که مکتب جامعه‌شناسـی روابط بین‌الملل قائل به تداخل حوزهٔ داخلی و خارجی اسـت و در واقع ما با یک جامعهٔ بین‌المللی سـروکار داریم که هیچ علمی به اندازهٔ جامعه‌شناسـی صلاحیت ورود به آن را ندارد. در عین حال اشـاره‌ای هم به این نکتهٔ ظریف داشته باشیم که رژیم‌هایی که از ثبات و انسجام برخوردارند و معمولا هم این ثبات به ضرر دموکراسی فراهم شده است، سعی دارند سیاست خارجی خود را ثابت نگه داشـته و آن را از تأثیر رفت‌وآمد سیاسـتمداران و تغییر دستگاه اجرایی مصون نگه دارند. چنان‌که در همین شـوروی به رغم تموجات سیاسی، گرومیکو نزدیک به سه دهه پسـت وزارت خارجه را در دست داشت که خود نشـان از یکنواختی نگاه روس‌ها به غرب داشـت. بد نیست که در اینجا از گراهام آلیسون مدد گرفته و به سه سطح سیاستگذاری اشاره‌ای بکنیم: یک کشـور را می‌توان یک بار به عنوان یک بازیگـر خردمند تصور کرد که دارای منافع مشخصی است که با عقل سلیم قابل تشخیص است و این منافع فارغ از اینکه چه کس یا رژیمی بر آن حکومت می‌کند، تعقیب می‌شود. سطح دوم مربوط به سـازمان یا نهادی می‌شود که وظیفه اخذ تصمیم بر عهدهٔ آن گذاشته شده است. تبعا ماهیت این نهاد یا سازمان بر چگونگی تصمیم اثر می‌گذارد. برای مثال اگر تصمیم‌گیرنده یک نهاد نظامی باشد، رویکرد نظامی هم بر تصمیم اثر می‌گـذارد و اگر نهاد دیپلماتیک مثل وزارت امورخارجه باشـد، تصمیم هم بـر پایه مصالح دیپلماتیک اتخاذ می‌شـود. سطح سوم مربوط به کارگزار یا صاحب‌منصبی است که وظیفه اخذ تصمیم را بر عهده دارد. در اینجا تبعا روانشناسی و شـخصیت این فرد یا افراد از اهمیت خاصی برخوردار اسـت. مثلا اگر اوباما و ترامپ را با هم مقایسه کنیم، متوجه می‌شـویم که خلقیات و منش تصمیم‌گیرنده تا چه انـدازه بر ظرافت یا زمختی رفتار سـایه می‌افکند. در اینجاست که انتخابات از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود. اگر خانم کلینتون به جای ترامپ به ریاست‌جمهوری آمریکا انتخاب شده بود آیا باز هم جهان تا این حد با کابوس جنگ درگیر می‌شد؟

حال اگر به سیاست خارجی کشور خودمان نیز از همین منظر بنگریم و بخواهیم بدانیم انتخابات پیش‌رو چگونه ممکن است سیاست خارجی ما را دگرگون سـازد، باید به پیشینه سیاسی نامزدها و تعلقات حزبی و گروهی آن‌ها توجه بیشتری مبذول داریم. اگـر بخواهیم ایران را یک بازیگر خردمند به حسـاب آوریم، جنبه ایدئولوژیک یک متغیر مستقل نسـبت به آن به حساب می‌آید در انگاره بازیگر خردمند، میزانی از عناصر ثابت وجود دارد که در خصوص آن اختلاف‌نظری بین گرایش‌های مختلف به‌وجود نمی‌آید ولی در نگاه ایدئولوژیک با دنیاهای متفاوتی سر و کار داریم. درست است که همیشه جایی برای تفسیر باقی می‌ماند ولی در رویکرد عقلایی اجماع به حدی می‌رسد که مثلا نمی‌باید بیـن حکومت‌های دیروز و امروز تفاوتی در رفتار مشـاهده شـود. در عین حال پایبندی به ایدئولـوژی و انعکاس آن در قانون اساسـی سبب شده تا پاره‌ای مواضع به صورت بی‌چون و چرا جزو پایه‌های ثابت سیاسـت خارجی ما باقی بمانند؛ ولی در مجموع نتیجه این گزاره این است که در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید به سـطح دوم و سوم رجوع کنیم. اینکه چه سازمان یا نهادی مسئول سیاست خارجی است، به قوانین کشـور برمی‌گردد ولی شفافیت در این حـوزه هم تابعی از سـطح نهادمندی و انفکاک ساختاری جامعه است و سطح نهادمندی هم خود تابعی از توسعه سیاسی و اجتماعی است. در تشریح وضعیت کنونی کشـور همین نکته کافی است که بگوییم گاه وزارت امورخارجه هیچ نقشـی در سیاست خارجی ما ندارد. بعضی از حوزه‌ها در اختیار نهادهای دیگر است و بقیه هم با دخالت انبوهی از گروه‌ها و سـازمان‌های پیـدا و پنهان روبه‌رو هسـتند که از امر به معروف تا نهی از منکر و از انذار و تبذیر تا ارشاد و تبشیر سر سوزنی کوتاهی نمی‌کننـد. در این میان تصمیمی از خوش‌اقبالی برخوردار است که مصوبه شورای عالی امنیت ملی را هم یدک بکشد ولی در اینجا هم هیچ تضمینی وجود ندارد که با مخالفت روبه‌رو نشود. چنین است که فرصت‌ها می‌سوزند و تهدیدها می‌مانند. تداخل وظایف و بلاتکلیفی نهادها تا به حدی است که در عمل امکان تصمیم‌گیری در سیاست خارجی وجود ندارد. دلیل این وضعیت درهم‌پیچیدگی سیاست داخلی و خارجی است. به عبارت دقیق‌تر سیاست خارجی ما چیزی جز ادامه کشمکش‌های داخلی نیست. در چنین وضعیتی نقش افراد و شخصیت‌ها بر حسـب جایگاه آنها در سلسـله‌مراتب قدرت برجسته می‌شود. انتخابات یکی از راه‌های ورود و صعود در سلسه مراتب قدرت است. ولی انتخابات ریاسـت‌جمهوری در ایران راه رسـیدن به قلهٔ قدرت نیست. زیرا رئیس‌جمهور در نظام سیاسی ما که نه پارلمانی اسـت و نه ریاسـتی، از قدرت زیادی برخوردار نیسـت. در حالی که کشورهای موفق آنهایی هسـتند که رئیس قوه مجریه‌شان از اقتدار زیاد برخوردار باشـد؛ مانند نخست وزیر انگلسـتان – که قوی‌ترین رئیس قوه مجریه در اروپاسـت– و صدراعظم آلمان که نمونه‌هایی از این اقتدار هستند نمونه یک نخست‌وزیر ضعیف هم در ایتالیا مشاهده می‌شـود که اوضاع داخل و خارجش همیشه نابسـامان است. با وجود این، پیامی که انتخابات ریاست‌جمهوری ایران به خارج مخابره می‌کند، از اهمیت برخوردار اسـت؛ وقتی احمدی‌نژاد انتخاب می‌شـود با زمانی که روحانی انتخاب می‌شود، خیلی متفاوت است.

انتخاب روحانی به معنی ادامه راهی است که چهار سال پیش آغاز شده است. کسی نمی‌تواند منکر این حقیقت بشـود که موافقت با برجام و موفقیت آن تنها به ارادهٔ روحانی صورت نگرفته است ولی انجام این کار با حضور یک فرد تندرو در مقام ریاسـت‌جمهوری هم امکان‌پذیر نبود. آنچه می‌ماند، حضور گسترده مردم در انتخابات است که از نقطه نظر بعضی از سیاستمداران تنها راه بازدارندگی اسـت. تاریخ در این باره بهترین معلم اسـت، تاریخ‌نگاران مارشال پتن را دیدند که با یک تز غلط و عوام‌فریبانه توانسـت همه مردم فرانسـه را در آستانهٔ جنگ جهانی دوم با خود همراه سـازد ولی چهار سال بعد فقط یک پتنیست در فرانسه وجود داشت که خود پتن بود. آنها همچنین دیدند که مردم تز درست دوگل را نپذیرفتند ولی چهار سال بعد همه مردم فرانسه گلیست بودند. بنابراین خیلی نباید دنبال این باشیم که غربی‌ها چه فکر می‌کنند زیرا آنها همان طور ما را می‌بینند که هستیم. نه ساده لوح هستند و نه عجول. صدها محقق غربی یا در خدمت غرب، شب و روز در حال پژوهش هستند. بهتر آن است که با خود صادق باشیم و دنبالهٔ کار خویش گیریم.

سیاست داخلی

نسل دوم اصلاح‌طلبان

چگونه‌اسحاق جهانگیری به یک پدیده سیاسی بدل شد؟

محمد عطریانفر
کمیته سیاسی

نظام‌های سیاسـی جهـان، به‌منظور مدیریت بهینه منابع و ارائه خدمات شایسته به شـهروندان خویـش، تکالیف مهمی به دوش دارند که عمده‌ترین آن توسـعه منابع انسـانی و تربیت و تقویت کادرهای همه‌جانبه برای پیشبرد اهداف تعریف شده است. فلسفه سیاسی مدرن، در این زمینه ماموریت مهمی را به دوش احزاب گذارده است. احزاب اولا در ساختار قدرت سیاسی جایگاه مهم و تعیین‌کننـده‌ای دارند، ثانیا موظفند به مثابه مدرسه سیاست و مدیریت، شایستگانی را تربیت کنند تا در وقت مقرر دولت‌های برخاسته از رقابت‌های حزبی را سامان دهند و ماموریت‌های ذاتی خود را در حق شهروندان به احسن وجه تحقق بهشند. در منظومه تقویت سیاسی با کاربست واقعی و نقش‌آفرینی درست احزاب، امنیت خاطر و امیدی به جامعه منتقل می‌شود که برون داد آن پیشرفت اسـت و ارتقا و بهره‌وری از نتایج قهـری و بلاتردیدی اسـت که حاصل می‌شود. در نظام جمهوری اسلامی ایران، نخبگان اولیه که از سوی انقلابیون برانگیخته شدند تا منشـور ملی و میثاق فراگیـری را در چارچوب قانون اساسـی مدون کنند به ضرورت شکل‌گیری احزاب و کارآمدی آن در نظام سیاسی واقف بودند، از این جهت در فصل حقوق مردم (ملت)، به موضوع تشکل‌های سیاسی و فرآیند فعالیت نخبه‌گرایان در نهادهای حزبی توجه وافری شده است. قانون و قانون‌نویسی به‌خودی خود اگرچه امـری لازم، مفید و ضروری اسـت اما اجرای آن که به عهده مدیران و مسئولان است، موضوع مهمتری است که جزو لاینفک امر قانونمداری است. چه بسیار قانون‌های مدرن و مترقی تدوین شده است اما مجریان یا از عمل به آن طفره رفته‌اند یا با تفسـیری ناصواب، آن را دور زده‌اند و عملا کارآمدی قانـون را تضعیف کرده و در نهایت بی‌هیچ تاثیری آن را از خاصیت انداخته‌اند. با کمال تاسف، سوگمندانه باید اعتراف کرد، موضوع فعالیت احزاب سیاسی و در افق گسترده‌تر نقش‌آفرینی نهادهای مدنـی و مردم‌نهـاد، به‌طور جـد و احیانا به‌صورت عمدی به‌واسطه استیلای برخی اقتدارگرایان مغفول واقع شده و دست‌هایی کوشیده‌اند، با ترسیم نگران‌کننده‌ای از تاثیر اجتماع نخبگان زیر چتر واحد و خیمه کار گروهی و حزبی، ذهن مسئولان ارشد نظام را نسبت به فعالیت‌های جمعی مشوه، مکدر و مردد کنند.

نتیجه این رویکرد، قهرا جامعه برخاسته از انقلاب اسـلامی ایران را نسبت به کار احزاب و فعالیت گروه‌های سیاسـی بدبین می‌کنـد و فرجام این تشـویش و تردید، حاصلی جز فقر و ناتوانی در تربیت و گزینش نیروهای کارآمدی که سکان مدیریت‌ها را به دست گیرند، نخواهد بود.

امروز ایران اسـلامی نزدیک به ۴ دهه آغاز تحول سیاسی و انقلاب مردمی خود را پشـت سر گذارده است، در دهه نخست مردانی در صحنه قدرت آمدند که با توشه و ذخیـره و توانایی‌های پیـش از انقلاب، اداره جامعه را به دسـت گرفتند و با اعتماد فراگیری که مردم نسـبت به آنها داشتند و بـا ظرفیت‌های خودسـاخته‌ای که آنها از پیش برای خویـش فراهم کرده بودند، تمشیت امر ملت را به خوبی عهده‌دار شدند. حادثه تلخ جنگ تحمیلی و محدودیت‌های جهانـی علیه انقلاب مقدس اسـلامی و بازیگری‌های دشـمن، ملت و مسئولان را به خودبـاوری و اعتماد به‌نفس بالایی رسـاند و مردم توانستند با ایمان سترگ و اعتماد به رهبری و دولت‌سازی امام راحل و تکیه بر هوش ذاتی و سختکوشی بسیار، عقبه‌های سـنگینی را از سر بگذرانند و با شکست دشمن غدار، به فتح‌الفتوحی بزرگ در ترک مخاصمه و ورود به عصر استقرار همه‌جانبه و دوره سازندگی دست پیدا کنند. عصر آزمون و خطا، عصر درخشانی بود که در غیبـت احزاب، مردانی بزرگ را در متن تجربه و تلاش خـود آزمود و آنها را برای ایفای نقش‌های بـزرگ و بزرگ‌تر آماده کرد. با ورود بـه دوره پس از دفاع مقدس و تشـکیل دولت سـازندگی به رهبری و مدیریت توانـای مرد دوران سـختی‌ها حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، بستر شایسته‌ای فراهم شد تا نظام تربیت مدیران لایق و شایسـته در غیاب احزاب در متن دولت سردار سازندگی شکل گیرد و آینده را هدف و افق پیـش‌روی خود قرار دهد. در چتر فراگیـر دولت فقید مظلوم آیت‌الله هاشمی‌رفسـنجانی و همچنین با تکیه بر رهاوردهـای دوران تاسـیس پارلمان که به محوریت هم ایشان پا گرفت، بسیاری چهره‌های خدوم و هوشمند، تربیت شدند و رشد بسـیار یافتند و امروز کشور ایران و سرنوشـت اداره ملت، بر عهده توانای آنان قرار گرفته اسـت. اگر با چشم باز و دقت و بصیرت نگریسته شود، هر دست‌آوردی که امروز نصیب ملت ما می‌شود، در میانه آن میدان، نقش تعیین‌کننده مردانی را می‌بینیم که تربیت عصر هاشمی‌رفسـنجانی را در کارنامه رشد و ارتقای خویش به همراه دارند و بر جبین آنها منطق دولتمردی هاشـمی حک شده است.

انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دوازدهم و تبلیغات مقدماتی آن فرصتی را فراهم کرد تا در عرصه رقابت‌هـای موضوعه، احدی از چهره‌های سـاخته، پرداخته شده عصر سازندگی و اصلاحات، شخصیت خودساخته و برگزیده اندیشـه اصلاح‌طلبی رخ نشان دهد و ظرفیت و توانایی خود را با شفافیت بیشتر به همفکران و دوستان‌اش بنمایاند. دکتر اسحق جهانگیری، نماد برجسته و زبان گویای اندیشه اصلاحی، اعتدالی و سازندگی است که در مناظره زنده و رودررویی که بین دو جبهه سیاسـی عمده و اصیل کشور در رسانه ملی برپا شد، خوش درخشید، در این سـوی میدان رقابت و سیاست مردی، سه شخصیت ممتاز قامت برافراشته‌اند، نخست آقای حسن روحانی با تجربه‌های گرانسنگی که از پیش از انقلاب در انبان خود داشـته و تـا پیروزی انقـلاب از آن بهره گرفته و در صحنه رقابت‌ها رای مردم را به دسـت آورده و در پارلمـان حضور یافته و مدیریت کرده و در جنگ برای دفاع از سـرزمین و اندیشه اسلامی، دسـت راست فرماندهی لایق آن مرحوم هاشـمی رفسنجانی، روز و شـب را به پاسـداری از حماسه اسلام و انقـلاب گذرانـده و در عصر اصلاحات، سیدمحمد خاتمی را در شورای عالی امنیت ملی با صداقت و سختکوشی همراهی کرده و از سـال ۹۲ تا به امروز سـکان مدیریت اجرایی را در کسـوت ریاسـت‌جمهوری به دسـت گرفتـه و عمده‌تریـن بحران گریبانگیر، خطیر و نگران‌کننده هسته‌ای را با سرپنجه تدبیر و تفکر و شجاعت ضمن همسو کردن همه نیروهای مدافع نظام به فرجامی پایدار و ارزنده و پرشـکوه رسانده و در کنار او سیاستمرد خودساخته، انقلابی زجرکشیده، مدیر لایق در دولت سازندگی و اصلاحات آقای اسحق جهانگیری است که تجارب مدیریتی‌اش را از سـطح روستا و شهرسـتان و استان آغاز کرده، نهادهای انقلابـی‌ای همچون جهاد سـازندگی از حضورش بهره بـرده و پابه‌پای محرومان خطه کرمان خدمات شـایانی در حق آنان ارائـه کرده و در مراتـب بالاتر، موقعیت و تاثیر تدابیر و مدیریت خویش را در سـطح اسـتان به شایستگی بذل کرده و سپس با رای مردم شریف خطه جیرفت، پای در نهاد قانونگذاری کشور نهاده و پارلمان را به وجود موثر خود در همه عرصه‌هایی که نمایندگان را می‌طلبیده روشـن کرده و مورد حمایت قرار داده و در نظـام برنامه‌ریزی و تدوین بودجه کشور، مود اعتماد هاشمی رفسنجانی و قاطبه مدیـران لایق دولت بوده و نقش مهمی چون سـخنگویی آنان را بر عهده گرفته و در ادامه، مدیریت یکی از مهمترین، حساس‌ترین، پردامنه‌ترین و انقلابی‌ترین استان‌های کشـور را که در درون خویش انواع و اقسام خطوط و جریانات سیاسی را جای داده، بر دوش گرفته و استان پهناور و واجد متنوع‌ترین ماموریت‌ها یعنی اصفهان را به بهترین وجـه ممکن راهبری کرده و سـپس به دلیل صلاحیت‌های همه‌جانبه به دولت اصلاحات راه یافته و مسـئولیت مهمترین بخش اقتصاد ملی، یعنی وزارت صنایع و معادن را عهده‌دار شـده اسـت و بیشترین رهاورد و رشد اقتصادی و توسعه را به همـت نیروهای لایـق و مدیریت شایسـته خویش، در اختیار ملت قرار داده و به رغم قدرت‌یابی رادیکالیسـم خشن و افراطی در شـالکه دولت‌های نهم و دهم، نقش سیاسـی، اجتماعی خود را در جمع همفکران، فراموش نکرده و نقش ارشادی و صواب دید خود در حق مقامات مسـئول را به بهترین وجه ایفا کرده و پس از ۸ سال خانه‌نشـینی و محرومیت دولت و جامعه از برکات وجود ذیقیمـت او، لحظه‌ای از درد مردم و اعتلای کشور و استقرار جامع دولت انقلاب و سازندگی و اصلاحات فارغ نشده، تا فرصتی که بـه همت مردم و رای قاطع آنها در بازگشت اندیشه اصلاحات و اعتدال به عرصه قدرت و کسب ریاست‌جمهوری آقای روحانی فراهم شد، امکان بهره‌گیری از قدرت مدیریتی اسـحق جهانگیری در مقام مدیریت ارشـد کابینـه، معاونت اول رئیس‌جمهور عهده‌دار سخت‌ترین ماموریت تاریخی خویش که همانا فرماندهی اقتصاد مقاومتی اسـت، کارهای شگرفی را به نفع مردم و کشـور به ثمر نشـانده است. البته حضور ذی‌قیمت آقای مهندس هاشمی‌طبا هم که از اقدم مدیـران دولت انقلابی در عصر دفاع مقدس است و با واقع‌بینی هرچه تمام‌تر، موضعی همراه و همدلانه‌ای با دولت آقای روحانی به کار بسته، قرار دارند نقش موثری دارند و در آن سوی میدان، سه چهره شناخته‌شـده‌ای که اندیشه اصولگرایان را نمایندگی می‌کنند، در مقدم آرایش حضور آنها، جناب رئیسـی ظاهر شـده است که همچنان جوان اسـت و ۳۰ سال تجربه در حوزه قضاوت را در اختیار دارد، وی همواره «پرسشگری» بوده است که دیگران در برابر او باید «پاسخگو» می‌بودند چنین شخصیتی امروز آمده است تا در کرسی «پاسخگویی» یعنی ریاسـت دولت جمهوری قرار گیرد که به آحاد ملت «پاسخگو» باشد، پاسخی قانع‌کننده و عاقلانه و مدبرانه و واقع‌بینانه، اگرچه تصور تحقق این جابه‌جایی مسئولیت، یعنی واگذاری کرسـی «پرسشـگری» و استقرار بر کرسی «پاسخگویی» کار سخت و صعب و گرانی اسـت اما به هر حال این حضور که دلالت بر تهـور او دارد، موجب احترام اسـت. در کنـار او آقای محمدباقر قالیباف با ۱۲ سال سـابقه مدیریت شهر تهران و ۵ سـال مدیریت در نهاد انتظامی کشور و تجاربی در فرماندهی نیروی هوایی سپاه که در آغاز حضور او در جبهه‌های دفاع مقدس است. او آمده است که هم در برابر روحانی و جهانگیری بایسـتد و نقد دولت اعتدال را شـعار خویش قرار دهد و هم به صورت مکتوم و در پرده، صلاحیت، فریت و رجحان خویش را نسبت به رفیق همسنگر انتخاباتی‌اش جناب رئیسی در چشم جبهه اصولگرایی که حامیان آن دو هستند بنشاند. او که با اتکا به ۱۲ سال مدیریت شهر تهران سـخن می‌گوید حتی از سوابق فرماندهی خویش در نهادهای نظامی و انتظامی فاصله می‌گیرد و به آن سوی تجارب پیشین نقبی نمی‌زند و توانایی خـود را در آن عرصه به رخ نمی‌کشد، او به رغم اشکالات عدیده‌ای که به نوع مدیریـت‌اش به خصوص در ۷ سال اخیر مسئولیت در شـهر تهران وارد است می‌کوشد، نشـان دهد، که مدیریت دولت اعتدالی روحانی، شکست خورده است امـا رویکرد او و تجاربی که به کار بسـته می‌تواند جایگزین دولت روحانی شـود، در حالی که جامعه شهری، به‌خصوص نخبگان و کانون‌هایی که دارای مرجعیت اجتماعی هستند، به سهولت و روشنی و بی‌هیچ لکنتی استدلال می‌کنند که مدیریت آقای قالیباف در تراز عزت و نجابت شـهروندان تهرانی نیست. حال چگونه او اراده کرده است ملتی را آلوده به نـوع مدیریت بی‌برنامه خویش کند و در کنـار آن دو، البته با چهره‌ای آرام و متین و فاقد صلاحیت لازم و کافی برای ریاست‌جمهوری حضور یافته که بیشتر نماد سنت بازار ماست و دلالت بر قدمت حزبی او می‌کند که شرافتمندانه زیست اجتماعی و سـنتی داشته و از منظر اصولگرایی ناب، حزب موتلفه کوشیده اسـت تا مهندسی را بـه صحنه رقابت بیاورد که هم نشـان از جوانگرایی حزب‌شـان داشته باشد و هم دلالت بر بقاء، حیات و رمق سیاسـی آنها کند. حضور جناب میرسلیم یادآور جوانگرایی حزب کمونیست چین است که پس از گذر ایامی چند فایل به واگذاری کرسی قدرت حزب به نیروهای جوان‌تر شدند.

فارغ از این دو صحنه که آرایش رقابت‌ها را نشان می‌دهد. سخن نگارنده در این مقام تاکید بر حضور فعال، معنادار و تعیین‌کننده چهره شاخص مناظره اول است که هم‌اکنون در عرصه شبکه‌های مجازی و اطلاع‌رسانی عمومی و سنتی و مدرن، زبانزد خاص و عام شد است. آقای اسحق جهانگیری! آری به درستی ماموریت مهمی را عهده‌دار شده تا اولا نشـان دهد که در شایستگی روحانی و رفعت و منزلت سیاسـی او همین بس، که چهره‌ای چـون او را در کانون و محور کابینه خویش در اختیار دارد، ثانیا این حضور می‌خواهد نشـان دهد جوانمردی سیاسی و توافق و اجمـاع دو جبهه اصلاح‌طلبان به‌حدی پایدار و از منزلت اخلاقی برخوردار اسـت که به رغم صلاحیت‌هـای ذاتی و شایستگی‌های اکتسابی جناب جهانگیری، او بـه صراحت اعلام مـی‌دارد که آمده‌ام موضع روحانی را تحکیم بخشـم و صدای مظلوم اندیشه اصلاح‌طلبی باشم و غربت و تنهایی و محرومیت حقوق بخش بزرگی از اندیشه سیاسی حذف شده را فریاد و از دولت اعتـدال دفاع کنم و جنگ هفتاد و دو ملت را فرو نهم و خشـم و عصبیت رقیب را به آرامی پاسـخ دهم سوم اینکه اصلاحات با حضور جهانگیری قصد دارد نشان دهد این جبهه بزرگ مردمی اصلاح‌طلب، قهرمانان و چهره‌های برجسته‌ای دارد؛ که بنا به اقتضای زمان و نیاز جامعه، اسـتعداد حضور و بروز دارند اصلاح‌طلبان امروز افتخار می‌کنند که فرزندی از تبار آنها، صدای مظلومیت‌شان را در رقابت‌های سیاسـی انتخاباتی به گوش ملت ایران می‌رساند، آنها مفتخرند به ملت صمیمانه اعلام دارند که خادمان واقعی‌شان اگر امکان حضور برابر در فرصت‌های برابر با رقیب را نمی‌یابند اما از دغدغه و درد و داغ آنها غافل نیستند و همواره خود را در غربت هم که باشـد برای خدمت به آنها آماده و محفوظ نگه می‌دارند.

امروز «اسـحق جهانگیری» نماد تمام عیار ۳۰ سـال تجربه شکوهمند ملت ما در دفـاع مقدس، عصر سـازندگی دولت اصلاحات و دوران اعتدال است.

دست این فرزند برانگیخته را به گرمی می‌فشـاریم و بـر همـت والای او درود می‌فرستیم و شجاعت، صلابت، صداقت، مردانگی و اعتماد به نفس‌اش را می‌ستاییم. آرزومندیـم ملت ایران در سـال ۱۴۰۰ از خدمـات و تدابیر بابرکت دکتر اسـحق جهانگیری در کسوت مدیریت عالی نظام اجرایی کشور به احسن وجه بهره‌مند باشد.

امروز «اسحق جهانگیری» نماد تمام‌عیار ۳۰ سال تجربه‌شکوهمند ملت ما در دفاع مقدس، عصر سازندگی دولت اصلاحات و دوران اعتدال است.

سازندگی
هفته‌نامه سیاسی – اجتماعی
سال اول . شماره ۱ . شنبـه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران
مدیر مسئول: سید افضل موسوی
سردبیر: محمد قوچانی
دستیار سردبیر: سرگه بارسقیان

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، خیابان خواجه‌عبدالله انصاری، خیابان چهاردهم، کوچه زروان، پلاک ۱۴، واحد ۱۰
تلفن: ۷ – ۲۲۸۸۰۵۳۶ نمابر: ۲۲۸۶۹۶۳۲

ادامه سرمقاله

مبارزه انتخاباتی یا مبارزه طبقاتی؟

ادامه از صفحه ۱

بدون شک آرمان‌های نهضت مشروطیت ایران در نهادهـــای برآمده از فکر اصلاح‌طلبی دهه‌ی اول قرن بیستم (مانند دادگستری، بانک ملی، ارتش، دانشگاه، مدرسه‌های جدید، قانون مدنی و...) متجلی شد و آرمان‌های نهضت ملی ایران نیز در اندیشـــه‌هایی مانند استقلال ایران و انتخابات آزاد در قالـــب گروه‌های ملی‌گرا و میهن‌دوســـت تداوم یافت و آرمان‌های انقلاب اســـلامی ایران هم در تـــداوم منطقی خود در نهضت اصلاحات سیاســـی به صورت حرکتی فراگیر از انتخابات مجلس پنجم تا امروز تداوم یافته است. نهضت اصلاح‌طلبی سیاسی در ایران احیای آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اســـلامی بود. فـــارغ از داوری درباره علل وقوع انقلاب و اینکه تا چه اندازه امـــکان اصلاح در آن دوران وجود داشت؛ ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران برخلاف آنچه این روزها مرسوم است ارزش‌های مارکسیستی نبود. انقلاب اسلامی ایران حرکتی برآمده از طبقه متوســـط ایران بود که استبداد سیاســـی، انحطاط اجتماعی و فساد اقتصادی رژیم سلطنتی پهلوی را برنمی‌تافت و خواهان آزادی‌های سیاســـی، احیای اخـــلاق و عدالت اقتصادی در کشور بود. جریان اصلی در انقلاب ایران نه از آن بنیادگرایان؛ بود و نه چپ‌گرایان هر چند که هر دو جریان سعی کردند انقلاب را به نفع خود مصادره کنند. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی در شرایطی به پیروزی رسید که در کادر مرکزی آن مجتهدان معتدلی مانند آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله هاشـــمی و آیت‌الله خامنه‌ای و روشـــنفکران متدینی مانند مهندس بازرگان، مهندس عزت‌الله ســـحابی و دکتـــر ابراهیم یزدی قرار داشـــتند. اینان در فاصله ســـال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰ که به لحاظ منطقی زمان شـــکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران است، در کادر مرکزی آن نهضت قرار داشـــتند نه آنان که در سال ۱۳۹۶ انقلابی شده‌اند! و با وجود همه‌ی تفاوت‌هایی که میان این صفوف اول انقلابیون وجود دارد این ترکیب و صورت‌بندی از آن تاریخ غیرقابل حذف است. در آرمان‌های این مجتهدان و روشـــنفکران نه خبری از مبـــارزه با آزادی‌های اقتصادی بود نه جنگ با جهان و نـــه وعده حکومت فقرا. آنان از اصولی مانند مالکیت فردی (اما مشـــروع و قانونـــی) و حریم خصوصی دفاع می‌کردند و با وجود دفاع از اندیشه استقلال ایران، غرب‌ستیز نبودند. گفتمان انقلاب اســـلامی از منظر این بزرگان همان اســـتقلال، آزادی، جمهوریت و اسلامیت بود و نه «غرب‌ستیزی یا وابستگی»، «هرج و مرج‌طلبی یا استبداد» و دوگانه‌هایی که امروز برخی «تازه انقلابی‌شدگان» از آن سخن می‌گویند.

نهضت اصلاحـــات ایران احیـــای همین ارزش‌هـــای انقـــلاب اســـلامی ایـــران بود. اصلاح‌طلبـــان گروهی از مدیـــران و فرزندان انقلاب بودند که فکـــر می‌کردند انقلاب نباید به سوی انسداد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی حرکت کند و چون به حقانیت و مشـــروعیت انقلاب و نظـــام باور داشـــتند راه اصلاح را نه انقلابـــی دیگر که احیای انقلاب و اصلاح امور می‌دانستند و مهمترین مجرا برای این اصلاح و احیـــا را نهاد انتخابات یافتنـــد. پس از دوران اســـتقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی در دهه‌ی شصت که سران کشور و روسای دولت و مجلس با اجماع انتخاب می‌شدند، به تدریج برای ورود نسل دوم انقلاب به ارکان عالی نظام رقابتی شـــکل گرفت که یک سوی آن روایتی محافظه‌کارانه از ارزش‌های انقلابی بود و سوی دیگر روایتی اصلاح‌طلبانه. اوج این رقابت در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ به‌وجود آمد؛ دو جریان اصیل محافظه‌کار و اصلاح‌طلب شـــکل گرفت که رقابتی شرافتمندانه برای کسب قدرت سیاسی را انجام دادند. اما از انتخابات مجلس هفتم و به طور مشخص انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ جریان تازه‌ای در کشور به وجود آمد که محافظه‌کاری اخلاقـــی را به نوعی بنیادگرایی سیاسی تبدیل می‌کرد. این جریان در یک دهه اخیر به تدریج از صورت رقیب اصلاح‌طلبان به رقیب نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده اســـت. این جریان انحرافی در آغاز فقط خود را دشمن مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نشان می‌داد اما در ادامه با برابر قرار دادن آن مرحوم و نظام سیاسی (به علت نقش بی‌بدیل ایشان در چهار دهه گذشته) خود را در برابر کلیت نظام قرار داده است. جریان انحرافی البته می‌کوشد خود را جریان انقلابی بدانـــد و دیگران را ضدانقلاب بخوانـــد. غافل از آنکه هنوز به چهل ســـالگی انقلاب نرسیده‌ایم و از آن دوران رهبرانی زنده‌اند و متفکرانی در یـــاد مانده‌اند و انحراف در فهم ارزش‌های انقلاب را برنمی‌تابند. انقلابیون تازه به دوران رسیده از انقلابی دیگر سخن می‌گویند و نـــه آن انقلابی که در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ در ایران رخ داد و رقیبان آنان نه فقط اصلاح‌طلبان که اصول‌گرایان اصیلی هستند که هنوز گفتمان انقلاب اسلامی ایران را از یاد نبرده‌اند.

این روزها جریان‌های انحرافی مختلف و متعددی با نفوذ در اردوگاه رقیب اصول‌گرایان می‌کوشـــند دوقطبی تازه‌ای بسازند که البته پوستینی کهنه است: دوقطبی فقیر و غنی... این مرده ریگ مارکسیســـم مبتذل در ایران اکنون در صورت بنیادگرایانه و فرصت‌طلبانه‌ای احیا شده است که از نظام جمهوری اسلامی تصویری تیره و تار و سیاه ارائه می‌کند. تلقی مارکسیستی از اسلام که از منافقین و فرقان به اینان به ارث رســـیده است، انحرافی تازه نیســـت. در حالی که نسل اولیه اصلاح‌طلبان (جناح چپ اســـلامی) از التقاطهای اولیه خود در دهه شصت فاصله گرفته است، این جریان سیاسی می‌کوشد در خوش‌بینانه‌ترین صورت با اعتقاد و در واقع‌بینانه‌ترین شکل با ابزارسازی از شـــکاف واقعی فقیر و غنـــی در ایران امروز انتخابـــات را از یک مبارزه سیاســـی به مبارزه طبقاتی تبدیل کند.

مبارزه طبقاتی البته در تفکر مارکسیستی بر عهده کارگران است نه پیمانکاران شهرداری یا متولیان دینداری اما از شگفتی‌های روزگار این است که نامزد حزب بازار در ایران لباس کارگری می‌پوشد تنها و تنها به این علت که حریف را – که از قضا در گذشته به این جریان سیاسی نزدیک‌تر بود تا چپ‌گرایان اسلامی – برخاک کند. آنچه در حال رخ دادن است چیزی جز آتش زدن قیصریه به خاطر یک دســـتمال نیســـت. **هر نهضتی روزی بـــه نظام تبدیل می‌شود و هر انقلابی به دولت می‌رسد اما برای پیروزی در انتخابـــات نمی‌توان انقلاب کرد و پس از پیروزی در انتخابات نمی‌توان همه ارزش‌های گذشته را زیر سوال برد.**

روشن است که هیچ کس نمی‌تواند بحران اقتصادی و حتی اجتماعـــی در ایران امروز را انکار کند. بحرانی که پیش از همه ریشـــه در آن هشت ســـال بدتر از جنگ تحمیلی دارد و راه عبور از آن پناه به مارکسیسم اسلامی که بازگشت به مسیر توســـعه ایران است. ایرانِ پس از جنگ تحمیلی در دولت‌های هاشمی و خاتمی حرکت به سوی توسعه را آغاز کرده بود، رشد اقتصادی دوران هاشمی در حرکت منطقی خود به رشد سیاسی دوران خاتمی رسیده بود و آسیب‌های اجتماعی ناشی از توسعه‌ی نامتوازن اولیه در آسیب‌شناسی اصلاح‌طلبان با توجه به مقولاتی چـــون رفاه اجتماعی در حال اصلاح بود.

اشتباه استراتژیک اصلاح‌طلبان در انتخابات ســـال ۱۳۸۴ در نامزدی همزمان چهار چهره اصلاح‌طلب و اشتباه استراتژیک اصول‌گرایان در همان انتخابات در نامزدی دو اصولگرا سبب شد همان جریان انحرافی به قدرت برسد و کشور را از مســـیر توسعه دور کند. در آن انتخابات هر ۶ نامزد (هاشمی، کروبی، معین، مهرعلیزاده و حتی لاریجانی و قالیبـــافِ آن زمان) به برنامه توسعه کشور متعهد و ملتزم بودند اما مردی به قدرت رسید که اعتقادی به کلمه توسعه نداشت و متاســـفانه با وجود گردن‌فـــرازی او در برابر نظام، امروز لباس او بر تن کسانی است که در انتخابات سال ۱۳۸۴ خود را در تداوم دولت‌های قبل (دســـت‌کم در اقتصاد) می‌دانستند و نه در تقابل با آنان.

کارگزاران ســـازندگی ایـــران یکی از نخستین گروه‌های اصلاح‌طلب ایران. در آغاز انتشار هفته‌نامه «ســـازندگی» (ارگان رسمی خود) همچنان بر دو رکن بنیادی خود پافشاری می‌کند:

اول- استراتژی توسعه بـــه عنوان اولین و آخرین برنامه‌ی اداره کشور برای گذار از شکاف فقیر و غنی و از بین بردن تضادهای طبقاتی و بحران‌های اجتماعی.

ما معتقدیم راه‌حل مســـئله فقر و فســـاد و تبعیض نه دامـــن زدن به جنگ طبقاتی میان طبقـــه محروم و طبقه مرفه کـــه تلاش برای رشـــد اقتصادی، تولید ثروت و توزیع مناســـب فرصت‌های کارآفرینی در کشـــور اســـت تا نه قله‌های ثروت شـــکل بگیرد و نـــه چاله‌های فقـــر. **برنامه محوری ما در دو دهه گذشـــته تلاش بـــرای تقویت طبقه متوســـط و یک بورژوازی مســـتقل ملی است که در تعامل با ســـرمایه‌گذاران خارجی فرصت‌های کسب و کار و صنعت و تجـــارت ملی را فراهم کند. ما نه از تقدم توســـعه بر عدالت که از ایجاد عدالت براساس توسعه سخن می‌گوییم.** به نظر ما این که همه‌ی جناح‌های سیاسی به مانند **کارگزاران** از اهمیت اقتصاد ســـخن می‌گویند، نشانه یک اجماع ملی است به شرط آنکه اقتصاد را به معنای توزیع ثروت ندانیم و آن را به تولید ثروت معنا کنیم. همین که اصولگرایان در این انتخابات مبارزه با فقر را بر مبارزه با کفر مقدم می‌دانند، یک گام بلند در فهم صورت مســـئله است که راه کفر از فقر می‌گذرد و برای مبارزه بـــا هر نوع الحاد فکری باید با پوچی در زندگی روزمره مـــردم مبارزه کرد. اما برای مبارزه نباید همچون مجاهدین خلـــق در دام علیه مبارزه مارکسیســـتی افتاد. ایجاد یک اقتصاد آزاد به معنای واقعی کلمه راه رانت‌خواری را مســـدود می‌کند. شـــاید اصولگرایان در این باره باید از برخی دوستان اصلاح‌طلب (چپ‌گرای) ما درس بگیرند که چند دهه از تقدم عدالت اجتماعی بر توسعه اقتصادی سخن گفتند و اکنون خود در تله‌ی آن گرفتار آمده‌اند!

دوم – استراتژی انتخابات به عنوان اولین و آخرین روش فعالیت سیاسی برای حفظ حقوق و آزادی‌های سیاسی.

کارگزاران در شـــرایطی در انتخابات سال ۱۳۷۴ «مجلـــس پنجم» را تشـــکیل داد که اکثریت جناح چپ (به خصوص مجمع روحانیون مبـــارز و دفتر تحکیم وحدت به جز ســـازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) انتخابات را تحریم کرده بودند. **کارگزاران** پرچم‌داران مخالفت با تحریم انتخابات در همه ادوار مجلس و ریاست جمهوری از بیست سال گذشته بوده‌اند.

و اکنون خوشـــحالیم که از ســـال ۱۳۹۲ این راهبرد به یک اســـتراتژی عمومی در میان اصلاح‌طلبان بدل شـــده اســـت کـــه حتی در انتخابات مجلس دهم با همه مشـــکلات یک فهرست حداقلی سرنوشـــت مجلس را پس از دوازده سال تغییر داد.

کارگزاران سازندگی ایران در طلیعه انتشار نشریه ســـازندگی خوشحال اســـت که امروز در کنار رئیس‌جمهور معتـــدل و مصلح ایران دکتر حســـن روحانی یک **کارگزار سازندگی ایران به نام دکتر اسحاق جهانگیری** ایستاده است که عصاره‌ی تجارب دولت‌های هاشمی و خاتمـــی و روحانی اســـت و بـــا صراحت و شـــجاعت به دوربین نگاه می‌کنـــد و به مردم می‌گوید یک اصلاح‌طلب است. اصلاح‌طلبی که در دام تضادهای کهنه‌ای مانند «توسعه و عدالت»، «توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی»، «فقیر و غنی»، «دولت و ملت»، «حاکمیت و اصلاحات» نمی‌افتد. نســـل دوم اصلاح‌طلبان ایـــران به‌میدان آمده‌اند. عبور از رادیکالیســـم هشت سال قبل، بازسازی مفهوم اصلاح‌طلبی در درون نهاد دولـــت، احیای راهبرد انتخابات و تشکیل شـــورای عالی اصلاحات با همه‌ی ایرادات، قرار گرفتن سرمایه‌های اجتماعی جبهه اصلاحات در صدر ساختار تشکیلاتی آن و تولد چهره‌های تازه اصلاح‌طلب همگی محصول یک نهضت و حرکت اصلاح‌طلبانه از دو دهه قبل بدین سو است:

۲۲ سال پس از اعلام موجودیت کارگزاران سازندگی ایران و ۲۰ سال پس از پیروزی بزرگ اصلاح‌طلبان در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶.

راز پیـــروزی مـــا در آن روزگار اتحاد همه اصلاح‌طلبان بود و راز پیروزی ما در این روزگار هم اتفاق ماست: **آری به اتفاق می‌توان جهان را گرفت.**

حقوق اساسی

اقلیت‌ها و شوراها

محمود علیزاده طباطبایی
کمیته فرهنگی و اجتماعی

فقهای محترم شورای نگهبان طی ابلاغیه‌ای اعـــلام کرده‌انـــد: در اجرای اصل چهـــارم قانون اساسی جمهوری اســـلامی ایران و طبق مواد ۱۹ و ۲۱ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان نظریه فقهای محترم شـــورا راجع به تبصره یک ماده ۲۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شـــهرداران، مصوب ۱۳۷۵ که در جلســـه ۹۶/۱/۲۳ مورد بحث و بررسی واقع شده جهت ابلاغ به مراجع ذی‌ربط تقدیم می‌گردد:

«با عنایت به اطلاعات واصله از برخی مناطق کشور که اکثریت مردم آنها مسلمان و پیرو مذهب رسمی کشور هســـتند و افراد غیرمسلمان در این مناطق خود را داوطلب عضویت در شورای اسلامی شهر و روستا نموده‌اند و با توجه به اینکه تصمیمات شـــوراها در خصوص مسلمین بدون رسیدگی آن در شـــورای نگهبان لازم‌الاتباع خواهد بود تبصره یک ماده ۲۶ قانون نســـبت بـــه چنین مناطقی با نص فرمایشات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینـــی در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱۲ مغایر است و لذا خلاف موازین شرع شناخته شد.»

ریشـــه فقهی این برداشـــت فقهای شورای نگهبان در مورد برابری مســـلمان و غیرمسلمان ســـابقه تاریخی دارد؛ مرحوم شیخ فضل‌الله نوری در ارتباط با قانون اساسی مشروطه می‌گوید: یکی از موارد آن ضلالت‌نامه (قانون اساسی) این است که افراد مملکت متســـاوی‌الحقوقند... و این یکی از ارکان مشـــروطیت است... محال است با اسلام حکم مســـاوات... ای بی‌شرف، ای بی‌غیرت ببین صاحب شـــرع برای اینکه تو منتحل به اسلامی برای تو شـــرف مقرر فرموده و امتیـــاز داده تو را و تو خودت از خودت سلب امتیاز می‌کنی و می‌گویی من با مجـــوس و ارمنی و یهودی بـــرادر و برابر باشـــم.» (رساله حرمت مشروطه از شیخ فضل‌الله نوری، کتاب و مسائل مشروطیت ص ۱۵۱ تا ۱۶۷)

در طول تاریخ یک‌هزار و چهارصد ساله فقهای شـــیعه مرجع مردم در مسائل مبتلابه بوده‌اند و به دلیل آنکه مردم در ارتباط با مسائل فردی از فقها اســـتفتاء می‌کرده‌اند هزاران جلد کتاب و رساله در ارتباط با مســـائل فردی تدوین شده است ولی در ارتباط با مســـائل اجتماعی به دلیل دوری فقها از حکومت و عدم مراجعه مردم به فقها در این رابطه تحقیقات جامعی انجام نشده و موضوعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و علمی مورد توجه فقهای عظام نبوده است.

اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۶ مقرر کرده بـــود: «باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفت با قواعد مقدســـه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام نداشته و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اســـلامیه بر عهده علمـــای اعلام بوده و هست. لذا مقرر است در هر عصری از اعصار هیاتی که کمتر از پنج نفر نباشـــد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند... موادی که در مجلس عنوان می‌شـــود و به دقت مذاکره و غوررسی نمود. هر یک از مواد معنونه که مخالف با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرد و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رای این هیات علما در این باب مطاع و متبّع خواهد بود و این ماده تا زمـــان حضور حضرت حجت عصرعج‌الله فرجه تغییرپذیر نخواهد بـــود.» به تعبیر مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی؛ عدم تشکیل هیات مجتهدین در دوران مشـــروطیت این فرصت را در جمهوری اسلامی برای فقه شیعه ایجاد کرد که با منابع غنی و روش مجرب خود با مسائل اجتماعی دست‌وپنجه نرم کند و نقصان عظیم خلأ احکام اجتماعی اسلام را پر کند، جامعه فقهی ما هنوز شـــاید به اهمیت ضرورت اهتمام به مسائل اجتماعی پی نبرده باشد ولی نهادهای مسئول نظیر رهبری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان قانون اساسی، مجلس خبرگان رهبری، قوه قضائیه و... با درک مشـــکلات اجرایی بایستی تمام سعی خود را بنمایند که به تعبیر امام خمینی(ره) اسلام در پیچ و خم‌های اقتصـــادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت در اداره جهان نشود. مرحوم آیت‌الله هاشـــمی می‌فرمودنـــد اگر هیات علما در صدر مشـــروطیت تشکیل می‌شد چه بسا با عدم درک صحیح مســـائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاســـی و... با نظـــرات ناهماهنگ با مقتضیات زمان، جمهوری اسلامی را با مشکلات عظیم‌تری مواجه می‌کرد. آیت‌الله هاشمی در نامه ۱۳۶۰/۷/۵ خـــود به امام خمینی به نحوی به این موضوع اشـــاره دارند که قوانینی که در دستور کار شـــورای نگهبان قرار می‌گیرند مسائل اجتماعی روزند که با موازین شـــرعی که قرن‌هاست صیقل نخورده و فارغ از حیات اجتماعی مورد اجتهاد قرار گرفته، منطبق نیستند و از امام راه‌حل می‌خواهند و وقتی که فقهای شورای نگهبان موازین اسلام مندرج در اصل چهارم قانون اساســـی را منحصر در احـــکام اولیه و احکام ثانویـــه می‌دانند امام در تذکری به شـــورای نگهبان اعلام می‌کنند «تذکر پدرانه به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها مصلحت نظام را در نظر بگیرند. چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست. حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند و با این بحث‌ها طلبگـــی مدارس که در چارچوب تئوری‌هاست، نه تنها قابل حل نیست که ما را به بن‌بست‌هایی می‌کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می‌گردد. شما در عین اینکه باید تمام توان خود را بگذارید که خلاف شـــرعی صورت نگیرد و خدا آن روز را نیاورد، باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای نکرده اسلام در پیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت در اداره جهان نگردد.» (صحیفه نور ج ۳۱ ص ۶۱)

آنچه که فقهای شـــورای نگهبان از کلام امام اســـتنباط کرده‌اند با واکنش موسسه تنظیم و نشر آثار امام مواجه شد و قائم مقام موسسه در پاسخ به فقهای شورای نگهبان اعلام کردند: «... سخنان امام... ناظر بر شـــرایطی بود که کمونیســـت‌ها و گروه‌های ضد انقلاب با شعار نفوذ در شوراها قصد جلوگیری از تصویب قانون اساسی بر مبنای احکام اسلام را داشتند و سخنان امام اصلا در مقام تعیین شرایط برای ثبت‌نام صلاحیت نامزدهای انتخابات شـــوراها نبوده بلکه... در مقـــام بیان ملاک‌های انتخاب صحیح بوده...»

فحوای کلام امام هم وقتی می‌فرمایند: «... در هر شهری باید همچو اشخاص مومن معتقد، مومن به نهضت اسلامی، به جمهوری اسلامی و منحرف نبودن به یکی از این مکتب‌های فاســـد را انتخاب کنند» احســـاس خطر نسبت به نفوذ افرادی است که با طرح خود مختاری دنبال تجزیه کشور بودند وگرنه استناد به قاعده نفی سبیل و موازین اسلامی مندرج در اصل چهارم قانون اساسی برای منع ورود اقلیت‌های دینی شناخته شـــده در شوراها موجب مخدوش شـــدن مشـــارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همـــه مردم، اتکاء بـــه آراء عمومی، تساوی حقوق مندرج در اصول متعدد قانون اساسی است. آیا شـــوراها در جایگاه بالاتری قرار دارند یا مجلس شورای اســـلامی؟ اصل سیزدهم قانون اساسی اقلیت‌های دینی را به رسمیت می‌شناسد و اصل شـــصت و چهارم قانون اساسی اجازه حضور نمایندگان زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان آشوری و مســـیحیان ارمنی در مجلس شورای اسلامی را می‌دهد و چه بســـا رای نمایندگان غیرمســـلمان مجلـــس در انتخاب یا عزل وزیـــر یا عدم کفایت رئیس‌جمهور بتواند نقش‌آفرین باشد یا در تصویب یا عدم تصویب قوانین موثر واقع شود. آیا اینگونه تفسیر از قانون عادی آن هم بعد از اینکه در مجلس شورای اسلامی تصویب شـــده و به تایید شورای نگهبان رسیده این نگرانی را ایجاد نمی‌کند که با این استنباط، فقهای شورای نگهبان یک روز هم با استناد به حاکمیت اصل چهارم بر عموم و اطلاق همه اصول قانون اساســـی در پی مخدوش کردن قانون اساسی برآیند؟

اگر نگرانی فقهای شورای نگهبان آنچنان که در ابلاغیه آورده‌اند عدم رسیدگی مصوبات شـــوراها در شـــورای نگهبان اســـت که اصل یکصدوپنجم قانون اساسی تکلیف را روشن کرده و مقرر نموده «تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلامی و قوانین کشور باشد» در صورت عدول شـــوراها از اصل یکصد و پنجم ماده ۸۰ قانون تشکیلات وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی هیات حل اختلاف مرکزی و رسیدگی به شکایات را مرجع رســـیدگی به اعتراض به تصمیمات شـــوراها قـــرار داده و اصل ۱۷۰ و مواد ۱۹ و ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی و ابطال تصمیمات خلاف موازین شرع و قانون شوراها را دیوان عدالت اداری قرار داده اســـت؛ نگرانی فقهای شورای نگهبان از عدول شوراها از موازین اسلامی مندرج در اصل چهارم قانون اساســـی با توجه به نظارت‌های قانونی موجود بر مصوبات شوراها موردی ندارد.

محروم کردن اقلیت‌های دینی از حقوق قانونی، خود عدم توجه به مقتضیات زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست و کشور را با معضلات داخلی و خارجی مواجـــه می‌کند. در وضعیتی که می‌بینیم یک مسلمان، شهردار شهر لندن می‌شود آیا این منطقی است که هموطنان غیرمسلمان را از حقوق اساسی خود محروم کنیم؟

جامعه

در آستانه بحران

علی جمالی
عضو شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی

میانگین سنی مدیران ارشـــد کشور ما امروز به گونه‌ای است که طی ده سال آینده بسیاری از آنان به افتخار بازنشستگی نائل شده یا دیگر کارآیی لازم و قدرت تصمیم‌گیری در شـــرایط حساس را نخواهند داشت. این واقعیتی است که از آن گریزی نیســـت و از قضا منحصر و محدود به کشـــور ما نیست؛ چرا که از ابتدای خلقت شرایط به گونه‌ای بوده که به هر حال انسان‌ها کم یا زیاد عمرشان محدود است و طبیعتا آنچه باعث پیشرفت جوامع می‌شـــود، عمر نوح مدیرانشـــان نیست بلکه رمز موفقیت آنهـــا در تعریف منطقی چرخه مدیریتی اســـت. آنها که نگاهشـــان محدود به دوره‌های چهارساله دولت، یا پارلمان نیست، با دوراندیشی منافـــع ملیشـــان را در نظر می‌گیرنـــد و تلاش می‌کنند تا نسل‌های مختلف را در ادوار گوناگون آماده پذیرش مسئولیت کنند و در غربالگری‌های مختلف می‌توانند از میان یک نسل ده‌ها مدیر ارشد و چندین نامزد کســـب پست‌های حساس تربیت کنند. به همین دلیل نیز می‌بینیم که هرگز در این کشورها با پیری و سالخوردگی مدیران ارشد مواجه نیستیم و آنها به مثابه یک نظام دینامیک همواره با تزریق مدیران جوان در حال ترمیم خود هستند.

اما در ایران چه اتفاقی رخ داده اســـت؟ آیا در طول ۲۰ ســـال گذشته کشور ما توانسته مدیرانی در تراز مدیریتی ارشد و شایسته تصمیم‌های بزرگ تربیت کند؟ نگاهـــی به متولدین دهه ۵۰ به بعد داشته باشیم. چند مدیر در متوسط سنی ۳۰ تا ۴۵ سال تربیت کرده‌ایم؟ اندک تجربه‌هایی که جناح راست در این حوزه داشته، منجر به پکیجی از رانت و ناکارآمدی شده و در جریان اصلاحات نیز امروز شاهد نســـل جوانی که توان اداره کشور را داشته باشند، نیســـتیم. این اتفاق که می‌توانیم نام آن را خلأ نســـلی – مدیریتی بگذاریم، می‌تواند منجر به مهمترین بحران کشور شود. فرصتی که امروز جریان اصلاحات در فرآیند انتخابات شورای شهر به دست آورده می‌تواند نخستین گام برای حل این مشکل باشد. به دلایل متعدد امروز فرصت بحث پیرامون این نیست که چرا در این سال‌ها نسبت به کادرســـازی بی‌توجه بوده‌ایـــم اما این فرصت فراهم است تا از شکل‌گیری یک بحران تمام‌عیار جلوگیری کنیم.

جای خالی هاشمی

همایش دیدبان اعتدال به یاد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و به همت کارگزاران سازندگی برگزار شد

صبح روز پنج‌شـــنبه ۲۴ فروردین ۹۶ همایشی تحـــت عنوان دیدبـــان اعتدال که بـــه تبیین آرا و اندیشه‌های آیت‌الله هاشمی می‌پرداخت، با سخنرانی محمدعلـــی نجفی دبیر علمی همایش و ســـپس سیدحسن خمینی، ســـیدمحمدعلی ایازی، سروش محلاتی، ســـیدمحمود دعایی و جلال رفیع برگزار شـــد. در نوبت عصر این همایش نیز محمد فروزنده، ســـردار حسین علایی، مسعود نیلی و مسعود روغنی زنجانی به همراه مرتضـــی الویری و احمد نقیب‌زاده در مرکز همایش‌های رازی به ســـخنرانی پرداختند. اســـحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری نیز ســـخنران اختتامیه این همایش بود. در این همایش که با حضور جمعی از دولتمردان، نمایندگان مجلس و شخصیت‌های سیاسی برگزار شد، به بررسی وجوه شـــخصیتی آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی پرداخته شـــد. این همایش مقدمه‌ای بود بر کنگره دوم حزب کارگزاران سازندگی ایران که در ۲۵ فروردین ماه یعنی یک روز بعد برگزار شد.

سیدحسن خمینی: مراقب جامعه باشیم

در ابتدای مراســـم، سیدحســـن خمینی، آیت‌الله هاشمی را شاگردی خواند که باعث افتخار استادش بود. او گفت: «بـــالا برویم، پایین بیاییم، بخواهیم و نخواهیم، ایشان شـــاگرد و فخر امام است که با آن یکی، دیگری را می‌شناســـیم. روایتی است که یکی از بزرگان مکتب نجف گفت پیامبر را دوســـت دارم چون علی را تربیت کرده اســـت. وصف حال امام(ره) و آیت‌الله هاشـــمی هم همین اســـت. آقای هاشمی هیچ‌گاه نخواست عامل انشقاق جامعه باشد؛ مانند امام که عامل وحدت بود.» او با بیان اینکه آیت‌الله هاشمی معتقد به مردم بود و اعتقاد داشت مردم اگر با هم باشند توفـــان به پا می‌کنند، درباره انتخابات پیش رو گفت: »باید بسیار مراقب باشیم که جامعه دچار چندپارگی و چنددستگی نشـــود.» فرزند یادگار امام خمینی(ره) در بخش دیگری از ســـخنانش درباره شـــخصیت رئیس دولت سازندگی گفت: «واقعیت این است که آقای هاشـــمی در عمل و گفتار به دور از ریا بود. در سخنرانی‌هایی ایشان گفتند به این دلیل جذب امام شدم که ریا نداشت. آقای هاشمی هم هیچ‌گاه بنای کتمان نداشتند و خودشان بودند.» سیدحسن خمینی انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ و ثبت‌نام آیت‌الله هاشمی در این انتخابات را یادآور شد و گفت: «روزی که برای ثبت‌نام ســـال ۹۲ رفته بود، به ایشان گفتم با همان ماشـــین‌هایی که همیشه رفت‌وآمد می‌کنید رفتید؟ گفتند بله. بـــرای رای مردم که نباید ریا کرد. اشـــرافیت یعنی مال داشتن؛ اگر ابراز کنیم به جهت تفاخر به دور از شأن انسانی است، اما حالا کسی مال دارد اما کتمان می‌کند که ریا و مصداق چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند، است.» یادگار امام تاکید کرد: «آقای هاشمی معتقد بود ریا مانع رشد در جوامع اسلامی است؛ او معتقد بود علت عقب‌ماندگی در جامعه اسلامی این است که به تولید ثروت فکر نمی‌شود و برای این است که توسعه کنار گذاشته می‌شود.» نوه بنیانگذار جمهوری اسلامی با بیان اینکه باید دنیاسازی دنیاگریزانه داشت، ابراز کرد: «آقای هاشمی براساس نـــگاه عمل‌گرایانه و واقع‌بینانه می‌گفت جامعه را باید به تلاش دعوت کنید تا به اندازه کفاف بهره‌مند شود و به همین خاطر اســـتراتژی ایشان در حکومت‌داری به توسعه و تولید بیشتر میل پیدا می‌کرد.»

محمدعلی ایازی: ابعاد شخصیتی هاشمی مغفول مانده است

بعد از سخنرانی سیدحسن خمینی، از محمدعلی ایازی استاد حوزه و دانشگاه خواسته شد که به جایگاه بیاید و در خصوص وجوه شخصیتی آیت‌الله هاشمی و جایگاه قرآن در اندیشه‌های او سخن بگوید. ایازی با بیان این که برخی از ابعاد شخصیتی هاشمی مغفول مانده است گفت: «کســـانی که با آیت‌الله هاشمی آشنا هستند، کمتر شخصیت دینی و فقهی و قرآنی ایشـــان را می‌شناسند و این بعد از شخصیت ایشان مغفول مانده اســـت.» او با اشاره به جایگاه قرآن در اندیشه هاشمی اظهار کرد: «آیت‌الله هاشمی سال‌ها در حوزه قم تحصیل کرد و شـــاگرد امام(ره) بود و با وجود دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی، در حوزه علم و قرآن نیز تحقیقات و تألیفاتی داشت و مجله «مکتب تشیع» را نیز با سه نفر از همراهانش منتشر می‌کرد.»

این استاد حوزه و دانشگاه با بیان اینکه «امروز کســـانی را داریم که با چند ســـال تحقیق، خود را آیت‌الله می‌نامند»، تصریح کرد: «آیت‌الله هاشمی با وجود سال‌ها تحقیق و تألیف، علمیت خود را نشان داد ولی تفاخری هم نمی‌ورزیـــد. در این موضوع می‌توان به تفســـیر راهنما در ۲۰ جلد و تفســـیر موضوعی در ۳۳ جلد اشـــاره کرد. این تفاسیر که دغدغه‌شان بود را ایشان قبل از انقلاب و در آستانه پیروزی انقلاب انجام دادند یعنی در زمان تئوریزه کردن انقلاب این کار را انجام دادند.»

وی خاطرنشـــان کـــرد: «ایشـــان در آخرین زنـــدان خود پیش از انقـــلاب به این فکر افتاد که تفسیر راهنما را بنویسد. آنچه که امروز به صورت دست‌نویس شاهدش هستیم، ۲۲ دفتر دست‌نویسی است که ایشان پس از نماز صبح می‌نوشتند. این ۲۲ دفتر بعدها به شکل کنونی تدوین شد و براساس آن کار، کارهای دیگری هم صورت گرفت.»

ایازی درباره تفاسیر آیت‌الله هاشمی گفت: «این تفاسیر برخاســـته از اندیشه‌ای بود که متفکران ما به عنوان بازگشت به قرآن آن را مطرح می‌کردند. درباره اندیشه بازگشت به قرآن دو تلقی وجود دارد؛ در تلقی اول، بازگشـــت به مســـائل صوری قرآن ماننـــد حفظ و قرائت قرآن، مســـابقه قرآن و چاپ رنگارنگ قرآن است که ربطی به شناخت و عمل پیدا نمی‌کند. تلقـــی دوم، معرفی آموزه‌های قرآن به جامعـــه و مأنوس کردن مردم با قرآن اســـت تا دســـتورالعمل‌های قرآن را به شکل قانون اساسی درآورد. این مسئله متفکران ما درخصوص بازگشت به قرآن بوده است.»

این عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم افزود: «مهمترین ویژگی تفســـیر هاشمی بُعد اجتماعی این تفسیر است. آیت‌الله هاشمی در کنار تفسیر مســـائل اعتقادی به مسئله حقوق و کرامت انسان و عدالت اجتماعی هم توجه داشت.»

وی گفت: «قرآن دســـتوراتی ماننـــد عدالت و کرامت انسان را مطرح می‌کند و مسئله مهمتر که می‌تواند پایه عدالت و کرامت باشد، آزادی است چون تا آزادی نباشـــد عدالت و کرامتی هم در کار نیست. این آموزه‌هایی است که خداوند در قرآن مطرح کرده است.»

این اســـتاد حوزه و دانشـــگاه خاطرنشان کرد: «برجسته بودن ابعاد اجتماعی تفسیر هاشمی نشان از دغدغه‌های ایشان اســـت، متأسفانه درخصوص تفســـیر راهنمای ایشان کم کار شده است و این در حالی است که این تفسیر با زبان معیار و ساده نوشته شده است.»

وی در بخش دیگری از این ســـخنرانی از نظام بانکداری انتقاد کرد و گفت که می‌شود با بازنگری جـــدی در این حوزه و توجه به آیـــات قرآن و علم فقه، مجدد قوانینی برای کارآمدی بیشتر بانکداری اسلامی تنظیم کرد.

سروش‌محلاتی: به هاشمی گفتند در نماز جمعه از دیدگاه امام عبور کردید

بعد از آیـــت‌الله ایازی نوبت آیت‌الله ســـروش محلاتی بود. این ادیب حوزه و دانشـــگاه با تأکید بر اینکه «دیدگاه آیت‌الله هاشمی‌رفســـنجانی نسبت به حکومت دینی، عملی و تجربی بوده است»، گفت: «پس از انقلاب اسلامی در مسائل مختلف و در پاسخ به این سؤال که «حالا چه باید کرد؟» نظر برخی این بود که قم فتوا دهد و تهران به عنوان مرکز حکومت، آن فتاوی را اجرا کند؛ اولین فقیهی که گفتند چنین کاری امکان ندارد آیت‌الله هاشمی‌رفســـنجانی بود. آیت‌الله هاشمی‌رفســـنجانی دغدغه کارآمدی نظام دینی را داشـــت، قبل از انقلاب این دیدگاه توســـط بسیاری از علما مطرح شد؛ اما ایشان نگاه متفاوتی به بحث حکومت اسلامی داشت.»

استاد دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم ادامه داد: «علمای ما برای اثبات حکومت اســـلامی بحث نظری می‌کنند که نظـــام دینی همان نظام مطلوب و دینی اســـت، قبل از انقلاب و تا چند سال اخیر این رویکرد وجـــود دارد. اما رویکرد دومی هم وجود دارد که به جـــای مباحث صرفا نظری عقلی و نقلی برای اثبات مطلوبیت و مشروعیت حکومت دینی، به دنبال آن است که با رویکرد عملی و تجربی کارآمدی حکومت دینی را نشـــان دهد. این رویکرد تأکید می‌کند که واقعیت‌ها را ببینیم و بر اساس آن داوری کنیم. بین بزرگان فقط آیت‌الله هاشمی وارد این رویکرد شد.»

وی درباره ریشـــه و دلیل ایـــن نوع نگاه گفت: «دلیلش روشـــن اســـت؛ حکومت دینی ادعاهایی دارد. پژوهشـــگر می‌گوید آیا می‌شود این ادعاها را در زمینه زندگی مردم محک بزنیم یا نه؟ باید ببینیم این آموزه‌ها چقدر می‌تواند عملی باشد. فقط آیت‌الله هاشـــمی در این بحث ورود کردنـــد؛ والا مواردی مثل بحث فقهی درباره مقوله عمربن حنظله سابقه طولانی دارد و هنری جز فقاهت نیاز ندارد. اما انقلاب بعد از پیـــروزی باید ادعایی چـــون امنیت، عدالت، عمران و آبادانی و آزادی را در صحنه عمل نشـــان می‌داد و هاشمی دنبال این بود.»

ســـروش محلاتی اضافه کرد: «پس از انقلاب اســـلامی ما درگیری‌های زیادی داشتیم؛ مجلس مصوبه‌ای تصویب می‌کرد و شـــورای نگهبان آن را رد می‌کرد. درگیری‌های سال‌های ۶۲ وجود داشت؛ حالا چه باید کرد؟ یک نظر این بود که قم فتوا دهد و تهران به عنوان مرکز، حکومت کند.»

وی ادامه داد: «اولیـــن فقیهی که گفت چنین کاری امکان ندارد، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بود، آن هـــم نه با ادعا، نه با موضـــع مخالفت با مبنای حکومت اســـلامی؛ بلکه بر پایه عقل و اســـتدلال این روش را ناممکن می‌دانســـت و برای آن راهکار جایگزین داشت. مثل موضوع مالیات که علما معتقد بودند جامعه اسلامی مالیات نمی‌گیرد، همان خمس و زکات کافی است اما مباحث صورت گرفته مسائل را طور دیگری رقم زد.»

این اســـتاد حوزه و دانشـــگاه افزود: «زمانی که مشـــاجرات در مجلس بالا گرفته بود و همه منتظر نظر امام بودند و امام هم بنا بر مصلحت سکوت کرده بودند، آیت‌الله هاشـــمی این بحث را مطرح کرد که اساسا آیا می‌شود حکومت داشته باشیم و دولت نتواند مالیات بگیرد؛ پس دولت تکالیف خود را چگونه انجام دهد؟ از همین رو نامه‌ای به امام نوشتند که در ابتدای آن یادآور شدند این نامه تاریخی خواهد بود، امام تا آن زمان در برابر مالیات ســـکوت کرده بودند، اولین نفر آیت‌الله هاشـــمی بود که با استدلال و مستند با امام وارد بحث شـــد؛ با امام هم که یک فقیه مبرز بود با ادعا نمی‌شـــود بحث کرد و آقای هاشمی هم در نامه‌ای پنج صفحه‌ای اســـتدلال کرد و موضوع به نتیجه‌رسید.»

وی افزود: «آیت‌الله هاشمی معتقد بودند اگر همه ادله نظری حکومت اسلامی را داشته باشیم، اما در عمل نتوانیم کارآمدی را نشـــان دهیم، هیچ دردی دوا نمی‌شود. می‌گفتند کارآمدی نظام دینی باید بر اســـاس اجتهاد و احکام شـــرعی باشد، نه بر اساس فتوای خاص؛ زیرا برخی از فتاوی ناظر به مشکلات و زمانه ما نیست. از این رو چالش‌هایی با برخی علما پیدا کرد.»

اســـتاد دروس خارج حوزه علمیه قم به خطبه نماز جمعه آیت‌الله هاشـــمی در ســـال ۶۳ و زمانی که کشور از جنگ و کمبود منابع رنج می‌برد، اشاره کرد و گفت: «در این خطبه ایشان راهکارهایی برای حل مشکلات داد، اما بعد از نماز جمعه جلسه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در قم تشکیل شد و گفتند که خطیب نماز جمعه پایش را از موازین اســـلامی جلوتر گذاشـــته اســـت و بزرگانی نامه‌ای به ایشان نوشتند؛ آیت‌الله هاشمی هم به آن پاسخ دادند و در خاطرات سال ۶۳ ایشان موجود است. می‌توان قوت این نامه را که آقای هاشـــمی به علمای ردیف اولی که برخی در ردیف استادانش بودند، مشاهده کرد و شناخت مبانی فقهی را در آن لمس کرد. لذا چالش با هاشمی مربوط به دیروز و امروز نیست؛ ۳۳ سال از نامه معروف جامعه مدرسین می‌گذرد که خود گواه این مطلب است.»

وی بـــا بیان اینکه «تا اهل فکر و نظر در جامعه وجود دارد، می‌تواند قدرت استدلال آیت‌الله هاشمی را درک کند»، گفت: «به یاد دارم به آیت‌الله هاشمی گفتند در خطبه‌های نماز جمعه از دیدگاه امام عبور کردید و او پاسخ داد که اتفاقا امام به من پیغام دادند که خطبه خیلی خوبی خواندید.»

ســـروش محلاتی تصریح کرد: «حـــالا امروز همـــه می‌دانیم که اگر دیدگاه‌های مد نظر ایشـــان اجرا نمی‌شد نظام در آینده نمی‌توانست موفق باشد. دیدگاه ایشان این بود که فقها در کنار کارشناسان و متخصصان هر موضوع در کنار هم بنشینند و طبق مبانی اسلامی و واقعیات موجود نظر بدهند. ایشان ۲۵ سال قبل به جامعه مدرسین آمد و گفت نمی‌شود شما صرفا فتوا بدهید و حکومت عمل کند. بلکه در کنار شما فقها باید کســـانی که اقتضائات زندگی و بازار و واقعیت‌ها و... را می‌شناسند، همفکری کنند و حاصل این همکاری را حکومت اسلامی عمل کند.»

وی گفت: «البته برخلاف دهه اول که ایشـــان خطاها و کوتاهی‌ها را در اجرا می‌دید، در ده سال اخیر نظرشان این بود که برای تامین کارایی نظام باید در برخی نهادها مثل شورای نگهبان، مجلس خبرگان، صداوسیما و... اصلاحات و بازنگری‌هایی شود.»

ســـروش محلاتی در پایان با بیان اینکه علما کمتر در این وادی وارد شدند، اظهار کرد: «نمی‌دانیم بعد از رحلت آیت‌الله هاشمی ادامه این حرکت برای کارآمدی هرچه بیشتر نظام اسلامی چگونه محقق خواهد شد، اما امیدوارم یاران و همراهان ایشان این پروژه بزرگ و مهم کارآمدی نظام اسلامی را جدی بگیرند»

دعایی: هاشمی‌رفسنجانی یار همیشگی امام بود

آخرین ســـخنرانان بخش صبح همایش، سید محمود دعایـــی و جلال رفیع بودند. محمود دعایی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات با بیان این‌که افتخار دارم از سالیان دور در محضر آیت‌الله هاشمی باشم، گفت: «حضور من در قم با آغاز نهضت امام همراه بود؛ شاگردان امام دســـته‌های مبارزاتی را آموزش می‌دادند و من افتخار داشتم در گروه آقای هاشمی قرار بگیرم. در ابتدای مبارزات دوستان به این نتیجه رســـیده بودند که کار فرهنگی کنیم و نشریه بعثت منتشر شـــود؛ اخوان حجتی کرمانی، آقای هاشمی، شهید باهنر و آقای منتظری از جمله آنها بودند. عمده کار هم با طراحی شهید باهنر و هاشمی بود.»

دعایی گفت: «در این حرکت، من با منش آقای هاشمی محشور بودم و خود را مدیون ایشان می‌دانم. پیشرفت مبارزه به آنجا رسید که مجبور به مهاجرت از ایران شـــدم. در مقطعی مشـــاهده کردم که تنها به اسم لو رفته‌ام ولی تصویری از من نداشتند چراکه مامور ساواک سراغ مرا از خودم گرفت.»

وی افزود: «من به عراق رفتم. امام به من گفتند شـــما امکان چاپ و تکثیر دارید؟ گفتم بله. دوستان گفتند که امام اعلامیه‌ای دادند و بهتر اســـت آن را نشـــر دهید. به ایران آمدم و آن اعلامیه را منتشـــر کردم. آن زمان، همزمان با جشن‌های شاهنشاهی بود. هیچ کس جرات مخالفت نداشت و تنها روحانیت مخالفت کرد. آقای هاشمی اعلامیه‌ای در این باره صادر کردند. من آن را منتشـــر کردم و قرار شـــد از طریق پست آن را پخش کنیم.» مدیرمسئول روزنامه اطلاعات همچنیـــن تصریح کرد: «یک دوســـت اصفهانی آن اعلامیه را برای بازار می‌خواســـت ببرد که دستگیر شد و زیر شکنجه آقای هاشمی را لو داد. آقای هاشمی را دستگیر کردند ولی گفتند اطلاعی ندارنـــد. به من پیام دادند و مـــن مخفیانه به عراق رفتم.» دعایی در بخش دیگری از این ســـخنرانی گفت: «در عراق به راهنمایی حاج آقا مصطفی قرار شد از موج رادیو بغداد برنامه‌ای را اجرا کنم. به دلیل موفقیت کار موج مستقلی به نام صدای روحانیت را گرفتیم. این برنامه بین ۴۰ تا ۴۵ دقیقه در روز و در دو نوبت پخش می‌شـــد. هدایت این برنامه توسط آقای هاشمی و حاج احمد آقا بود.»

این فعال سیاســـی با اشـــاره به سفر هاشمی به آمریکا و اروپا خاطرنشـــان کـــرد: «آقای محمد هاشمی در آمریکا تحصیل می‌کردند؛ آقای هاشمی به بهانه دیدار با ایشان به آمریکا رفتند و با راهنمای ایشـــان ســـعی کردند جامعه آمریکا را به درستی بشناسند. آقای هاشمی به جاهایی رفتند که هیچ کس نرفته بود. سپس به اروپا رفتند و برنامه‌شان شناسایی اپوزیسیون خارج از کشور بود. تشکل‌های اسلامی و غیراسلامی را شناسایی کردند و با سعه‌صدر با آنها نشست داشتند و همه را با توجه به بینش بالا تحت تاثیر خود قرار دادند.» وی افزود: «همه تشکل‌های ایرانی در آن زمان به آیت‌الله هاشمی گفتند که اگر شما در خارج از کشور باشید، می‌توانید محور همگان باشید، ایشـــان پس از اروپا به سوریه رفتند و سپس به عراق آمدنـــد و بعد با لباس غیرروحانی به نجف رفتند. پس از ملاقات عـــادی با حاج آقا مصطفی، آقای هاشمی ملبس شـــدند. من خاطره این دیدار را فراموش نمی‌کنم. این دو بزرگوار پس از ســـال‌ها همدیگر را ملاقات کردند و لحظات طولانی ایستاده اشک می‌ریختند. این صحنه، صحنه دیدار یک پدر رنجیده و محروم از یاران بود که توانست یک فرزند خود را در آغوش بکشـــد.» وی اظهار کرد: «در آن دیدار آقای هاشـــمی تحلیلی از وضعیت داخل ارایه کرد. آقای هاشمی گفت می‌دانم به ایران برگردم به زندان می‌روم ولی می‌خواهم به ایران برگردم. لحظه خداحافظی این دو نفر دیدنی و فراموش‌نشدنی بود زیرا یار عزیز امام می‌خواست به وسط آتش برود.»

فروزنده: آیت‌الله هاشمی باعث مقاومت فرزندان امام شد

پنل دوم همایش در بعدازظهر پنجشنبه برگزار شد. ســـخنران این بخش نیز وجوه شخصیت‌های آیت‌الله هاشمی را بررسی کرد و در آخر نیز اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور به ســـخنرانی پرداخت. اما اولین سخنران بخش بعدازظهر محمد فروزنده عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. او درباره تاثیر آیت‌الله هاشمی در جنگ به سخنرانی پرداخـــت و گفت: «حضور آیت‌الله هاشـــمی باعث مقاومت فرزندان امام شـــد.» محمد فروزند گفت: «اولیـــن لحظه‌ای که از جنـــگ به خاطر دارم خبر فتح خرمشـــهر بـــود، آن لحظه آیت‌الله هاشـــمی چشمانی نمناک و لبانی خندان داشت. آن لحظه‌ها از سخت‌ترین لحظه‌های تاریخ و لحظات جنگ بود، وقتی به آن لحظه‌ها فکر می‌کنم غم و خنده آقای هاشـــمی یادم می‌آید. حضور آیت‌الله هاشمی باعث مقاومت فرزندان امام شد.»

فروزنـــده با بیان اینکه جنگ نیاز به توســـعه و هماهنگی داشت، تصریح کرد: «ایشان از وقتی که فرماندهی جنگ را بر عهده گرفتند، در بحث توسعه و هماهنگی مشکلات زیادی را مرتفع کردند. حضور آیت‌الله هاشمی همه مشکلات و مخالفت‌هایی که بین سیاسیون و نظامیان وجود داشت را از بین برد؛ او در پشتیبانی جنگ نقش به‌سزایی داشت و در جنگ ما به موفقیت‌های چشمگیری دست یافتیم. با وجود آیت‌الله موفقیت‌های بزرگی به وجود آمد، ایشـــان نصف موفقیت‌های جنگ را در پشت جبهه به وجود آورد. جبهه از درون اختلاف داشـــت، در مجلس و دولت مشکلات و معضلاتی وجود داشت که باعث می‌شد موفقیت‌ها جواب ندهد.»

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: «نقش آیت‌الله هاشـــمی در توسعه و رشد برابر جنگ انکارناپذیر است، حضور او باعث شد انسجام میان ارکان نظام به وجود بیاید. بار بسیار سنگینی بر دوش آقای هاشمی بود، ایشان فرصت‌های اقتصادی و نظامی را در پشت موضوع جنگ قرار داد تا بتواند کشور را از خطر نجات دهد. جنگ بر ایران تحمیل شـــد، در یک جاهایی می‌شود گفت جنگ عشق و هدف عده‌ای شده بود اما آقای هاشمی می‌گفت با فکر گام بردارید.»

فروزنده همچنین افزود: «آقای هاشمی به این نتیجه رســـید راه رفع فتنه قبول قطعنامه است که عمیق‌ترین فکر ایشـــان بود، آن روزها خیلی‌ها اخم

کردند و خیلی‌های دیگــر قهر کردند. یک ماه بعد از پذیرش قطعنامه به خدمت ایشان رسیدم، گفتند واقعا نمی‌شــد جنگ را ادامه داد؟ آقای هاشمی در گوش دادن حوصله داشت، ساعت‌ها به صحبت‌های فرماندهــان جنگ گوش می‌داد. ایشــان در میدان جنگ حضور پیدا می‌کرد، این روحیه عالی در جنگ متصل می‌شــد به شجاعتشــان در تصمیم‌گیری، اگر روزی نقشــه عملیات والفجر ۸ منتشــر شود، مشخص می‌شــود مهندسی جنگ یعنی چه. آقای هاشمی‌رفسنجانی تصمیم به این مهمی را گرفتند. شــجاعت و حوصله باعث شد آقای هاشمی جنگ را هدایت کند.»

وی با اشــاره به اینکه فرماندهی جنگ کاری دشوار اســت، گفت: «بعد از جنگ این روحیه ادامه داشت و ما شــاهد بودیم که قراردادهایی در زمینه تانک و سایر تجهیزات بسته شد. موشک اس ۳۰۰ که امروز در کشــور وجود دارد حاصل تفکر آیت‌الله هاشمی است.»

این عضــو مجمع تشــخیص مصلحت نظام افزود: «ایشان اعتقاد داشــت مبارزه باید در تمامی زمینه‌ها باشد و برای همین است که بعد از انقلاب ما می‌بینیم که ایشان همچنان در تلاش و پیگیری بود و جلوی تحقق استبداد را گرفت. تاکید داشتند که بعد از جنگ واقعیت‌ها گفته شود، اعتقاد داشت تهدید باید به فرصت تبدیل شود. ایشان سختی‌های زیادی کشیدند، او توجه زیادی به زندگی رزمندگان داشت.»

فروزنده در پایان گفت: «آیت‌الله هاشمی دغدغه زندگی رزمندگان بعد از جنگ را داشــت. او فضای کارآفرینی را برای بچه‌های رزمنده گشود. ما امروز درباره جنگ و صلح در تبیین اثرگذاری اندیشه‌های آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی خیلی کار داریم که انجام دهیم. ساعت‌ها برای ساخت موشک وقت گذاشت، ما امروز چنین شخصیتی را نداریم که تا این حد بتواند تاثیرگذار باشد. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی دانش و تفکر جمهوری اسلامی ایران است، او مرد روزهای بحرانی بود.»

سردار علایی: آیت‌الله هاشمی درک درستی از جنگ داشت

سخنران بعدی، ســردار حسین علایی فرمانده ســابق نیروی دریایی ســپاه بود. او گفت: «آقای هاشــمی همان دیدگاه امام که جنــگ، جنگ تا پیروزی و رفع فتنه بود را قبول داشت و بر این اساس استراتژی خود را برای جنگ طرح‌ریزی کرده بود و معتقد بود ما می‌توانیم در جنگ به پیروزی برسیم.»

او با بیان اینکه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی یکی از کسانی بود که در هر حوزه‌ای وارد می‌شد، دارای استراتژی بود، گفت: «ایشان با آغاز جنگ، استراتژی خود را برای مقابله با دشمن طراحی کرد که تمامیت ارضی حفظ شــود، معاهده ۱۹۷۵ نقض نشود و ما بدون دادن امتیــاز، جنگ را به پایان ببریم. یکی از کســانی که از ابتدای جنگ به فکر طرح استراتژی برای پایان جنگ بود، آیت‌الله هاشــمی بود که در تمامی مقاطع جنگ با برنامه حضور پیدا کرده بود.»

علایی با تاکید بر اینکه آیت‌الله هاشمی از بهمن ماه ۱۳۶۲ مسئولیت رسمی اداره جبهه‌های جنگ را با حکم امام (ره) دریافت کــرد، ادامه داد: «آقای هاشــمی همان دیدگاه امام که جنــگ، جنگ تا پیروزی و رفع فتنه بود را قبول داشت و بر این اساس استراتژی خود را برای جنگ طرح ریزی کرده بود و معتقد بود ما می‌توانیم در جنگ به پیروزی برسیم.»

فرمانده ســابق نیروی دریایی ســپاه پاسداران با بیان اینکه یکی از کســانی که درک درســتی از جنگ داشت، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بود، گفت: «تصمیماتی که ایشان می‌گرفت بر اساس شناخت درست بود و این موضوع در حوزه تکنیک، عملیات و تاکتیک‌های نظامی هم خود را نشان می‌داد.»

وی با اشــاره به نقش آیت‌الله هاشمی در رفع اختلافات میان ارتش و سپاه در دوران جنگ، گفت: «برخی فرماندهان جنگ می‌گفتند سپاه چون بسیج را در اختیار دارد، می‌تواند به خوبی بجنگد و اگر این نیرو در اختیار ارتش هم قرار بگیرد، مثل سپاه عمل خواهد کرد و در چنین شرایطی آیت‌الله هاشمی نقش هماهنگی بین ارتش و سپاه را بر عهده گرفتند چراکه بچه‌های جبهه نیز به ایشان اعتماد فراوانی داشتند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که هماهنگی فقط با کدخدامنشی انجام نمی‌شود؛ بلکه نیازمند شکل‌گیری یک ساختار درست برای این منظور است.»

علایی افزود: «در عملیات بدر ســپاه فرماندهی نیروهای مســلح را بر عهده داشت؛ ما به بخشی از اهداف رسیدیم اما نتوانستیم همه اهداف را محقق کنیم؛ پس از آن، شــهید صیاد شیرازی به آیت‌الله هاشمی پیشــنهاد طراحی یک عملیات را داد و من هم از کسانی بودم که با شهید صیاد شیرازی در این عملیات همکاری کردم اما پس از چند هفته بررسی به این نتیجه رســیدیم که این عملیات امکان‌پذیر نیست و موفقیتی دربرندارد اما از طرفی شهید صیاد به اجرای این عملیات اصرار داشت.»

وی افزود: «من درباره اجرای این عملیات با آقای هاشمی صحبت کردم و ایشان هم سخن من را در زمینه غیرقابــل اجرایی بودن عملیات پذیرفت و در نهایت پس از مذاکره با شهید صیاد شیرازی ایشان را هم به منصرف شدن از این عملیات راضی کرد.»

فرمانده سابق نیروی دریایی سپاه در پایان تأکید کرد: «استراتژی آقای هاشمی برای پایان جنگ این بود که بخشی از خاک عراق را بگیریم و سپس وارد مذاکره برای پایان جنگ شویم که در نهایت به قبول قطعنامه ۵۹۸ انجامید.»

نیلی: جای خالی مدل مدیریت هاشمی در عرصه اقتصاد ایران

اما مسعود نیلی مشــاور ارشد رئیس‌جمهوری به وجه اقتصــادی و دیدگاه‌هایی که هاشــمی در خصوص توسعه داشت، پرداخت و با ترسیم اوضاع کشور در آستانه دولت سازندگی و توضیح چالش‌های آن دوران، عملکرد مدیریتی دولت را بررســی کرد. مسعود نیلی معتقد اســت در شرایط کنونی اقتصاد ایران، نیاز به سیاست‌مدارانی که سرمایه سیاسی خود را در راستای منافع بلندمدت کشور هزینه کنند، بیش از پیش حس می‌شود.

طبق نظر نیلی، دولت پنجم با مدیریت مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، یک انتخاب سخت در آن زمان انجــام داد که باعث تحقق نقطه چرخش در اقتصاد کشور شد. رئیس‌جمهور دولت سازندگی با تحمل هزینه‌های سیاسی، مسیر توسعه و رشد را در کشور هموار کرد. مسیری که تا سال ۸۶ امتداد یافت. اکنون نیلی بر این باور اســت که در شرایط حاضر نیز ایران به چنین سیاست‌مدارانی نیاز دارد. او سرمایه اجتماعی که در تشییع‌جنازه میلیونی آیت‌الله هاشمی مشاهده شد را لازمه تحقق نقطه چرخش چهارم در اقتصاد ایران عنوان کرد.

نیلی معتقد اســت که طی ۴ دهه گذشته، سه نقطه چرخش در اقتصاد ایران رقم خورده اســت. او در این خصوص گفت: «نخســتین نقطه چرخش در ســال ۱۳۵۶-۱۳۵۵ و در اوج درآمدهــای نفتی اقتصاد ایران رخ داد. چنانکه درآمد ســرانه خانوار در این سال، به‌دلیل افزایش درآمدهای ارزی به مقدار بیشینه رسید. اما پس از سال ۱۳۵۶ و در پی کاهش تولید نفت ایران، ایجاد تحولات عمیق نهادی و وقوع جنگ تحمیلی، این درآمدها تنــزل یافت. روندی نزولی که طی ســال‌های پــس از پیروزی انقلاب اســلامی و دوران دفاع مقدس نیز تداوم پیدا کرد.» نقطه دوم چرخش در ســال ۶۸ بود. به اعتقاد این استاد دانشگاه، از سال ۱۳۶۸ شاخص‌های اقتصادی، مجددا روند صعودی به خود گرفت و درآمد سرانه با رشد همراه شد.

تغییر در شرایط بیرونی کشور و به‌طور مشخص پایان جنگ تحمیلی و تغییــر در رویکردهای اداره کشور به ویژه در حوزه اقتصاد دو عاملی بودند که از نگاه نیلی، سبب تغییر در روند اقتصادی کشور شدند. او تاکید دارد که در هر دو مورد، آیت‌الله هاشمی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای را ایفا کرد. مشــاور اقتصادی رئیس‌جمهوری ادامه داد: «این روند رو به رشــد تا سال ۱۳۸۶ ادامه پیدا کرد و سپس متوقف شد؛ سالی که به‌نظر می‌رسد باید آن را سومین نقطه چرخش اقتصاد ایران نام‌گذاری کرد.» او در ادامه این همایش به صحبت در مورد نقطه چرخش دوم اقتصاد ایران پرداخت.

مشــاور اقتصادی رئیس‌جمهوری دهه ۱۳۶۰را دهه‌ای تکرارناشــدنی در تاریخ ایران دانســت؛ چه از نظر حاکم بودن شــرایط جنگی که هشت سال به طول انجامید و چه از نظر مشکلات اقتصادی. نیلی در ادامه به بخشی از مشکلاتی که دولت پنجم در آستانه آغاز به کار با آن مواجه بود، اشاره کرد: «دولت پنجم در شــرایطی زمام امور را به دست گرفت که عدم توازن‌های عمیقی در سطح اقتصاد کلان موج می‌زد و در سطح اقتصاد خرد، نظام‌های چندقیمتی وجود داشــت که شکاف چشمگیر ۲ هزار درصدی میان نرخ آزاد و رسمی ارز از جمله آن است.

تجارت خارجی به‌دلیل شــرایط بازار ارز و روابط نه چندان مطلوب بین‌المللی در وضعیت مناســبی نبــود؛ چنان‌که صادرات ســرانه حقیقی نفت و گاز (به قیمت‌های ثابت ســال ۱۳۹۰) در سال ۱۳۶۷، با کاهشی چشمگیر، حدود ۴۴۷ دلار به ثبت رسید که ۲۰ درصد ســال ۱۳۵۷ بود. در این مقطع درآمد سرانه خانوار شهری به پایین‌ترین حد رسید و دولت با کســری بودجه بیش از ۵۰ درصد مواجه بود. نرخ بیکاری به ۱۴/۵ درصد افزایش یافت که بالاترین میزان تجربه شده طی ۴ دهه اخیر به شمار می‌رود.» او ادامه داد: «حال پرسش این است چگونه شد که با این شــدت نزول در شاخص‌های اقتصادی، طی ســال‌های بعد، اقتصاد ایران روند صعودی خود را بازیافت و دومین نقطه چرخش را رقم زد؟»

مشاور ارشد رئیس‌جمهوری در امور اقتصادی بر این باور اســت که دولت پنجم، بین دو انتخاب بد و سخت، دومی را برگزید. طبق نظر او، در دولت پنجم اصلاحاتی مورد توجه قــرار گرفت که با محوریت منافع بلندمدت کشــور و با اجتناب از هرگونه منافع شخصی و حزبی اعمال شــد که یقینا هزینه قابل توجهی را بر شخص رئیس دولت تحمیل می‌کرد؛ هزینه‌هایی همچون خطر ریزش رای در انتخابات بعدی و کاهش محبوبیت.

نیلی ادامه داد: «طی این مقطع، سیاســت‌هایی همچــون بازســازی زیرســاخت‌های اقتصادی و صنعتی، آزادسازی قیمت‌ها، توسعه روابط خارجی و اصلاح ساختار مدیریتی کشور در دستور کار دولت قرار گرفت.» نیلی چالش‌هایی را که دولت پنجم در ابتدای کار خود به منظور ترمیم اقتصاد با آن مواجه بود را به دو دسته نظری و اجرایی تقسیم کرد. در این راستا چالش‌های نظری دولت پنجم نیز دو سرچشمه دارند؛ نخســت نبود تجربه داخلــی و بین‌المللی در اجرای اصلاحات گســترده اقتصــادی و دوم عدم ســازگاری نظام فکری در سطح سیاست‌گذاری با اصلاحاتی در این مقیاس.

چالش‌های اجرایی نیز شــامل سرعت اجرای اصلاحات به‌صورت آنی یا تدریجی، میزان پوشش کالا و خدمات و نیز بازارهای مورد اصلاح قیمتی و چگونگی شکل‌گیری قیمت‌های تعادلی با ملاحظه قیمت‌های آزاد بود. این اقتصاددان با اشاره به تجربه کشورهایی که در گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار موفق بودند، گفت: «طی دهه ۱۹۹۰ کشــورهایی که در حرکــت از اقتصاد دولتی به ســوی اقتصاد بازار و اصلاحات اقتصادی تجربه‌ای موفق داشتند، مجموعه‌ای از قواعد را رعایت کردند؛ قواعدی نظیر: تعامل گســترده با دنیای بیرون برای تجهیز منابع مالی و دسترسی به بازارها، اعمال گسترده اصلاحات تعدیل قیمت در عمده بازارهــا و اجرای اصلاحات به‌طور ســازگار و همزمان در بازارهای کلیدی مانند انرژی، ارز و پول.»

اما به گفته نیلی این شــرایط و الزامات در ایران وجود نداشــت. او ادامه داد: «در ایران اما به دلایلی همچون عدم دسترسی به منابع مالی بیرونی برای تخفیف یا تعدیــل هزینه‌های اجــرای اصلاحات به موجب روابط نه چندان مطلــوب خارجی، عدم توافق برای اجرای اصلاحــات در بازار انرژی، عدم پوشش گسترده برای اجرای اصلاحات در بازارهای مختلف و نیز عدم امکان اصلاح قیمت در بازار پول، برآینــد متفاوتی رقم خورد و بر این اســاس، بانک مرکزی همچنان نقش پررنگی در تامین منابع مالی برای اقتصادی که در دوره بازسازی خرابی‌های پس از جنگ به منابع زیادی نیاز داشت، بر عهده گرفت.»

نیلی در بررســی عملکرد اصلاحات دوره دولت پنجم توضیــح داد: «در این دوره تــورم با افزایش همراه شد و در سال ۱۳۷۴ به اوج خود یعنی میزان حدود ۵۰ درصد رسید، تولید ناخالص داخلی سرانه در فاصله ســال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ رشد ۲۸ درصدی را تجربه کرد که پس از آن تا ســال ۱۳۷۴ با ثبات نســبی همراه شــد، نرخ بیکاری از ۱۴ درصد به ۹ درصد طی ســال‌های زمامداری دولت پنجم رسید، سرمایه‌گذاری در این دوره نوسان شدیدی داشت و از نرخ منفی ۲۴ درصد در سال ۱۳۶۷ تا نرخ ۵۲ درصد در سال ۱۳۷۰ پیش رفت و همچنین رشد اقتصادی غیرنفتی ســرانه از رشد صادرات نفت سرانه فاصله گرفت.» مشــاور اقتصادی رئیس‌جمهوری در مورد نقش هاشمی‌رفسنجانی در این تحولات گفت: «در واقع آقای هاشمی که پیش‌تر نقش بسزایی در خاتمه جنگ هشت‌ساله داشــت، به‌خوبی توانست با یک چرخش اقتصاد دچار توقف را به اقتصادی متحرک تبدیل کند.

ایشان نقطه قعر ســال ۱۳۶۷ را شناسایی کرد و بــا مدیریت تحولات، توفیق یافــت اقتصاد را در مســیری رو به بهبود قرار دهد. چنــان که پس از سال‌های جنگ تا به امروز، بیشترین رشد اقتصادی کشور طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ به ثبت رسیده اســت.» از نگاه نیلی درسی که می‌توان از مدیریت هاشمی گرفت، آن است که کشوری مانند ایران که با تعدد مسائل اقتصادی و اجتماعی مواجه است، نیاز به سیاستمدارانی دارد که دارای جسارت و شجاعت در تصمیم‌گیری باشــند. مدیــران واقع‌گرایی که به موضوعات خرد و کلان اقتصادی واقف بوده و این آمادگی را داشته باشند که سرمایه سیاسی خود را در راستای منافع بلندمدت کشور هزینه کنند.

او ادامــه داد: «آقــای هاشــمی در نقش یک رئیس‌جمهوری، تحرک بسیاری داشت و به‌عنوان یــک مدیر راهبردی و معتقد به کار کارشناســی و شایسته‌سالاری، همواره با نگاهی جامع رو به آینده و توسعه، مسائل اساسی کشــور را مورد توجه قرار می‌داد.» مسعود نیلی معتقد است انسجام به وجود آمده پس از درگذشــت آیت‌الله هاشــمی می‌تواند سرآغاز نقطه چرخش چهارم در اقتصاد ایران باشد. او در این زمینه توضیح داد: «رمزگشایی از پیام تشییع جنازه میلیونی آیت‌الله هاشــمی نیز نشان می‌دهد جامعه به‌خوبی قدردان چنین سیاســتمدارانی است و امروز ســرمایه‌ای اجتماعی در کشور شکل گرفته که می‌تواند سبب ایجاد انســجام برای برون‌رفت از معضلات جاری کشور باشــد. مشکلاتی که در صورت نبود یک بنیه منســجم اجتماعی، به تهدید بزرگ تبدیل خواهد شــد. در واقع زندگی سیاسی و مدیریت آقای هاشمی و در نهایت درگذشت ایشان می‌تواند نقطه چرخش دیگری نظیر آنچه در ســال ۱۳۶۷ اتفاق افتاد، باشد؛ اما این بار با پیام انسجام و همدلی و صبر و مدارا، تا بتوان به حل‌وفصل مسائل پرشمار کشور امید بست.»

الویری: چرا آیت‌الله هاشمی برای مرگ «فیدل کاسترو» پیام تسلیت نداد؟

مرتضی الویری شــهردار اســبق تهران دیگر ســخنران این مراســم بود. او نیز به ذکر خاطراتی از هاشمی‌رفســنجانی پرداخت. او گفت: «آیت‌الله هاشمی‌رفســنجانی همواره به شکل‌گیری احزاب مختلف در کشــور تاکید و از تضــارب آرا در جامعه استقبال می‌کرد.»

شهردار اسبق تهران با بیان اینکه در سال‌های پس از جنگ آیت‌الله هاشمی به فکر توسعه اقتصادی و حل مشــکلات اقتصادی مردم بــود، اظهار کرد: «آقای هاشمی برای این کار نیاز به تامین منابعی در این زمینه داشت اما این منابع زمانی به دست می‌آمد که قیمت نفت افزایش پیدا می‌کرد. طبیعتا برای این کار لازم بود رضایت عربستان جلب شود که با تدبیر آیت‌الله هاشــمی و سفرش به عربستان، رابطه ما با این کشور به بهترین وضعیت رسید.»

او یادآور شــد: «آقای هاشــمی همواره به فکر تنش‌زدایی در روابط خارجی بود. وقتی جنگ عراق و کویت اتفاق افتاد و آمریکا در این جنگ دخالت کرد، برخی از نمایندگان جناح چپ مجلس سوم به دنبال حمایت از صدام در برابر آمریکا بودند اما درایت آقای هاشمی کشور را از فرو غلتیدن به یک جنگ دیگر نجات داد.»

نماینــده ادوار مجلس با بیان اینکه ســاعت‌ها می‌توان درباره شاخص‌های سیاسی مرحوم آیت‌الله هاشمی بحث کرد، گفت: «وقتی آقای کاسترو فوت کرد به آیت‌الله هاشــمی از طریق مجمع تشخیص مصلحت فشار آوردند که تسلیت بگوید که گفت من این کار را نمی‌کنم، به وزارت خارجه بگویید. به خاطر ندارم وزارت خارجه نامه‌ای نوشــته باشد که ایشان امضا کننــد. دو روز نامه روی میز کار او بود. گفتند چرا امضا نمی‌کنید؟ گفت دســتم به امضا نمی‌رود. آیت‌الله هاشمی گفت وقتی نتیجه کار یک فرد باعث خوشبختی ملتی نشده چرا باید این کار را کرد؟»

الویری با بیــان اینکه نمی‌توان کتمان کرد که آیت‌الله هاشمی علاقه خاصی به مقام معظم رهبری داشــتند، افزود: «همان‌طور که رهبر انقلاب در پیام تسلیت رهبری خود فرمودند با وجود اختلاف نظرها میان من و آقای هاشــمی ذره‌ای محبت کم نشده است.»

او ادامه داد: «حتی وقتی یک بار به آقای هاشمی گفتم که اگر شما نظری را مطرح کنید و رهبری با آن مخالف باشد چه می‌شود، آیت‌الله جواب داد که چه اشکالی دارد که در جامعه آرای مختلف وجود داشته باشد؟ رهبری یک نظر دارند و من هم یک نظر، قرار نیست که همه با یکدیگر هم نظر باشند.»

شــهردار اســبق تهــران گفــت: «آیــت‌الله هاشمی‌رفســنجانی همواره به شکل‌گیری احزاب مختلف در کشــور تاکید و از تضــارب آرا در جامعه اســتقبال می‌کرد. او به ســلایق مختلــف احترام می‌گذاشت.»

جهانگیری: روزی که هاشمی رد صلاحیت شد...

سخنران اختتامیه این مراسم اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهوری بود. او از دست‌اندرکاران برگزاری این همایش قدردانی کرد و گفت: «برگزاری این نشست علمی و تبیین ویژگی‌ها و نقش آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در جامعه و نظام، می‌تواند افق‌های تازه‌ای به جامعه کنونی و نسل‌های آینده باز کند تا تاریخ پیچیده‌ی امروز را با تأمل بیشتر بخوانند و بهتر به وضع امروز و فردای کشور بیندیشند.»

معاون اول رئیس‌جمهور با اشــاره به حوادث و اتفاقات معاصر نظیر پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، اتفاقات شوروی ســابق، جنگ اول و دوم خلیج فارس، حمله به افغانســتان و... اظهار داشت: «ایــران از هر کدام از این حوادث تاثیر جدی گرفت و یکی از مهم‌ترین شخصیت‌ها که اندیشه‌اش برای برون رفت از حوادث، نقش مهم و کلیدی داشــت، آیت‌الله هاشمی‌رفســنجانی بود و اگر اندیشــه‌ی ایشان به خوبی تبیین شود نه‌تنها برای مردم ایران بلکه می‌تواند برای مردم کشورهای دیگر نیز مفید و کارساز باشد.»

وی افــزود: «نســبت انقلاب اســلامی، نظام جمهوری اسلامی، دفاع مقدس، توسعه و سازندگی و اصلاحات و اعتدال با هاشــمی نسبتی وثیق و از یاد نرفتنی است و به تعبیر امام خمینی (ره) «مردان تاریخ تا آخر زنده‌اند و بدخواهان بدانند هاشمی زنده است چون نهضت زنده است».

جهانگیری با بیان اینکه میراث فکری و سیاسی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی سرمایه‌ای کم نظیر برای تأمل تاریخی ملت و نظام ماست خاطر نشان کرد: «با توجه به این میراث بهتر می‌توان مســائل ایران و رویکردهای مناســب را در برابر آنها شناخت و از فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو غافل نماند.»

معــاون اول رئیس‌جمهور ادامــه داد: «آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به حق یاور و مشاوری امین برای امام خمینی(ره) و رهبر انقلاب و متفکری با تجربه و راهگشا برای همه‌ی مسئولان و کارگزاران نظام بود.»

وی از آیــت‌الله هاشمی‌رفســنجانی بعنــوان صاحب‌نظری همدرد و دلســوز برای عموم طبقات و شهروندان کشــور یاد کرد و گفت: «او همواره در اندیشــه‌ی ایران بود و آگاهی‌اش به مسائل زمان و مکان درک او را از اسلام، پویا و خلاق می‌کرد.»

جهانگیری تصریح کرد: «امروز در دنیای اسلام سیاستمداری که یک متفکر دینی باشد و ده‌ها جلد کتاب درباره‌ی قرآن نوشــته باشــد به ندرت یافت می‌شود. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی یک سرمایه‌ی نمادین برای کشــور بود و هســت و سرمایه‌های نمادین در واقع ستون خیمه‌ی یک جامعه هستند که مانع از آسیب‌پذیری جامعه در برابر مخاطرات داخلی و خارجی هســتند و از فروپاشی اجتماعی در زمان بحران‌های بزرگ جلوگیری می‌کنند.»

معاون اول رئیس‌جمهورافزود: «هاشمی هم در دوران گفتمان انقلابی و هم در دوران سازندگی و هم در دوران گفتمان اصلاحات و هم در دوران اعتدال نقش موثر و تعیین‌کننده‌ای دارد.»

وی با تاکید بر اینکه در روش هاشمی بن‌بست معنا ندارد و همیشه راهی وجود دارد، خاطر نشان کرد: «هاشمی سیاستمداری بود که از زمان حضورش در اولین عرصه‌های مبارزاتی و ورودش به نخســتین مســئولیت‌های حاکمیتی تا آخریــن لحظه حیات پربــارش هیچ‌گاه غایب از صحنه نیســت و در هر عرصه‌ای از مسئولیت که وارد می‌شود آن عرصه و نهاد را به کانون تاثیر گذاری در کشور تبدیل می‌کند و در واقع به دلیل توانمندی‌های فکری و شخصیتی می‌تواند حتی به مسئولیت‌ها اعتبار دهد.»

دکتر جهانگیری اضافه کرد: «این گونه حضور پررنگ هاشــمی در قدرت سیاســی از شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی تا عرصه‌های قبول مسئولیت در دولت و مجلس در زمان جنگ و صلــح در حوزه‌های نظری و اجرایی عملاً از او نقشــی بی‌بدیل در ایجاد موازنه و تعادل در نظام اجرایــی و در میان جریان‌های رقیب سیاســی به‌وجود آورد.»

معاون اول رئیس‌جمهــور با بیان اینکه آیت‌الله هاشمی‌رفســنجانی به معنای واقعی موسس بود، تصریــح کــرد: «او در دوران دولت موقت با حضور در وزارت کشــور این وزارتخانــه را به کانون مهم اداری کشور تبدیل کرد و زمانی که مجلس شورای اسلامی تشکیل شــد، هاشمی بعنوان اولین رئیس مجلس انتخاب شد و این تعبیر امام خمینی (ره) که مجلس در رأس امور قرار دارد در همین دوران بود و این جایگاهی است که هاشمی به مجلس داده بود.»

وی افزود: «وقتی که دوران دفاع مقدس به پایان رسید، مهم‌ترین انتظارات جامعه این بود که کشور بازسازی شود و هاشمی برای پاسخ به این مطالبه‌ی جامعه دولت ســازندگی را تشــکیل داد و کارهای بزرگــی در آن دوران صــورت گرفت و برنامه‌های توسعه تدوین شد.»

جهانگیــری همچنین با اشــاره به نقش موثر آیــت‌الله هاشمی‌رفســنجانی در مجلس خبرگان رهبری گفت: «هاشمی با ورود به مجلس خبرگان، نقش‌آفرین شد و تردیدی نیست که پس از امام(ره)، آیت‌الله هاشمی نقش اصلی در تعیین رهبری پس از امام خمینی(ره) ایفا کرد و این در حالی اســت که بسیاری از کسانی که هاشمی را به مخالفت با رهبری متهم می‌کردند، در تعیین رهبری پس از امام نظرات و پیشــنهادات دیگری داشتند و در مجلس خبرگان مطرح کردند اما رأی نیاوردند.

جهانگیــری اظهــار داشــت: «آیــت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به‌رغم برخورداری از تاثیرگذاری در نظام سیاسی، رویکردی روشن به سیاست‌ورزی مبتنــی بر مردم و جامعه داشــت. تاکید مداوم او بر برگزاری انتخابات آزاد و مبتنی بر مشــارکت بالا و دفاع از رقابت‌های سیاســی و حقوق اساسی ملت ازجمله نقش‌آفرینی‌های مهم ایشان در دوران معاصر است.»

معاون اول رئیس‌جمهور در ادامه با تاکید بر اینکه انتخابات در نظام ما از جایگاه مهمی برخوردار است، تصریح کرد: «نظام ما نظام انتخابات است و حتی در دوران دفاع مقدس، امام خمینی(ره) یک لحظه هم انتخابات را به تاخیر نینداخت چراکه انتخابات عامل اقتدار نظام جمهوری اسلامی است.»

وی افــزود: «در شــرایط فعلی نیــاز فراوانی به مشارکت گسترده‌ی مردم وجود دارد و حق‌الناس در انتخابات که رهبر معظم انقلاب بر آن تاکید کردند نیز از حقوق اساسی ملت است.»

جهانگیری گفت: «رویکرد هاشمی در خصوص انتخابــات آزاد و ضرورت رعایت حقوق اساســی ملت از او شخصیتی ســاخت که همواره خود را در معرض نظر و رأی مردم قرار می‌داد و در این مسیر نه از تصمیمات قهر می‌کرد و نه به عافیت نشینی می‌رسید.»

معاون اول رئیس‌جمهور افــزود: «هیچ یک از مسئولین رده‌ی اول کشور به اندازه هاشمی خود را در معرض رأی مردم قرار نداده است و ایشان بارها در انتخابات‌های ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در معرض رای مردم بوده و در بســیاری از این انتخابات‌ها از جمله انتخابات مجلس ششم حملات زیادی به او شد اما میــدان را خالی نکرد و اما پس از اعلام نتایج، بنا بر برخی دلایل مصلحت ندانست که در مجلس حضور یابد و استعفا داد.»

وی اضافــه کرد: «هاشــمی در ســال ۸۴ نیز به شیوه‌ی انتخابات اعتراض داشت اما حاضر نشد صحنــه را ترک کند و انتخابات را به کام مردم تلخ کند.»

جهانگیری با بیان اینکه مسئولیت ریاست ستاد انتخابات آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در سال ۹۲ یکی از افتخارات برای بنده است، گفت: «تصور نمی‌کردیم که ایشان رد صلاحیت شوند اما این اتفاق افتاد و همه شوکه شدیم. من بعنوان رئیس ستاد انتخابات ایشان خدمتشان رسیدم و گفتم که حالا تکلیف چیست و ایشان گفتند ستادها را جمع کنید، من همان هاشمی دیروز هســتم و حتی ذره‌ای در روش و رویکرد من نســبت به نظام و رهبری و آینده انتخابات تغییری پیدا نشده اســت. نه قهر کرد و نه شکایت بلکه در صحنه‌ی انتخابات از دوســت خــود حمایت کرد و رئیس‌جمهورساخت.»

معــاون اول رئیس‌جمهور در ادامه با بیان اینکه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی همواره نسبت به جوانان و جوانــی توجه زیادی داشــت، گفت: «پیر مجرب سیاســت همیشه نسبت به جوانان توجه داشت و در نوگرایی و نواندیشی و آینده‌نگری لحظه‌ای از روند پرشتاب جامعه عقب نماند.»

وی افزود: «انسان در دوران پیری محافظه‌کارتر می‌شــود و بیشــتر به فکر خودش اســت و کهنه می‌اندیشــد اما هاشــمی پــرکار و جوان‌فکر بود و به هر میــزان که نیاز بود بــرای اداره‌ی امور وقت می‌گذاشت.»

جهانگیری اضافه کــرد: «جامعه ما بخصوص بخش جوان و فعال جامعه روزبه‌روز اقبال بیشتری به هاشمی پیدا می‌کردند و این پدیده‌ای بود که در مراسم تشییع تاریخی او تجلی یافت.»

معــاون اول رئیس‌جمهــور، آیــت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را پل و مفصلی میان نسل‌های مختلف جامعه، میان حکومــت و ملت و نیز میان جریانات سیاســی مختلف توصیف کــرد و گفت: «هاشمی حلقه وصل بود نه عامل فصل، گوش شنوا بود، خوب می‌شــنید، نقطه اتصال جریانات سیاسی بود و به تعبیر یکی از دوستان پل بود نه دیوار و هر جریانی که می‌خواســت جریان دیگر را حذف کند، هاشمی مانع بود.»

وی گفت: «امروز که بیش از هر زمان جامعه و نظام ما نیازمند اعمال سیاست‌های عقلانی و اعتدالی و انسجام و همبســتگی ملی است و به واقع امروز جای هاشمی خالی است.»

جهانگیری با بیان اینکه دغدغه هاشمی اعتدال و تــلاش مداوم او بــرای دور کردن نظام اجرایی و سیاسی کشــور از تنش، تندروی و افراط بود اظهار داشت: «هاشمی اقتضائات زمان را به درستی درک می‌کرد و میراث انقلابی کشور را به کار می‌گرفت.»

معــاون اول رئیس‌جمهــور افزود: «هاشــمی دوراندیش بود، نگاه آینده‌نگر داشت و بر همین اساس به ایجاد و تقویت زیرساخت‌های توسعه‌ای کشور در مقاطع مختلف پرداخت.»

گزارش

کنگره دوم

دومین کنگره ملی حزب کارگزاران سازندگی ایران برگزار و شورای مرکزی جدید حزب با رای اعضا انتخاب شد

کارگزاران سازندگی ایران دومین کنگره ملی خود را بیست‌وپنجم فروردین ماه ۱۳۹۶ در مرکز همایش‌های بین‌المللی رازی –تهران برگزار کرد.

حزب کارگزاران سازندگی ایران فعالیت خود را به صورت یک گروه سیاسی از انتخابات مجلس پنجم آغاز کرد و اولین بیانیه خود؛ بیانیه اعلام موجودیت را در ۱۳۷۴/۱۰/۲۷ صادر کرد که امضای ۱۶ نفر از مدیران اجرایی و سیاسی دولت سازندگی (به ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی) پای آن بود. ۱۶ نفر اولیه عبارت بودند از:

۱–محمدعلی نجفی ۲–محسن نوربخش ۳–مرتضی محمدخان ۴–سیدمحمدغرضی ۵–غلامرضا فروزش ۶–اکبر ترکان ۷–محمداسماعیل شوشتری ۸–محمدرضا نعمت‌زاده ۹–عیسی کلانتری ۱۰–بیژن نامدار زنگنه ۱۱–غلامرضا شافعی ۱۲–رضا امراللهی ۱۳–محمد هاشمی ۱۴–سیدمصطفی هاشمی‌طبا ۱۵– سیدعطاءالله مهاجرانی ۱۶–غلامحسین کرباسچی

این گروه سیاسی با تغییراتی در اسامی موسسین در ۱۳۷۸/۵/۲۵ موفق به اخذ پروانه فعالیت حزبی از وزارت کشور شد اما تا آغاز دوره‌ی جدید فعالیت خود در سال ۱۳۹۳ تحت نظارت هیات موسس حزب اداره می‌شد که اعضا عبارت بودند از: ۱–محمدعلی نجفی ۲–غلامحسین کرباسچی ۳–محمد هاشمی ۴–سیدمحسن نوربخش ۵–سیدعطاءالله مهاجرانی ۶– فائزه هاشمی ۷–سیدحسین مرعشی ۸–رضا امراللهی ۹–سیدمصطفی هاشمی‌طبا ۱۰–علی هاشمی. این ۱۰ نفر اعضای اولین شورای مرکزی را بدین شرح برگزیدند: ۱–محمدعلی نجفی ۲–غلامحسین کرباسچی ۳–محمد هاشمی ۴–سیدمحسن نوربخش ۵–سیدعطاءالله مهاجرانی ۶–فائزه هاشمی ۷–سیدحسین مرعشی ۸–رضا امراللهی ۹–سیدمصطفی هاشمی‌طبا ۱۰–علی هاشمی ۱۱–محسن هاشمی ۱۲–اسحاق جهانگیری ۱۳–غلامرضا فروزش ۱۴–رضا ملک‌زاده ۱۵–محمد عطریانفر ۱۶–علی مصلحی ۱۷–سیدحسین هاشمی ۱۸–اسماعیل جبارزاده ۱۹–عبدالناصر همتی ۲۰–فاطمه رمضان‌زاده ۲۱– یدالله طاهرنژاد ۲۲–هدایت‌الله آقایی

شورای مرکزی مذکور تا سال ۱۳۹۲ به کار خود ادامه داد. در این زمان هیات موسس تصمیم گرفت به بازسازی حزب دست زند و اعضای تازه‌ای را به شورای مرکزی دعوت کند. براین اساس تعداد اعضای شورا افزایش یافت و با توجه به کناره‌گیری برخی از اعضای شورای مرکزی (سیدعطاءالله مهاجرانی، سیدمصطفی هاشمی‌طبا، غلامرضا فروزش، علی مصلحی و فاطمه رمضان‌زاده) و درگذشت مرحوم دکتر سیدمحسن نوربخش افراد زیر از سوی هیات موسس (که طبق اساسنامه در غیاب کنگره جانشین آن است) به شورای مرکزی حزب دعوت شدند:

۱–محمدحسین عادلی ۲–سعید لیلاز ۳–محمد قوچانی ۴–علی جمالی ۵–شهربانو امانی ۶–فاطمه مقیمی ۷–عباس آقاعلیخانی ۸–علی اشرف‌افخمی ۹–سیدافضل موسوی ۱۰–غلامرضا پناه ۱۱–سیدعبدالله حسینی ۱۲–عباسعلی اللهیاری ۱۳–فرزانه ترکان ۱۴–معصومه کفایتی ۱۵–جهانبخش خانجانی؛ بعدا با استعفای خانم معصومه کفایتی خانم پروانه مافی جانشین ایشان شدند. این افراد جدید در سال ۱۳۹۲ در کنار افراد قدیمی حزب جلسات شورای مرکزی را برگزار کردند و به تشکیل کمیته‌ها و ارکان حزب پرداختند و در یک اقدام تشکیلاتی موثر اولین پیش‌کنگره کارگزاران سازندگی ایران در ۱۵ مردادماه ۱۳۹۴ برگزار شد که در آن شکل‌گیری ارکان حزب مورد پایش قرار گرفت. ۶ ماه بعد در پایان دوره قانونی دوساله‌ی شورای مرکزی جدید حزب و بیست سال پس از اعلام موجودیت گروه کارگزاران، هیات موسس

کارگزاران به عنوان یک حزب مترقی و پیشرو از اعضای خود خواسته است و به صورت ثابت به ۵ تن از زنان رای دهند تا حضور زنان در شورای مرکزی دستخوش رقابت‌های درون‌حزبی نشود

مسوولیت‌های خود را به کنگره ملی حزب واگذار و اعلام انحلال کرد. طبق تبصره‌ی دوم ماده‌ی دهم اساسنامه حزب یک سال پس از استقرار اولین شورای مرکزی حزب دوازده نفر از بیست و چهار نفر [شورای مرکزی] به قید قرعه مستعفی شناخته شده و اقدام لازم توسط کنگره برای تکمیل شورا به عمل آمد. براساس قرعه‌کشی در سال ۱۳۹۴ اعضایی که در شورای مرکزی باقی ماندند بدین شرح بودند.

۱–اسحاق جهانگیری ۲–غلامحسین کرباسچی ۳–سیدحسین مرعشی ۴–فائزه هاشمی ۵–رضا امراللهی ۶–محمد قوچانی ۷– عباس آقاعلیخانی ۸–سیدحسن هاشمی ۹–غلامرضا پناه ۱۰–هدایت‌الله آقایی ۱۱–پروانه مافی ۱۲–معصومه کفایتی ۱۳–اسماعیل جبارزاده.

در انتخابات کنگره اول افراد زیر از اعضای حزب (که بیش از ۶۰۰ نفر آنان دارای حق رای بودند) رای اعتماد گرفتند:

۱۴–شهربانو امانی ۱۵–فرزانه ترکان ۱۶–فاطمه مقیمی ۱۷–ولی‌الله افخمی ۱۸–علی جمالی ۱۹–سیدعبدالله حسینی ۲۰–جهانبخش خانجانی ۲۱–علیرضا سیاسی‌راد ۲۲–محمد عطریانفر ۲۳–سیدمحمود علیزاده طباطبایی ۲۴–سیدافضل موسوی ۲۵–علی هاشمی ۲۶–محسن هاشمی ۲۷–یدالله طاهرنژاد ۲۸–سعید لیلاز ۲۹–احمد نقیب‌زاده ۳۰–عبدالرضا هاشم‌زایی ۳۱–احمد حاتمی ۳۲–علی ظفرزاده ۳۳–علی محمدنمازی ۳۴–طاهره میرساردو ۳۵–مختار طاهریان ۳۶–اسفندیار عشوری.

کنگره دوم حزب در ۲۵ فروردین ماه ۱۳۹۶ برگزار شد. براساس همان اساسنامه اعضایی که در کنگره اول برگزیده شده بودند تا کنگره سوم در شورای مرکزی می‌مانند (دوره شورای مرکزی دوساله است اما کنگره سالانه برگزار می‌شود) اما اعضایی که با قید قرعه برجا مانده بودند این بار در کنگره دوم خود را در معرض رای قرار می‌دهند.

براساس گزارش دفتر کنگره (که ریاست آن برعهده سیدحسین مرعشی بود) تعداد شرکت‌کنندگان در این کنگره ۶۳۵ نفر از سراسر کشور بود که ۶۱۴ رای صحیح و ۲۱ رای باطله بود.

۱۶ عضو دیگر شورای مرکزی نیز براساس میزان آرا به شرح زیر انتخاب شدند:

۱–سیدحسین مرعشی، ۵۷۲ رای
۲–غلامحسین کرباسچی، ۵۶۶ رای
۳–محمد قوچانی، ۴۵۲ رای
۴–علی‌محمد نمازی، ۴۴۲ رای
۵–غلامرضا پناه، ۴۴۰ رای
۶–علی جمالی ۳۴۴ رای
۷–عبدالرضا هاشم‌زایی، ۳۳۹ رای
۸–یدالله طاهرنژاد، ۳۲۷ رای
۹–رضا امراللهی، ۳۱۹ رای
۱۰–جلیل رحیمی‌جهان‌آبادی، ۳۱۹ رای
۱۱–محمدرضا علی حسینی، ۲۹۵ رای
۱۲–هدایت‌الله آقایی، ۲۸۷ رای
۱۳–علیرضا سیاسی‌راد، ۲۷۴ رای
۱۴–سیدافضل موسوی، ۲۷۳ رای
۱۵–اسماعیل جبارزاده، ۲۶۱ رای
۱۶–سیدعبدالله حسینی، ۲۴۷ رای

ساختار شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران آمیزه‌ای از ثبات و تغییرات و به‌گونه‌ای طراحی شده که امکان مرکزگرایی، مردسالاری و پیرگرایی در آن وجود ندارد

کارگزاران به عنوان یک حزب مترقی و پیشرو از اعضای خود خواسته است و به صورت ثابت به ۵ تن از زنان رای دهند تا حضور زنان در شورای مرکزی دستخوش رقابت‌های درون‌حزبی نشود؛ بنابراین این افراد با این آرا به عضویت شورای مرکزی درآمدند [برای این کار در برگه رای ستون ثابتی طراحی شد که حتما به ۵ تن از زنان رای داده شود]:

۱–فائزه هاشمی، ۵۸۲ رای
۲–پروانه مافی، ۵۰۴ رای
۳–فاطمه سعیدی، ۴۹۵ رای
۴–ناهید تاج‌الدینی، ۴۶۲ رای
۵–طاهره میرساردو، ۴۰۳ رای

همچنین کارگزاران برای تمرکززدایی از حزب، برای شهرستان‌ها و استان‌های کشور سهمیه ۲نفره‌ای در نظر گرفته است که افراد زیر براساس میزان آرا برای این دو کرسی در شورای مرکزی انتخاب شدند:

۱–محمدمهدی بهزادیان (از کارگزاران گلستان) با ۳۲۰ رای
۲–بهرام فیاضی (از کارگزاران تهران) با ۱۷۶ رای.

شایان ذکر است نامزدی زنان و هم‌حزبی‌های شهرستانی بیش از این سقف ۲+۵ نفر برای ۱۶ کرسی باقی مانده منع ندارد؛ چنان که افراد دیگری نامزد برای بقیه کرسی‌های شورای مرکزی شدند و رای هم آوردند.

خانم‌های لیلا دودمان با ۳۱۱ رای و طیبه اصفهانی با ۲۶۸ رای نیز به عنوان بازرسان حزب انتخاب شدند و آقایان ولی‌الله افخمی، حاتمی، ظفرزاده، هدایت‌الله امیری و مسعود رضایی به عنوان اعضای علی‌البدل شورای مرکزی انتخاب شدند.

اساسنامه حزب کارگزاران سازندگی ایران با همه پیچیدگی‌های خود آمیزه‌ای از ثبات و تغییراست: از ۳۵ عضو شورای مرکزی ۲۳ نفر هر سال براساس رای اعضای کنگره ملی حزب تغییر می‌کنند (۶۵ درصد شورای مرکزی) که باقی ماندن ۳۵ درصد در شورا به معنای تلاش برای حفظ تجربیات هر شورای مرکزی برای شورای مرکزی جدید است.

همچنین تعیین کف حداقل ۵ زن و ۲ هم‌حزبی استانی کارگزاران را از مردسالاری و پایتخت‌محوری جدا می‌کند. اما نحوه اطلاع‌رسانی ممکن است این شبهه را ایجاد کند که اعضایی از حزب از آن جدا شده‌اند.

در هر صورت شورای مرکزی منتخب دومین کنگره حزب کارگزاران سازندگی ایران براساس حروف الفبا به شرح زیر است:

۱–شهربانو امانی ۲–رضا امراللهی ۳–غلامعباس آقاعلیخانی ۴–هدایت‌الله آقایی ۵–محمدمهدی بهزادیان ۶–غلامرضا پناه ۷–ناهید تاج‌الدینی ۸–فرزانه ترکان ۹–علی جمالی ۱۰–سیدعبدالله حسینی ۱۱–جهانبخش خانجانی ۱۲–جلیل رحیمی جهان‌آبادی ۱۳–فاطمه سعیدی ۱۴–علیرضا سیاسی‌راد ۱۵–یدالله طاهرنژاد ۱۶–مختار طاهریان ۱۷–اسفندیار عشوری‌سوادکوهی ۱۸– محمد عطریانفر ۱۹–محمدرضا علی‌حسینی ۲۰–سیدمحمود علیزاده‌طباطبایی ۲۱–بهرام فیاضی ۲۲–محمد قوچانی ۲۳–غلامحسین کرباسچی ۲۴–سعید لیلازمهرآبادی ۲۵–پروانه مافی ۲۶–سیدحسین مرعشی ۲۷–سیده فاطمه حسینی ۲۸–سیدافضل موسوی ۲۹–طاهره میرساردو ۳۰–احمد نقیب‌زاده ۳۱– علی محمدنمازی ۳۲–عبدالرضا هاشم‌زایی ۳۳– علی هاشمی ۳۴– فائزه هاشمی ۳۵– محسن هاشمی

اتفاق ۹۶ در راه است

سید حسین مرعشی در افتتاحیه ستاد حزب: نقد دولت را باید به پس از انتخابات واگذار کرد

ستاد انتخاباتی حزب کارگزاران سازندگی ایران با شعار «اتفاق» روز شنبه ۱۶ اردیبهشت۹۶ با حضور سید حسین مرعشی، سید افضل موسوی، رضا امراللهی، فاطمه سعیدی و شهربانو امانی، اعضای شورای مرکزی حزب و احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران افتتاح شد.

بهرام فیاضی، دبیر اول حزب سازندگی استان تهران، هدف از نامگذاری ستاد انتخاباتی حزب به نام «اتفاق» را ارسال پیام کارگزاران به سراسر ایران دانست و با وجود تعدد ستادهای مختلف با توجه به تعدد نامزدهای ریاست جمهوری، بر فعالیت‌های حزبی و تشکیلاتی تاکید و از حضور اسحاق جهانگیری، چهره شاخص سیاسی ملی و عضو حزب کارگزاران سازندگی در عرصه انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم در کنار دکتر حسن روحانی یاد کرد. از این رو پوسترهایی که سراسر فضای دفتر حزب را در بر گرفته بود دو عکس رئیس‌جمهور و معاون اولش را داشت؛ اولی با رنگ بنفش و دیگری سبز و شعار اتفاق و شعر «آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت».

ستاد اتفاق بنا به گفته مسئولان آن با همفکری بزرگان حزب و فعالان سیاسی و رسانه‌ای تشکیل شده و قرار است متمرکز عمل کرده و هر روز در ستاد گردهمایی برگزار شود.

رقبا ٤ سال صبر کنند

حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی در سخنانی، مراسم افتتاح ستاد اتفاق که به گفته او «به دعوت فرزندان جوان حزب کارگزاران» انجام شده را نشانه‌ای از نوسازی در حزب دانسته که با جایگزینی جوان‌ها، سعی در بهره‌گیری از تجارب سرمایه‌های حزب در قالب شورای مشورتی دارد.

مرعشی افرادی که تصمیم به شرکت در انتخابات ۲۹ اردیبهشت نگرفتند و می‌گویند فایده ندارد را به حضور در پای صندوق‌های رای دعوت کرد و این پیام را به آنها داد که حضورشان موثر است.

او گریزی تاریخی به ادوار پیشین انتخابات ریاست جمهوری زد و گفت: «پس از رحلت حضرت امام و انتخاب مقام معظم رهبری که با پایان جنگ همراه بود، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بر اساس اجماع جناح‌های سیاسی کار خود را به عنوان رئیس‌جمهور شروع کردند. اولین انتخابات در دوره رهبری و آیت‌الله رفسنجانی، انتخابات مجلس چهارم بود که با شعار «اطاعت از رهبری، حمایت از هاشمی» کرسی‌های مجلس را در دست گرفت. از آنجا که مجلس بیش از اندازه به جناح راست گرایش یافت و اقلیت اندک شد، تعادل از بین رفت و در نتیجه مجلس شعار حمایت از هاشمی را فراموش کرد. در نتیجه در آن انتخابات مردم دیدند که شرایط چگونه رقم خورد. منتقدان ما می‌گفتند مشکل سفره مردم است و بقیه نیازها جدی نیست؛ نتیجه حاکمیت جناح راست و چنین تفکری در مجلس چهارم را هم دیدیم. نتیجه انتخابات مجلس چهارم کاهش رشد اقتصادی کشور بود که در برنامه اول ۶/۷ درصد بود و به ۵/۲ رسید.»

مرعشی با بیان اینکه «حضرت امام(ره) به ما یاد داد هرجا مشکل داشتید مردم را به صحنه بیاورید» گفت: «بر این اساس برای مجلس پنجم تلاش کردیم و نتیجه‌اش یک مجلس متعادل شد. مجلس پنجم زمینه ریاست جمهوری ۷۶ را فراهم کرد. قانون برنامه توسعه را تدوین کرد، رشد اقتصادی به ۶/۵ رسید، روابط ایران با عربستان عادی شد، فرهنگ توسعه ایجاد شد و به طور کلی همه شاخص‌ها تغییر کرد.»

او به ادعاهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره تحقیقات هسته‌ای ایران در اواخر دوره خاتمی اشاره کرد و گفت: «ما مجبور بودیم تحقیقات را به دور از چشم دیگران انجام دهیم چون حق ما بود. در بوشهر تمام هزینه را به زیمنس داده بودیم اما آمریکایی‌ها جلوی تحویل نیروگاه ایران را گرفتند و طبیعی بود تحقیقات هسته‌ای را ادامه بدهیم. آن بحران از بحران‌های بزرگی شد که آقای خاتمی رئیس‌جمهور و دکتر روحانی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی وقت آن را به خوبی مدیریت کردند.»

عضو شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان، انتخابات ۸۴ را «نقطه اوج آشفتگی سیاسی» دانست که نه اصولگرایان و نه اصلاح‌طلبان خوب حرکت نکردند.

وی افزود: «طبیعی بود در آن شرایط نمی‌توانستیم به نتیجه کارهایی که انجام می‌شد امیدوار باشیم. انتخابات ۸۴ اشتباه تاریخی سیاسیون بود، نه مردم. دوره بسیار خسارت‌باری برای ایران آغاز شد. تقریبا همه سرمایه کشور مورد بی‌مهری، بی‌توجهی و هجوم قرار گرفت. از اعتبار شخصیت‌ها چیزی نماند. دیدیم که در مناظره ۸۸ چه اتفاقات و بگم بگم‌هایی پیش آمد. حداقل خسارت آن زمان این است که دوره توسعه صنعتی ایران کاملا سوخت، ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی هزینه رفع تحریم و تنظیم بازار و واردات کالاهای مصرفی شد.»

مرعشی تاکید کرد: «اگر معجزه انتخاب ۹۲ نبود معلوم نبود آینده چه می‌شد! مردم کشور را به مسیر خردورزی آوردند. نمی‌گوییم اگر ما انتخاب شویم همه چیز خوب می‌شود و رقیب انتخاب شود بد می‌شود؛ اما روحانی بسیار با تجربه‌تر از چهار سال قبل است. کارهایی که شروع کرد نیمه تمام است؛ خرد حکم می‌کند کارها تمام شود. یک مثال آن در سیاست خارجی، برجام است.»

وی افزود: «روحانی کار تاریخی کرد و آن لغو پنج قطعنامه شورای امنیت بود. دبیر اول سفارت ژاپن در دوره احمدی‌نژاد به من می‌گفت کارهای رئیس‌جمهور شما خیلی برای کشورتان دردسرساز است. من گفتم نه، ایشان سیاست نظام را اجرا می‌کند. گفت تعدادی قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل علیه ژاپن تصویب شده که مدعی است کشور ما دشمن صلح بشریت است اما هر بار که درخواست لغو آن‌ها را داریم چین وتو می‌کند. شما چندین قطعنامه دارید که اگر درخواست کنید لغو شود، با ۵ عضو دائم شورای امنیت صاحب وتو روبه‌رو خواهید شد. قبل از آن فکر می‌کردیم اگر یک رئیس‌جمهور عاقل بخواهد این قطعنامه‌ها را لغو کند چقدر وقت می‌خواهیم اما روحانی این کار را کرد و همه قطعنامه‌ها را لغو کرد.»

سخنگوی حزب کارگزاران در ادامه گفت: «امروز ترامپ در آمریکا سر کار آمده، کار او را می‌بینید. سال‌ها کارشناسان می‌گفتند زمین در حال گرم شدن است. چند سند بین‌المللی امضا شده تا گاز گلخانه‌ای را کم کنند. ترامپ گفته بی‌خود می‌گویند زمین گرم می‌شود من می‌گویم نمی‌شود. کسی که ضد محیط زیست بوده را رئیس این حوزه کرده است. ترامپ گفت برجام بدترین توافق آمریکا است اما نتوانسته آن را برهم بزند چون متن توافق برجام تبدیل به یک قطعنامه شده و باید برای لغو برجام به شورای امنیت مراجعه کند که دیگر اعضا آن را وتو می‌کنند.»

مرعشی با بیان اینکه «هنوز همه منافع برجام نصیب مردم نشده» گفت: «برخی می‌گویند بدعهدی آمریکا دلیل بوده، برخی هم می‌گویند آزمایش‌های موشکی دلیلش است. به هر حال روحانی باید کار نیمه تمام برجام را به اتمام‌برساند.»

به گفته او «دولت توانست ۵,۱ میلیون بشکه نفت بیشتر بفروشد. ۲۰۰ میلیارد دلار پروژه نفتی آماده شده است. سهم ما از بازار ۱۰۰ میلیون بشکه‌ای نفت، ۴ میلیون بشکه نفت است. عده‌ای تلاش کردند قراردادهای نفتی منعقد نشود. هر یک درصد افزایش بازیافت نفت ایران، ۲۵۰ میلیون دلار درآمد نصیب ما می‌کند. الان ظرفیت بازیافت نفت ۲۷ درصد است که باید به ۳۵ درصد برسد و ببینید با آن چه رشدی در درآمدهای ما حاصل می‌شود. قراردادهای اولیه امضا شده و خیلی از صاحبان تکنولوژی دنیا منتظر انتخابات ایران هستند. مشابه همین موضوع در دیگر بخش‌ها کشور با کار نیمه تمام روبه‌روست.»

مرعشی افزود: «دولت طرح مهم نظام سلامت را انجام داده اما هماهنگی بیمه‌ها با این نظام انجام نشده و پرستاری تحت پوشش قرار نگرفته است؛ این کارها باید کامل شود.»

وی در پایان گفت: «همانطور که آقای جهانگیری گفت صحنه ریاست‌جمهوری صحنه کارآموزی نیست. باید اجازه دهیم دولت روحانی کارهایی خود را به سرانجام برساند. دوستان تحمل کنند چهار سال دیگر فرصت هست. در این شرایط رکود مردم را قانع کنیم یک ساعت رای بدهند تا چند سال کشور در مسیر پیشرفت باشد. البته من هم انتقاداتی به دولت دارم اما بعد از انتخابات می‌گویم تا دولتی جوان و پرکارتر داشته باشیم. همه بسیج

شوند و تلاش کنیم افرادی که نمی‌خواهند از حق رای خود استفاده کنند را قانع کنیم.»

نگران بسط بی‌انضباطی هستم

احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران در سخنانی در این مراسم گفت: «ایرانیان از تبار بزرگی و سرافرازی هستند. هیچ چیز تلخ‌تر از این نیست که حیثیت ایران خدشه‌دار شود. در داستان‌های اساطیری این را می‌بینیم. در یک دوره‌هایی دست ایران را بستند و شأن ایران نادیده گرفته شد. در بحث برجام واقعیتی اتفاق افتاده و آن توانایی ایرانیان در اداره دیپلماسی بود. افتخار نبود که بالاترین مقام اجرایی ایران برای سخنرانی در سازمان ملل برود و همه سالن را ترک کنند. اکنون این عزت جبران و ترمیم شد. نگذارید وضع به آن روز برگردد.»

وزیر دولت اصلاحات گفت: «اگر دولت خاتمی موفق بود چون دولت اخلاقی بود. اینطور نبود که به رای شخصی پایبند باشد.»

او افزود: «من نگران بسط بی‌انضباطی هستم. با بی‌انضباطی توسعه ممکن نیست. آقای روحانی در خاطره‌ای می‌گفت که بعد از دولت اصلاحات، رئیس دولت جدید ایشان را خواستند و گفتند چقدر به البرادعی بدهیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اداره کنیم. روحانی مبلغی می‌گوید و رئیس دولت وقت بی‌ملاحظه می‌گوید پرداخت کنید. آقای روحانی گفتند مگر می‌شود بدون تصویب مجلس پرداخت شود. او جواب داده من گفتم باید بشود. این منم منم‌ها آینده ما را تهدید می‌کند. من نگران بی‌انضباطی در اقتصاد و اجتماع و زندگی مردم هستم.»

به گفته این عضو شورای شهر «همه چیز از بی‌انضباطی در فکر شروع می‌شود که به بی‌انضباطی در عمل می‌رسد. اگر دولت خاتمی موفق بود چون مبتنی بر اخلاق بود و به رای شخصی مبتنی نبود. من نگرانم کشور در کار امروز خود بماند. ما که در دوره ساسانی آثار زیادی درباره نظام مالیه داشتیم و در تاریخ دارالضرب داشتیم چرا باید در کار امروز خود بمانیم و گرفتار بلیه شویم و وعده‌هایی بدهیم که هیچ دولتمردی نمی‌تواند به آنها وفا کند. چرا باید شاهد گزارش‌هایی که جهانگیری از وضع گذشته کشور داد، باشیم. وعده‌هایی ندهیم که هیچ دولتمردی نتواند به آن وفا کند. من نگران کسانی هستم که فریب این وعده‌هایی که محقق نمی‌شود را بخورند و به آنها رای بدهند.»

وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکید کرد: «در تهران گروه‌های مختلفی هستند که ممکن است به این حرف‌ها امید ببندند و شما با زبان و ادبیات تعریف شده مطالب را بگویید که با فهم همه ارتباط برقرار کند. زمانی که آیت‌الله هاشمی دولت را در دست گرفت تئاتر و سینما و برنامه‌های هنری ما بداقبال بود ولی ظرف هشت سال نشاط آمد و شاخص‌ها افزایش کرد. فعالیت اجتماعی رو به رشد رفت و در همه بخش‌ها پیشرفت کرد. در آن زمان این روند مقدمه‌ای شد تا خاتمی حصور یابد و موفق شود. ما الان وظیفه داریم نشاط حال حاضر که در خطر شعارهایی است که منجر به توسعه نمی‌شود را حفظ کنیم.»

مسجدجامعی، شوراها را یکی از اصول قانون اساسی و رکن نظام خواند و گفت: «نخستین قانون شورا توسط موسوی به مجلس ارائه شد. در دولت خاتمی اولین انتخابات برگزار شد. هر بار اقبال نسبت به انتخابات بالا بوده شورا در اختیار اصلاح‌طلبان بوده و شورایی که اصلاح‌طلبان در آن نیامدند زمینه‌ای شد تا دولتی روی کار آمد و آن بلاها را سر کشور آورد. نگاه کنید اگر دولت ملی و مدیریت محلی همسو باشد می‌تواند بسیاری از مشکلات مردم حل شود. اگر ۲۰ هزار میلیارد سرمایه کشور برای مقابله با دولت باشد چه می‌شود. اگر در سطح بین‌المللی توانستیم موفق باشیم به دلیل این بود که هنر گفت‌وگو را یاد گرفتیم. در این دوره کمیسیون کلانشهرها ایجاد شد که بسیار ارزشمند است.»

او هشدار داد: «اگر مشارکت بالا در انتخابات شوراها نباشد و منافع ملی و محلی همراستا نباشد ما شاهد آسیب‌هایی هم در حوزه ملی و هم حوزه محلی خواهیم بود. برنامه‌ریزی درست آن است که ساختار ملی و محلی از هم پشتیبانی کنند نه اینکه ساختار محلی با ساختار ملی رقابت کند.»

هر یک از ما ستاد روحانی باشیم

فاطمه سعیدی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی نیز در سخنانی یادآوری کرد: «چهار سال پیش در چنین روزهایی پس از آن هشت سال سیاه و تاریک که امیدواریم هرگز روی خودش را به ایرانیان نشان ندهد، تجمیع اصلاح‌طلبان به حمایت و رهبری خاتمی شکل گرفت. در آن زمان روحانی توانست آرای مردم را جمع کند و دولت تدبیر و امید را راه بیندازد.»

وی افزود: «به دولت روحانی نقد دارم اما فکر می‌کنم در این چند روز باقیمانده باید نقدها را کنار گذاشت و جز وحدت، یکدلی و یکپارچگی حرفی نزد، به عنوان یک نماینده مردم در مجلس خواهش می‌کنم در این انتخابات پای صندوق‌ها بیایند و دیگران را نیز دعوت کنند.»

به گفته این نماینده مجلس «روز چهارشنبه مهمان آقای خاتمی بودیم و فقط یک سفارش کرد اینکه مردم پای صندوق‌های رای بیایند، نه از کسی حمایت کرد و نه کسی را نقد کرد فقط گفت یک سفارش دارم و آن حضور مردم پای صندوق‌های رای است و فکر می‌کنم وقت آن است که اکثریت بیایند و پیروز خواهند بود. به امید اینکه روز ۲۹ اردیبهشت همه ما برای ایرانی آباد و آزاد پای صندوق‌های رای بیاییم و هر کدام از ما ستاد روحانی با صدها رای باشیم.»

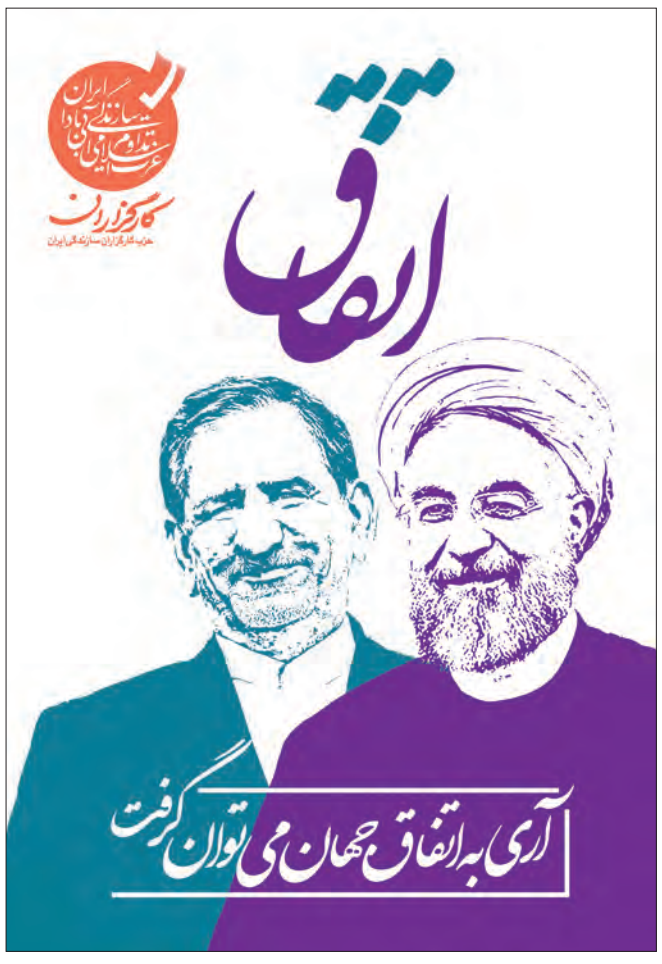

گزارش

۲۱+۱

فهرست اصلاح طلبان برای شورای شهر تهران اعلام شد

مهتاب اسفندیاری
خبرنگار

اصلاح‌طلبان فهرست نهایی نامزدهای خود را برای انتخابات شورای شهر تهران منتشر کردند. اگر همان اتفاقی که در انتخابات مجلس در سال ۹۴ رخ داد امسال نیز رخ دهد هر ۲۱ نفر از کاندیداها وارد شورای شهر تهران خواهند شد. این ۲۱ نفر توسط شورای عالی اصلاح‌طلبان و با اتخاذ یک مکانیزم واحد از میان حدود ۶۰۰ نفر تایید صلاحیت شده در جریان اصلاح‌طلبی به‌وسیله شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان انتخاب شده‌اند. این فهرست هم مانند فهرستی که در انتخابات مجلس شورای اسلامی منتشر شد افراد ناشناس زیادی دارد و در مرحله اول هم انتقادهای زیادی را به همراه داشته است. اما تاکید اعضای شورای سیاستگذاری که انتخاب‌کننده این افراد هستند، وجود مکانیزم و در نظر گرفتن تخصص این افراد است. اگرچه افراد ناشناخته زیادی در میان این فهرست ۲۱ نفره وجود دارد اما افراد براساس تخصص و سهمیه‌بندی‌ای که در شورای عالی در نظر گرفته شده انتخاب شده‌اند. در این میان همچنین خبری از اسامی بازیگران، ورزشکاران، روزنامه‌نگاران و... در فهرست نیست. موضوع دیگری که در نگاه اول به چشم می‌آید این است که از آقازاده‌ها هم جز یک مورد، اثری در لیست نیست البته که برای مشخص شدن وضعیت و روابط آنها باید بیشتر و بهتر گذشته‌شان را مورد واکاوی قرار داد.

چه کسانی منتخب شورای عالی هستند؟

اما آن اسامی که از طرف شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان از کاندیداهای مورد نظر آنها منتشر شده به شرح زیر است: محمدجواد حق‌شناس، محمد سالاری، مرتضی الویری، سید محمود میرلوحی، افشین حبیب‌زاده، زهرا نژادبهرام، علی اعطا، محسن هاشمی، محمد علیخانی، زهرا صدراعظم نوری، آرش میلانی، ابراهیم امینی، الهام فخاری، خلیل آبادی، شهربانو امانی، احمد مسجدجامعی، بهاره آروین، ناهید خداکرمی، مجید فراهانی، حسن رسولی و حجت نظری. سیدحسین مرعشی، عضو شورای‌عالی سیاستگذاری انتخاباتی اصلاح‌طلبان در واکنش به انتقادها و اخبار ضد و نقیض درباره چگونه به وجود آمدن آن در کانال تلگرامی خود نوشته است: «اصلاح‌طلبان در این لیست به دنبال گردش نخبگان، جوانگرایی و افزایش سهم بانوان در مدیریت شهری بوده‌اند.» مرعشی همان‌گونه که چند روز پیش از انتشار فهرست هم در کانال خود از سهمیه‌بندی‌ها سخن گفته بود، توضیح داده که این لیست براساس تخصص‌های مورد نیاز شورا و با احتساب سهمیه ۴ کرسی برای زنان و ۲ کرسی برای زنان جوان و ۴ کرسی برای مردان جوان تهیه شده است. پس از آن هم با اشاره به برخی اسامی ناآشنا که در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفته‌اند و نسبت به حضور آنها انتقادهای زیادی شده است، عنوان کرد: «خانم‌ها دکتر الهام فخاری و دکتر بهاره آروین سهمیه زنان جوان هستند و دکتر ناهید خداکرمی تنها دکترای بهداشت محیط است که در این دوره ثبت نام کرده و در امر بهداشت محیط سابقه‌ای طولانی دارد. همچنین در خصوص سهمیه مردان جوان آقایان دکتر آرش میلانی، حجت نظری، مجید فراهانی(کرسی خدمات پیشرفته و شهر هوشمند) هستند و دکتر علی اعطا دارای دکترای شهرسازی است و از سوی جامعه مهندسان مشاور ایران به شورای‌عالی اصلاح‌طلبان پیشنهاد شده است.» عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران همچنین تاکید کرده که «مراحل تهیه این لیست براساس فراخوان عمومی و با ارزیابی کارشناسان برجسته خارج از شورا صورت گرفته» و قول ارائه جزئیات بیشتر درباره مکانیزم این انتخاب‌ها را داده است.

اهمیت تهران

شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان همان‌طور که پیش از این هم از طرف شخص محمدرضا عارف، رییس این شورا اعلام شده بود تنها فهرست «تهران» را تعیین می‌کند. عارف در همان ابتدای سازوکار ثبت‌نام‌ها و تاییدصلاحیت کاندیداها در سراسر کشور تاکید کرده بود که شورای عالی تنها در انتخاب لیست تهران دخالت می‌کند و هیچ دخالتی در انتخاب افراد در شهرستان‌ها نخواهد داشت. البته که این به دلیل عدم توجه و بی‌اهمیت بودن شهرستان‌ها نیست، بلکه احتمالا به دلیل گستردگی حوزه‌های انتخابیه و گزینش‌های بومی افراد است که افراد بومی در جریان اصلاحات بهتر می‌توانند در سازوکار و چینش رویه آن تاثیرگذار باشند. اما به هر حال نمی‌توان منکر استراتژیک بودن پایتخت سیاسی برای همه جریان‌ها شد.

تلاش مخالفان برای تغییر جهت

تفاوت هم آنجا روشن‌تر می‌شود که در تهران به عنوان پایتخت سیاسی و برخی از کلانشهرهای تاثیرگذارتر نوع اعمال فشار متفاوت است. در غیاب شورای نگهبان و هیات نظارت‌هایی که حامی مخالفان جریان اصلاحات باشند، گروه‌ها و نهادهایی در این مدت پیدا و پنهان تلاش کردند تا در وضعیت کاندیداها تاثیرگذار باشند. آنگونه که نمایندگان مجلسی که در هیات‌های نظارت و اجرایی حضور دارند سخن گفته‌اند، فشارهای زیادی بعد از تایید صلاحیت نامزدها در شهرستان‌های مختلف و از جمله تهران به این هیات‌ها وارد شده تا برخی افراد و چهره‌های شاخص که پیش از این فعالیت سیاسی خاص داشته‌اند، (سابقه بازداشت داشته یا در جریان‌های سال ۸۸ دخیل بوده‌اند) رد شوند. البته مهلت این بررسی‌ها سه‌شنبه به اتمام رسید، اما قانون در این باره به صراحت صحبت کرده است. در ماده ۴۸ قانون انتخابات شوراهای شهر و روستا آمده که بعد از اعلام نظر هیات‌های اجرایی، این نظر قابل تغییر نیست. در این ماده به صراحت آمده «نظر هیات‌های اجرایی بخش و شهرستان مبنی بر تأیید صلاحیت داوطلبان قطعی است و نظر هیات‌های مذکور در مورد ردصلاحیت داوطلبان، حسب مورد با تایید هیات‌های نظارت معتبر است.» بنابراین هیات‌های نظارت اگر شکایتی از طرف افراد ردصلاحیت‌شده داشته باشند، امکان بررسی آن را دارند، اما این هیات‌ها حق ردصلاحیت افرادی را که تایید شده‌اند، ندارند. برهمین اساس علی مطهری، نماینده تهران هم در نطق روز سه‌شنبه خود با اشاره به این موضوع علنا پرده از نمونه‌ای از این فشارها برداشت و از نمایندگان خواست که زیر بار نروند. مطهری در پایان نطق خود که در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت، با نشان دادن فشاری که به هیات نظارت مرکزی برای ردصلاحیت برخی از تایید شده‌ها اعمال شده، بیان کرد: «ارسال لیست از طرف دادگستری استان تهران به هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها برای ردصلاحیت برخی کاندیداها خلاف قانون است و این هیات نباید زیر بار آن برود.» او روز چهارشنبه هم بین خبرنگارانی که در این باره کنجکاو بودند با بیان اینکه «هیات نظارت استعلام‌های لازم را اخذ کرده و بر این اساس تصمیم‌گیری کرده» گفت: «هنگامی که یک نامزد در هیات مرکزی تایید صلاحیت شد، ورود دیگر نهادها درست نیست و باعث می‌شود هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها تحت فشار قرار گرفته و احیانا این افراد تسلیم بشوند.» او در ادامه با تاکید بر اینکه «شخصا نامه دادگستری استان تهران را در این رابطه ملاحظه کردم و علاوه بر آن گویا شورای عالی امنیت ملی نیز درخواست مشابهی را مطرح کرده است» بیان کرد: «این موضوع ارتباطی به این نهادها ندارد و نظارت بر شورای شهر بر عهده مجلس است و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی از این طریق وارد می‌شوند.» نماینده تهران همچنین درباره خبری مبنی بر ارسال نامه از هیات نظارت مرکزی به هیات‌های شهرستان‌ها عنوان کرد: «در ملاقاتی که با اعضای هیات مرکزی نظارت داشتم به آنها توصیه کردم که به هیچ عنوان تحت تاثیر فشارها قرار نگیرند چراکه در این صورت به الگویی نادرست در آینده تبدیل خواهد شد.»

انتقادها از کجا نشأت می‌گیرد؟

اما ارائه این فهرست با چالش‌ها و شایعات زیادی همراه بود. پیش از نهایی شدن آن، چند فهرست به صورت موازی در فضای مجازی منتشر شدند که موجب دامن زدن به برخی مسائل و موضوعات شد. در کنار آن برخلاف یکی دو دوره گذشته که هیات‌های نظارت و اجرایی در استان‌ها در اختیار نمایندگان اصولگرا بود و موجب عدم گزینش بسیاری از چهره‌های مطرح جریان اصلاح‌طلب می‌شدند این دوره نمایندگان فراکسیون و فهرست امید کار را در دست داشتند و به همین دلیل هم تعداد ردصلاحیت‌ها پایین بود. تاییدصلاحیت‌های گسترده اگرچه خوشایند است اما مشکل دیگری به وجود آورد و آن انتخاب‌های محدود از بین تعداد کثیر بود. آن هم در جریان سیاسی که پس از فجایع ۸۸ و ضربه‌هایی که در عرصه سیاسی و اجتماعی به آن وارد شد، چندسالی است تلاش می‌کند آهسته آهسته خود را ترمیم کند و این ترمیم را هم در انسجام یافته است. از سال ۹۲ این ایجاد انسجام آغاز شد و نتیجه آن پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری بود. پس از نتیجه مثبت این اجماع بود که در سال ۹۴ و انتخابات مجلس شورای اسلامی هم با وجود ردصلاحیت‌های گسترده اصلاح‌طلبان از طرف شورای نگهبان، همان راهکار در پیش گرفته شد. با حداقل امکانات فهرستی تهیه شد که اکثریت قریب‌به اتفاق آن را افراد ناشناخته تشکیل می‌دادند. اما شاید ترسی که از آن تجربه با وجود حفظ انسجام حالا به دل منتقدان افتاده نشات گرفته از سرپیچی‌ها، ناروزدن‌ها و بی‌اطلاعی از عقبه برخی از همان افراد ناشناس است. با انتشار فهرست امید و بالا آمدن برخی از چهره‌ها، تعدادی از افرادی که میثاق‌نامه را امضا کرده بودند و برخی که تعهد شفاهی داده بودند به آن پشت پا زدند و این ضربه سنگینی برای گروهی تازه‌پا بود که قرار است چهار سال راه پر پیچ و خم «لابی» را در راهروهای مجلس پشت سر بگذارند. اتفاق بعدی درباره حضور فاطمه حسینی، دختر صفدر حسینی در فهرست تهران بود که به دلیل فیش حقوقی پدر و صحبت‌هایی که در دفاع از آن در مجلس مطرح کرد، مورد انتقادهای شدیدی قرار گرفت و فراکسیون امید را هم تحت‌الشعاع خود قرار داد. اگرچه اتفاق روی داده خلاف قانون نبود و نشأت گرفته از قوانین دولت گذشته بود اما صحبت‌هایی مطرح شد که افکار عمومی را دچار دلزدگی کرد. در کنار این اصلاح‌طلبان تجربه ناخوشایندی هم از دوره چهارم شورای‌شهر و فهرست آن دارند. در دوره چهارم این جریان با اکثریت وارد شورای شهر شد اما زمان انتخاب شهردار و رای نیاوردن محسن هاشمی به عنوان گزینه مورد نظر جریان اصلاحات، مشخص شد که الهه راستگو و احمد دنیامالی موضع خود را به نفع محمدباقر قالیباف و اصولگرایان تغییر داده‌اند. همین است که با توجه به اینکه این بار اصلاح‌طلبان محدودیت نبود گزینه‌های شاخص را نداشته‌اند، انتخاب این فهرست برای بسیاری قابل توجیه نیست، ضمن اینکه تاکید بر تخصص هم از نظر بسیاری قابل قبول نیست چراکه معتقدند افراد زیادی هستند که بدون داشتن تخصص در حرفه خود موفق هستند.

علاوه بر این برخی هم هستند که به دلیل عدم شناختی که نسبت به این افراد وجود دارد، میزان رای‌آوری این فهرست را پایین می‌دانند. رای‌آوری‌ای که به نظر نمی‌آید با توجه به آن تجربه‌ها حتی با وجود سفارش سیدمحمد خاتمی، رییس دولت اصلاحات هم این بار حامیان «به همه لیست» رای دهند. مگر اینکه راهکار و روش جدیدی برای توجیه این فهرست ارائه شود تا بتواند افکارعمومی را قانع کند که اولا تجربه‌های گذشته تکرار نمی‌شود، دوما این افراد توانایی بیرون کشیدن تهران از منجلابی را که هشت سال مدیریت قالیباف به وجود آورده را دارد.

لیست چگونه تهیه شد؟

آنگونه که افراد مختلف در شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان درباره سازوکار انتخاب افراد حاضر در فهرست صحبت کرده‌اند، این تعداد از میان حدود ۶۰۰ نفر انتخاب شده‌اند. به گفته مرتضی حاجی، عضو این شورا و رییس شورای ستاد اصلاح‌طلبان شهر تهران «برای دستیابی به ترکیبی مناسب در شورا پیش‌بینی کردیم افرادی مورد حمایت قرار بگیرند که اولا با یکی از حوزه‌های مربوطه از جمله محیط‌زیست، معماری و شهرسازی، مدیریتی و حقوقی و به طور کلی ۱۰ حوزه ارتباط داشته و در یکی از آنها تخصص داشته باشند که در هر کدام از این بخش‌ها از یک تا چهارنفر در لیست سهمیه خواهند داشت.» همچنین او در نشست «نقش رسانه‌ها در انتخابات» که دوشنبه ۱۸ اردیبهشت برگزار شد در توضیح انتخاب افراد و سهمیه‌بندی‌های موجود در فهرست بیان کرد: «اولویت، برتری و سهمیه‌ای برای جوانان و زنان درنظر گرفتیم چرا که این دو گروه به دلایلی معمولا از حوزه‌های مدیریتی دور بودند و حداقل ۵۰ درصد به این دو گروه تخصیص یافت.» او همچنین بیان کرد که با توجه به این سازوکار و براساس کمیسیون‌های تخصصی که در شوراهای شهر وجود دارد به فهرستی ۱۵۰ نفره رسیده‌اند و تا روز سه‌شنبه فهرست ۲۱ نفره مشخص خواهد شد. حاجی همچنین خبر از برگزاری دو نوبتی جلسه مجمع شورای عالی در روز سه‌شنبه داد. بنابراین ابتدا در جلسه بعدازظهر سه برابر میزان لیست به دو برابر کاهش یافت و در جلسه‌ای که از ساعت ۱۸ بعدازظهر آغاز شد، تلاش‌ها برای انتخاب فهرست اصلی در دستور قرار گرفت. حدود ساعت ۲۱ بالاخره اسامی ۲۱ نفر منتخب این شورا اعلام شد. اسامی که در انتشار اولیه نام «مرتضی الویری» در آن نبود اما اعلام شد که در لحظه آخر و با رای‌گیر او جایگزین «معروف صمدی» شده است. البته جای اسامی بسیاری در این فهرست خالی است و همین موضوع انتقادهای گسترده را در پی داشته است. انتقادهایی که وهم چند فهرستی شدن و از بین رفتن انسجام را به همراه دارد.

راهکار شورای عالی برای جلوگیری از تکرار تجربه‌های گذشته

اینکه افراد لایه‌های مختلف این جریان دلهره تکرار تجربیات تلخ گذشته را دارند، امری عادی‌است. اما باید دید که اعضای شورای عالی سیاستگذاری که حالا همه چارچوب‌ها، اصول و راهبرد جریان اصلاحات به آنها سپرده شده، برای جلوگیری از تکرار آن تجربیات چه در چنته دارند. باید در نظر داشت که اگر انسجام لیستی رای دادن در این جریان رخت بربندد، نتیجه بار دیگر سپردن شورای‌شهر به چنبره اصولگرایان و تمدید مجدد مدیریت اصولگرایی است که احتمال حضور مجدد قالیباف هم در آن کم نیست. بحثی که البته عارف درباره آن در گفت‌وگو با «ایلنا» با تاکید بر اینکه «قصد داریم لیستی ببندیم که اتفاق اسفند ۹۴ بار دیگر رخ دهد. انشاالله اصلاح‌طلبان همانند دوره قبل با یک لیست به میدان خواهند آمد.» گفت: «ما طبق میثاق‌نامه از افراد تضمین می‌گیریم که بعد از اینکه در لیست قرار گرفتند حق ندارند برای تصاحب هیچ سمتی اعم از حضور در کابینه، مجلس یا هرجای دیگر انصراف دهند. ضمانت اجرای ما اخلاقی است. با آنها صحبت می‌کنیم که انسجام شورا حفظ شود.» البته عارف توضیح بیشتری در این باره نداده که آیا زمانی که پای بازی‌های سیاسی در میان می‌آید او و دیگر اعضای شورای عالی می‌توانند به بدنه اصلاحات تضمین دهند که افراد در برابر قدرت و رانت استقامت خواهند کرد، یا بار دیگر و در انتخابات دیگری فردی پیدا می‌شود که به میثاق‌نامه‌ها و تعهدات اخلاقی جلوی چشم همه پشت پا می‌زند. اگرچه این اتفاق ابتدا تخریب خود آن افراد را به دنبال دارد اما عقب‌ماندگی از برنامه و ضربه به اعتماد بدنه این جریان را هم در پی خواهد داشت. نباید فراموش کرد که به‌وجود آمدن اینگونه موارد به مرور زمان موجب خواهد شد که بدنه مطمئن به اصلاحات گمان سوءاستفاده از خود را متصور شود و پایگاهی را که مخالفان و تندروها نتوانستند از این جریان بربایند، خود با دست خود از دست بدهد.

رهبری به من گفتند اصلاح‌طلبان فرزندان من هستند

گفت‌وگوی سعید لیلاز و محمد قوچانی با دکتر اسحاق جهانگیری

کار دولت نخوابیده؛ معاون اول فقط ساعاتی که برای ضبط برنامه‌های انتخاباتی به صداوسیما می‌رود، از کار فراغت دارد که آن هم با ساعاتی زودتر رفتن به نهاد ریاست‌جمهوری جبران می‌شود. حتی پوستری که حزب کارگزاران سازندگی برایش آماده کرده با عنوان «اتفاق» و عکس او و حسن روحانی را بالای شعری از «آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت» منتشر کرده، ندیده است. ستاد ندارد و آمده در کنار رئیس‌جمهور از کارنامه دولت دفاع کند. این کاندیدای پوششی، مکمل، ضربه‌گیر یا کمکی می‌گوید نماینده اصلاح‌طلبان است و آمده تا بگوید «چه کردند با این جریان ریشه دار. دولت‌های نهم و دهم (دولت‌های احمدی‌نژاد) با کشور و سرمایه‌های انسانی چه کردند؟ با آقای هاشمی‌رفسنجانی و ناطق نوری چه کردند؟» فرزند کارگر معدنی که امروز معاون رئیس‌جمهور ایران است؛ رودرروی دوربین صداوسیمای جمهوری اسلامی نشست و خاطره‌ای از دوران استانداری اصفهان نقل کرد؛ از سفر آیت‌الله منتظری به نجف‌آباد که با گفت‌وگو با ایشان بدون هیچ مشکلی برگزار شد و استاندار دیروز و معاون اول امروز را به این نتیجه رساند که «همه مسائل کشور را می‌توان اینگونه حل کرد. در حالی که خودمان مسائل را به بحران تبدیل می‌کنیم و بعد می‌گوییم که حل‌شدنی نیست.» او برای دیگر مسائل کشور هم با همین نسخه پیش می‌رود؛ پیشنهادش اینست که الگوی برجام برای رفع گره‌های سیاست داخلی ایران هم کاربرد دارد. نشریه «سازندگی» در میانه مناظره دوم و سوم سراغ این چهره شاخص حزب کارگزاران سازندگی رفت تا از او درباره کاندیداتوری‌اش در انتخابات، هجمه‌ها به دولت و نقدهایی که به کابینه روحانی می‌شود، بپرسد. سعید لیلاز و محمد قوچانی اعضای شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی با دیگر عضو این حزب گفت‌وگو کردند. اسحاق جهانگیری با شناسنامه اصلاح‌طلبی و کارگزارانی‌اش به عرصه آمده و در این مصاحبه برای اولین بار بخشی از گفت‌وگوهایش با رهبر معظم انقلاب را بیان کرده است.

سعید لیلاز: اگر اجازه دهید با یک پرسش عمومی که در میان مردم، به ویژه در بین رقبای دولت و شخص جناب آقای جهانگیری مطرح می‌شود، آغاز کنم. حضرتعالی، همان‌گونه که در رقابت‌ها هم فرمودید ۳۶-۳۵ سال است که در راس کار هستید، پست‌های بسیار سطح بالایی در دو دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی و دولت آقای خاتمی داشتید، در دولت آقای روحانی هم به بالاترین پست ممکن رسیدید. همه این دولت‌ها متهم هستند به اینکه به طبقات محروم جامعه و به ویژه قشری که فراموش‌شدگان یا به حاشیه‌راندگان خوانده می‌شوند، رسیدگی نکرده‌اند. بسیاری هنوز هم معتقدند، پیروزی آقای احمدی‌نژاد محصول این خطای استراتژیک دولت‌های ۱۶ سال ماقبل ایشان بود. در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دوازدهم نیز به خوبی و به کمال به این پرسش پاسخ داده نشده که واقعا رویکرد دولت‌های اصلاح‌طلب در برابر شکاف‌های طبقاتی و حل مسائل معیشتی مردم چه بوده است. آیا با تکیه بر چهار سال گذشته ما واقعا می‌توانیم در برابر این هجمه‌ها، از دستاوردهایمان دفاع کنیم؟

من فکر می‌کنم وجه مشترک دولت‌هایی که شما نام بردید، این است که هر سه دنبال یک ایران پیشرفته بودند؛ یعنی برای ایرانی توسعه‌یافته تلاش می‌کردند. در دوره آقای هاشمی به دلیل اینکه زیربناها در اثر جنگ تخریب شده بود، به هر حال اولویت‌هایی که تعریف می‌شد عمدتا بر پایه بازسازی زیربناها بود؛ چون کشوری که می‌خواهد به سمت توسعه پیش رود نخستین کارش این است که دست‌کم زیربناهای توسعه را از نظر فیزیکی به صورت کامل فراهم کند، به همین دلیل در آن دوره سدسازی، بنادرسازی، اتوبان‌سازی، راه‌آهن‌سازی و ساخت کارخانه‌های بزرگ فولاد و پتروشیمی و... آغاز و پیشانی اصلی کار شد. خود آقای هاشمی هم نشان داد که توجه ویژه‌ای به این بخش دارد؛ یعنی به مدیرانی که کارهای بزرگ می‌کردند توجه داشت؛ ولی خوب در همان زمان جنگ‌زده‌ها نیز باید به مراکز سکونتی خودشان بازگشت داده می‌شدند؛ بنابراین مناطق جنگ‌زده در حال بازسازی بود. همچنین روستاها و مناطق محرومی که بعد از انقلاب فرصتی برای کار جدی در آن‌ها پیدا نشده بود مورد توجه قرار گرفت. اصلا «دفتر مناطق محروم» توسط آقای هاشمی به همین منظور ایجاد شد. ایشان کوشید نقش پررنگ‌تری نیز به جهاد سازندگی بدهد؛ بنابراین در دوره آقای هاشمی اقدامات جدی در این زمینه انجام شد؛ یعنی ایشان در عین حال که توجه ویژه‌ای به کارهای بزرگ داشت؛ رسیدگی به مناطق محروم را به هیچ عنوان از دستور کار خود کنار نگذاشت.

انتقادی که می‌فرمایید در این زمینه به دولت آقای هاشمی وارد می‌کنند بیشتر به این دلیل بود که در این دولت کارها و مدیران بزرگ، جلوه بسیاری داشتند؛ چراکه دولت به این جمع‌بندی رسیده بود که مدیرانی را که کارهای بزرگ می‌کنند، پررنگ و حمایت خود را از آنها نشان دهد. از طرفی دولت می‌خواست با دنیا کار و جذب سرمایه هم بکند؛ بنابراین مجبور بود که نوعی تعامل را نیز با دنیا تعریف کند. آنهایی که توان درک این تعامل را نداشتند، از مجموعه این اقدامات این پیام را دریافت کردند که دولت فقط می‌خواهد با کسانی که از وضع بهتری برخوردار هستند کار کنند.

دولت آقای خاتمی، در واقع از ابتدا بیشترین تمرکز را بر توسعه سیاسی و مسائل آزادی‌ها و ... گذاشت؛ اموری که شاید مقداری در دوره آقای هاشمی به آن کم‌توجهی شده بود؛ یعنی ما در دوره آقای هاشمی، محوریتمان مقداری بر توسعه سیاسی، آزادی‌ها و مسائل فرهنگی کم‌رنگ‌تر شده بود؛ بنابراین آقای خاتمی ابتدا به این بخش پرداخت؛ ولی در دولت دوم یعنی تقریبا از سال آخر دولت اول برنامه سوم نوشته شد (برنامه‌ای که توسط دولت آقای خاتمی نوشته و به طور کامل اجرا شد) که به تعبیر همه دوستان تقریبا موفق‌ترین برنامه توسعه قبل و بعد از انقلاب از نظر شاخص و عملکرد است. در این دوره علاوه بر اینکه همه شاخص‌ها از جمله شاخص توسعه صنعتی، رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، تورم، اصلاح ساختارهایی که به نفع به صحنه آمدن بخش خصوصی انجام گرفت (مثل نرخ ارز، ایجاد سازمان خصوصی‌سازی) مثبت بود؛ ولی از سوی دیگر به طور جدی به مناطق محروم و ضعیف جامعه نیز توجه شد؛ اصلا وزارت رفاه در این دوره شکل گرفت و انگیزه ایجاد آن ساماندهی کامل وضعیت محرومان جامعه بود. آئین‌نامه سهام عدالت نیز در اواخر دولت آقای خاتمی تصویب شد.

به اسم سهام عدالت؟

نه «سهام‌دار شدن مردم در کارخانجات». هدف از تصویب این آئین‌نامه سهام‌دار کردن اقشار ضعیف جامعه در کارخانه‌های کشور بود. آقای احمدی‌نژاد که آمد، مجوزی از رهبری گرفت و این طرح را به سهام عدالت تبدیل و آن را به بدترین وجه ممکن اجرا کرد. پس می‌بینیم که در دولت آقای خاتمی نیز در عین حال که توسعه از ابتدا با هدف سیاسی – فرهنگی اجرا شد در نهایت به این نتیجه رسید که بخش اقتصادی باید پررنگ باشد، نمودش هم برنامه سوم است که در آن تقریبا به همه بخش‌ها پرداخته شد.

دولت آقای دکتر روحانی در شرایطی ویژه شکل گرفت؛ یعنی اولا آقای دکتر روحانی هیچ وقت به عنوان کاندیدای اصلاح‌طلب به صحنه نیامد، بلکه از ابتدا خود را به عنوان شخصیتی مستقل که فراجناحی فکر می‌کند و با همه جناح‌ها (از جمله آقای هاشمی و آقای خاتمی) کار کرده، معرفی کرد. ایشان چهره‌ای مقبول بود که جریانات سیاسی همواره در بالاترین سطح ممکن از نظراتش بهره می‌بردند. در مقطعی که آقای دکتر روحانی آمد، گرفتاری‌های کشور خیلی زیاد بود الان از آن گرفتاری‌ها عبور شده است: در فضای بین‌المللی موضوع هسته‌ای ما را به یک نقطه حساسی رسانده بود به طوری که همواره گفته می‌شد همه گزینه‌ها روی میز است؛ یعنی هر اتفاقی ممکن بود بیفتد، منطقه بعد از بحث بیداری اسلامی ملتهب شده بود و تقریبا همه کشورهای اسلامی اطراف ما دچار تنش بودند، آمریکایی‌ها دو جنگ مهم در افغانستان و عراق کرده بودند و به هر حال در فضای بین‌المللی شرایط ویژه‌ای برقرار بود، تحریم‌های بسیار جدی هم علیه ایران وضع شده بود. تحریم‌ها و سوءمدیریت، کشور را از جهات مختلف به نقطه بسیار خطرناکی رسانده بود. در سیاست داخلی بعد از جریان ۸۸ نیروهای اصلی رو در روی هم قرار گرفته بودند و اصلا امکان گفت‌وگو و نشست بین آنها وجود نداشت و دچار یک واگرایی جدی شده بودیم. در مسائل فرهنگی نیز تقریبا در میان اهالی فرهنگ و هنر، نوعی انزواگری در پیش گرفته شده بود و نشاطی به آن معنا وجود نداشت.

اقتصاد به شرایط بسیار دشواری رسیده بود؛ فروش نفت به شدت کاهش پیدا کرده بود، صادرات کالاهای دیگر متوقف شده و بعضا، تحریم‌ها به نقطه‌ای رسیده بود که جابه‌جایی پول اندک نفتی هم که می‌فروختیم، با هزینه‌های بسیار بالا و تقریبا می‌شود گفت غیرممکن بود. در همان اوایل شروع دولت یکی از دغدغه‌هایمان این بود که دارو را چگونه به سرعت تامین کنیم که داروهای ضروری و حیاتی در اختیار مردم قرار بگیرد. گندم را چگونه به سرعت بتوانیم وارد کنیم که نیاز مردم دچار مشکل نشود. تقریبا ما در تامین همه کالاهایی که جزو مواد غذایی تلقی می‌شد مشکل داشتیم. در تحریم‌ها معمولا در مورد واردات مواد غذایی سختگیری نمی‌کردند؛ ولی ما امکان نقل و انتقال پول نداشتیم که بتوانیم خریدبکنیم.

در مقطعی، در همان ماه‌های اول، من گزارش‌هایش را دارم، شاید شصت هفتاد کشتی کالا در عمان و خلیج‌فارس مانده و حاضر نبودند کنار بندر کالایشان را تخلیه کنند، می‌گفتند اول به ما پول بدهید تا کالا را تخلیه کنیم. انتقال پول یکی از دشوارترین امور بود. خب آقای دکتر روحانی در چنین مقطعی بر سر کار آمدند و مهم‌ترین مسئله‌شان این بود که پیش از هر جهت‌گیری باید مسائل اصلی از جمله مسئله هسته‌ای را حل کنیم، باید ثبات به اقتصاد کشور برگردد و بعد مسائل بعدی را حل کنیم.

این شرایط پیچیده نیازمند این بود که مدیران باتجربه‌تری بر سر کار بیایند. من همان موقع هم چند بار گفتم که ما دیگر فرصت آزمون و خطا نداریم و باید در هر جلسه‌ای چند تصمیم مطمئن بگیریم و بیرون بیاییم، وزیر فرصت دوران کارآموزی ندارد، باید از فردایی که به وزارتخانه می‌رود، شروع به تصمیم‌گیری کند. نتیجه این شد که بالاخره بخشی از مسائل را حل کردیم؛ ولی به دلیل اینکه وزرای باتجربه و قوی در واقع چکیده مدیریت ۳۶-۳۵ ساله کشور بر سر کار بودند، علی‌رغم محدودیت منابع، توجه زیادی نیز به مناطق محروم خصوصا اقشار نیازمند و روستاها شد.

آقای دکتر! برای فقرا و محرومین محسوس است؟

ببینید یک اتفاقی در سال ۹۰ و ۹۱ افتاد و آن این بود که به دلیل تورم‌های بالا و به دلیل تغییر نرخ ارز، سفره مردم به شدت کوچک شد. محاسبه‌ای آقای دکتر نیلی و... انجام داده بودند که نشان می‌داد طی این مدت قدرت خرید طبقات شهری ۲۵ درصد و روستایی ۳۵ درصد کاهش یافته است؛ یعنی مثلا اگر تورم ۳۵ یا ۳۶ درصد بود ممکن بود همین مقدار یا حتی کمتر در زندگی طبقه متوسط اثر بگذارد؛ ولی طبقه ضعیف که سهم کالاهای خوراکی در زندگی‌اش، سهم اصلی است، عمده‌ترین منابعش را خرج کالاهای خوراکی می‌کرد و تورم در آن ۵۷ درصد بود؛ یعنی شرایط بسیار سختی بود. سفره مردم کوچک شده است، مثلا اگر سفره‌ای ۳۵ درصد کوچک شده، شما هرچه هم تلاش کرده باشید ۱۰ درصد آن را جبران کرده‌اید. به همین دلیل مردم هنوز حتی احساس نمی‌کنند به سال ۸۵ یعنی زمانی که این تورم نبوده رسیده‌اند.

محمد قوچانی: ایرادی که در اینجا به دولت گرفته می‌شود در بعد رسانه‌ای است. می‌شود می‌گفت این دولت حتی نمی‌تواند از خودش دفاع کند. و حس صیانت از نفس ندارد. چرا دولت نمی‌تواند بدون لکنت زبان از اقدامات خود دفاع کند؟ چرا گذاشتید برای سال چهارم؟

دو مشکل وجود دارد: مشکل اصلی این است که دولت زبان گویایی برای طرح مسائل خود ندارد. من این ضعف را قبول دارم. مکرر هم گفته شده است. آقای دکتر روحانی، ماه رمضان سال گذشته سی شب به گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی افطار داده بود، یک روز به من می‌گفت: «تمام گروه‌های این سی شب از وضع رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی دولت گلایه داشتند.»

چرا در حالی که این انتقاد در این سطح بالا مطرح می‌شد ولی حل نمی‌شد؟

من البته به اسناد دولت مراجعه کردم و دیدم در دوره آقای خاتمی هم این گلایه به دولت مطرح می‌شده که ما وضع اطلاع‌رسانی‌مان خوب نیست؛ اما تفاوتش این است که در دوره آقای خاتمی، دولت در بیرون یک عقبه داشت و آن عقبه احساس می‌کرد که باید از دولت دفاع کند. دولت آقای دکتر روحانی به آن معنا عقبه‌ای ندارد که خود را متعهد به دفاع از دولت بداند... هم اصلاح‌طلبان هم اعتدالیون و هم چهره‌های اصوالگرای معتدل، همه می‌گویند این دولت را قبول داریم، کارهای خوبی می‌کند؛ ولی هیچ کدام برای اینکه پای آن بایستند و برایش کار انجام دهند، احساس مسئولیت نمی‌کردند؛ ولی در عین حال هم هر کمکی از آن‌ها خواستیم انصافا دریغ نکردند. به هر حال این اشکال وجود داشت و اگر ما بخواهیم الان یکی از اشکالات دولت را هم قبول بکنیم حتما وضع ضعف اطلاع‌رسانی‌مان بوده است. در نقطه مقابل برخی از دستگاه‌های حاکمیتی که این دولت را از ابتدای روی کار آمدن قبول نداشتند، از امکانات بسیار قوی رسانه‌ای و تبلیغاتی برخوردار بودند.

با پول خود مردم.

با پول خود دولت، با پول مردم؛ مخالفان آقای دکتر روحانی در نهادهایی بودند که ابزار تبلیغاتی داشت، آنها از تمام امکانات برخوردار بودند. بارها در جلسات صداوسیما بین آقای دکتر روحانی، وزرا و رئیس صداوسیما، بگومگوهای تندی در مورد اینکه مثلا صداوسیما علیه دولت کار می‌کند درگرفت یا گفته می‌شد برخی رسانه‌های قدرتمند که متعلق به برخی نهادها بودند، ماموریتشان فقط تخریب دولت است.

محمد قوچانی: آقای دکتر! حضور و درخشش شما در مناظره‌ها نکته‌ای را در درون خود اصلاح‌طلبان هم طرح کرد؛ اصلاح‌طلبان همان‌گونه که اشاره کردید در دولت آقای خاتمی که دولتی اصلاح‌طلب‌تر بود به بحث‌های سیاسی و فرهنگی بیشتر از اقتصاد اهمیت می‌دادند و حتی از تقدم توسعه سیاسی به توسعه اقتصادی صحبت می‌کردند. وقتی شما می‌آیید، سخنگوی این جریان می‌شوید و محکم دفاع می‌کنید، انگار آمیزه‌ای از بین دولت آقای هاشمی که توسعه اقتصادی برایش اهمیت داشت و دولت آقای خاتمی که توسعه سیاسی و فرهنگی برایش مهم بود، پدید آمده است. آیا شما آگاهانه در این پوزیشن قرار گرفتید؟ جناح راست می‌گوید: شما عدالت را قربانی توسعه می‌کنید، جریان اصلاح‌طلب تندتر یا رادیکال‌تر می‌گوید دموکراسی را قربانی توسعه می‌کنید. می‌خواهم یک مقدار از موضع نظری بفرمایید که آیا از رابطه این دو سه موضوع به یک جمع‌بندی رسیده‌اید؟

من واقعا فکر می‌کنم هرکدام از ابعاد توسعه تضعیف شود، توسعه پیش نمی‌رود؛ یعنی به همان میزانی که توسعه اقتصادی نیازمند حمایت توسعه فرهنگی است، نیازمند حمایت توسعه سیاسی است و اگر هر کدام از آن‌ها همپای هم پیش نروند، توسعه متوقف می‌شود. بله ممکن است در مقطعی مثل مقطع فعلی، مسائل اقتصادی و معیشت مردم این‌قدر پررنگ شده و این‌قدر برای مردم اهمیت پیدا کرده باشد که اگر ببینند وقت مدیری روی مسائل مربوط به توسعه سیاسی گذاشته شده، احساس می‌کنند که او اصلا با مردم ارتباطی ندارد و نمی‌داند به مردم چه می‌گذرد، به این دلیل ممکن است توسعه اقتصادی مقداری پررنگ‌تر جلوه کند. ما به هیچ وجه نمی‌توانیم تنها به یکی از این ابعاد توسعه توجه کنیم و فکر کنیم با پیشبرد آن توسعه اتفاق می‌افتد. یکی از دلایل شرایط سخت ما نیز همین است؛ ما تمرکز اصلی‌مان را بر سیاست خارجی، ثبات اقتصادی و حل مسائل و گره‌های اقتصادی گذاشتیم و الان تازه باید زحمت بکشیم که بخش سیاسی فعال شود.

سعید لیلاز: یعنی پروستوریکا بدون گلاسنوست‌نمی‌شود...

بله واقعا باید با هم باشد؛ لذا حداقل ما در دولت یازدهم در توسعه بخش سیاست داخلی و فرهنگی مقداری ضعیف‌تر عمل کردیم، مقداری اشکالاتمان هم در این حوزه‌ها آشکارتر است.

بخش عدالت اجتماعی چه؟

به نظرم ما در دولت زحمت زیادی برای عدالت اجتماعی کشیدیم. ما در مقطعی این کار را کردیم که پول نداشتیم؛ نفت از ۱۱۰-۱۲۰ دلار به ۵۰ دلار کاهش یافت. اینکه می‌گویند برجام، خب برجام یک سال است منعقد شده ما تا یک سال پیش که همان یک میلیون بشکه نفت را صادر می‌کردیم؛ همین مقدار هم به جای بشکه‌ای ۱۰۰ دلار به ۳۵ دلار کاهش یافت.

محمد قوچانی: پس چرا رقبای شما در موقعیتی قرار گرفتند که جنگ فقیر و غنی راه بیندازند.

در این دوران گاهی اوقات من حداقل در مورد خودم می‌دیدم که انگار یک اتاق فکری در جایی نشسته و خبر جعل می‌کند، بعد خبر جعل‌شده را بزرگ و تکرار می‌کند و خودشان هم باور می‌کنند. در این یک‌سال‌ونیم اخیر مکرر این خبر جعل می‌شد که بین من و آقای روحانی اختلافات بالا گرفته در حالی که در این سه سال و نیم، حتی یک بار بین من و آقای روحانی اختلافی پیش نیامد، حتی در موضوع کاری هم اختلافی مطرح نشد که مثلا ما با هم یک‌ودو کنیم.

راجع به همین توسعه، ببینید به هر حال در بهترین دوران این کشور وضع استان سیستان و بلوچستان روشن است. بالاخره در این دوره درباره مسائل آن تصمیم گرفته شد، فقط با یک ابتکار از نظر مالی. همه می‌گفتند مقرون به صرفه نیست؛ ولی ما گاز را به سیستان و بلوچستان رساندیم، زاهدان و زابل. همه می‌گفتند که اگر فکری نکنید مردم به خاطر این ریزگردها و شن‌ها حتما از آنجا خارج می‌شوند و این به یک دغدغه امنیتی تبدیل شده بود. ما تدبیری کردیم، ۵۰۰ میلیون دلار به آن منطقه بردیم و کاری در زابل کردیم که هر اتفاقی بیفتد به هر حال مردم زابل پای کشاورزی و تولیدشان بمانند. آب هیرمند را باز کردیم. به بهانه بستن مرز بتون گذاشته بودند که دیگر آبی هم به سمت هامون نمی‌آمد بعد گفتند هامون خشک شده است، برخی از اینها را برداشتیم و آب سیلاب‌ها به هامون آمد، الان هامون در وضعیت بسیار خوبی قرار گرفته است. در مورد غرب کشور نیز کل استان‌های غربی کشور، جزو استان‌های محروم تلقی می‌شدند ما در طول همین سه چهار سال، ۸ میلیارد دلار به آن مناطق بردیم و اصلا غرب کشور تبدیل به یک کارگاه شد. یا طرح تحول سلامت در بدترین دوران پولی دولت اجرا شد. دولت وقتی دید طبقات ضعیف هم رنج بیماری دارند و هم پول درمان ندارند، این طرح را اجرا کرد. پیش از آن حتی در بیمارستان‌های دولتی اتفاق‌های عجیبی می‌افتاد.

سعید لیلاز: نکته‌ای که من اطلاع دارم در دولت یازدهم اتفاق افتاده این است که در چهار سال گذشته تقریبا ۵ میلیون نفر با دقت تمام از لیست یارانه‌بگیرها حذف شدند و در همین مدت دولت روی حاشیه‌نشین‌ها متمرکز شده و ۱۱ میلیون نفر از حاشیه‌نشین‌ها ارتقا پیدا کردند. این اصلا روح طرح هدفمندی یارانه‌ها بود؛ ولی ما هرگز حتی این را هم به مردم نگفتیم. یکی از اتهاماتی که به دولت می‌زنند این است که دولت نمی‌خواهد ثروتمندان را حذف کند و به اجبار این کار را انجام می‌دهد.

واقعا اتهام است. ما اولا در یک مرحله، از مردمی که توانایی دارند خواهش کردیم که خودشان انصراف دهند، خب تعداد کمی در آن مرحله انصراف دادند. بعد علی‌رغم ضعف سیستم اطلاعاتی و آماری کشور، بدون اینکه کاری بر خلاف روال امنیت اقتصادی کشور انجام دهیم، ده‌ها بانک اطلاعاتی درست کردیم و اطلاعاتی را در مورد از افرادی که درآمد بالایی داشتند کسب کردیم، مثلا اینکه یک نفر چند بار در طول سال به خارج سفر می‌کند یا مثلا اطلاعاتی را از نیروی انتظامی، اطلاعاتی از وضع منزل، ماشین و به طور کل اموری که خیلی جزء اطلاعات محرمانه نبود، به دست آوردیم. بعد تیمی را مامور کردیم که اگر از میان افرادی که یارانه‌شان حذف می‌شود کسی اعتراض کرد با او صحبت کنند و اگر قانع نمی‌شد یارانه‌اش را دوباره وصل می‌کردیم؛ یعنی نمی‌خواستیم بر سر اینکه کسی اصرار دارد یارانه بگیرد بحث کنیم؛ حتی اگر اطلاعاتمان نشان می‌داد که فردی نیازمند نیست. واقعیت این است که پنج شش میلیون نفر جوانمردانه خودشان از این حق گذشتند و نتیجه این شد که ما برای ضعیف‌ترین طبقات جامعه بسته‌های امنیت غذایی تهیه کردیم.

این بسته‌ها تاکنون چند بار توزیع شده؟

فکر می‌کنم ۹ بار. ما ۹ بار بسته‌های غذای حداقلی برای گروه‌های آسیب‌پذیر و نیازمند تهیه و در طول هر سال دو یا سه بار اعلام کردیم که این سبدهای غذایی در اختیارشان قرار بگیرد.

محمد قوچانی: من فکر می‌کنم بحث کهنسالی دولت هم یکی از مواردی بوده که در تبلیغات انتخاباتی مورد سوءاستفاده رقیب قرار گرفته است. این استدلال را می‌فهمم که دولت برای خارج کردن ماشین کشور از دره به رانندگان مجرب نیاز داشته است؛ ولی آیا اصلا در دولت چنین افقی دیده می‌شود که در صورت تداوم، از نسل‌ها و نیروهای جوان‌تر استفاده کند؟ نکته دوم در مورد حواشی است که در مورد برخی اشخاص و افراد در دولت وجود دارد، ضمن اینکه ناجوانمردی‌های رسانه‌ای سر جای خودش است، به نظر می‌رسد دولت برخی اوقات برای خودش حاشیه‌های زیادی درست کرده است. به نظر می‌رسد مدیریت دولت تمرکز زیادی روی رفتار برخی از نیروهایش ندارد.

یکی از دلایلی که وزرای مجرب‌تر انتخاب شدند، شرایط کشور بود؛ یعنی شرایط کشور

در این دوران گاهی اوقات من حداقل در مورد خودم می‌دیدم که انگار یک اتاق فکری در جایی نشسته و خبر جعل می‌کند، بعد خبر جعل‌شده را بزرگ و تکرار می‌کند و خودشان هم باور می‌کنند. در این یک‌سال‌ونیم اخیر مکرر این خبر جعل می‌شد که بین من و آقای روحانی اختلافات بالا گرفته در حالی که در این سه سال و نیم، حتی یک بار بین من و آقای روحانی اختلافی پیش نیامد، حتی در موضوع کاری هم اختلافی مطرح نشد که مثلا ما با هم یک‌ودو کنیم.

به گونه‌ای بود که ما فرصت نداشتیم چند ماه یا بیشتر برای کارآموزی مدیران وقت صرف کنیم و بعد آنها به مرحله تصمیم‌گیری برسند. فرصت‌ها از دست کشور می‌رفت و این اصلا برای مردم قابل تحمل نبود. ما برای این شرایط خاص نیازمند مدیران مجرب بودیم؛ ولی حتما در کشوری که جمعیت جوانش زیاد است، نیازمند این هستیم که جوان‌ترها باید بیایند و هم در مدیریت کلان کشور و هم در مدیریت میانی قرار بگیرند. البته من خودم طرفدار مدیریت پله‌ای هستم و معتقد نیستم که فردی یک دفعه از پایین بیاید و در سطحی بالا قرار بگیرد. افراد باید این پله‌ها را طی کنند، حالا می‌شود دوران پله‌ها کوتاه‌تر شود یا اگر یک فرد استثنایی پیدا شد، در شرایطی می‌تواند به جای پله پله، یک در میان سطوح را طی کند؛ اما بالاخره باید سطوح مدیریتی را طی کند.

با آقای دکتر روحانی نیز مکرر در این زمینه صحبت کردیم، حتی قرار بود که ترمیمی هم در کابینه انجام بگیرد؛ اما این کار در مجلس قبلی اصلا امکان‌پذیر نبود. ما در مجلس قبلی در برخی از وزارتخانه‌هایمان چهار وزیر معرفی کردیم یا برخی از وزرای توانایی مثل آقای دکتر فرجی دانا یا آقای دکتر نجفی، نخستین انتخاب‌های آقای دکتر روحانی انتخاب‌های خیلی خوبی بودند. به هر حال با محدودیت‌هایی روبه‌رو بودیم، این محدودیت‌ها هم واقعیت‌هایی بود و نمی‌شد هر روز بیاییم و از آنها سخن بگوییم. یکی از وظایف رئیس‌جمهور این است که با تدبیر از محدودیت‌ها عبور کند، اینکه بیاید به مردم بگوید نمی‌گذارند و ... نقش رئیس‌جمهور نیست. در چشم‌اندازی که نسبت به آینده وجود دارد این وضعیت حتما باید تغییر کند، کابینه حتما باید جوان‌تر باشد و تردیدی در این نیست. مدیران جوان باید بیایند. من در همین دوره مصوبه‌ای را در شورای‌عالی پیگیری کردم که بر مبنای آن تعداد زیادی از جوانان به عنوان دستیاران ویژه وزرا، استانداران و معاونان وزرا و حتی در رده‌های میانی به عنوان دستیار ویژه قرار بگیرند و بتوانند برای دوره‌های بعد تجربه کسب کنند.

راجع به حواشی نیز آقای دکتر روحانی دو کار انجام دادند: یکی اینکه اول از وزرایشان یک تعهد اخلاقی گرفتند و حتی آنها امضا کردند که در دوره‌ای که مسئولیت دارند هیچ‌گونه کار اقتصادی انجام ندهند. به هر حال آنها ۸ سال از صحنه سیاسی دور بودند و بعضا پی کارهای اقتصادی رفته بودند، نمی‌شد به آن‌ها بگوییم کارهایتان را واگذار کنید.

این تعهد مکتوب شد؟

بله در جلسه اول اینها ایستادند و همه با هم آن را خواندند، سوگند خوردند و امضا کردند.

وفادار هم بودند؟

برداشت من این است که واقعا وفادار بودند. اگر هم واقعا موردی خلاف آن اتفاق افتاده تخلف شده و باید رسیدگی شود. دوم اینکه این مدیران سطوح بالای کشور همه‌شان مکلف بودند که در ابتدای شروع مسئولیت، لیست اموالشان را به قوه قضائیه بدهند در پایان دوره هم مکلف هستند لیست اموال خود و فرزندانشان را به رئیس قوه قضائیه بدهند. یک بار معاون اول قوه قضائیه گفت برخی از اعضای دولت لیست ندادند. من تلفنی سوال کردم که چه کسی لیست نداده که شما در فضای رسانه‌ای این‌طور می‌گویید؟ ایشان از دو نفر از وزرا نام برد من آن دو نفر را خواستم و تک‌تک پرسیدم که چرا لیست را ارائه نداده‌اند. گفتند دادیم فقط یکی از آنها گفت از ما کپی سندی خواستند که تا تهیه کردیم مقداری طول کشید – شماره حسابی مربوط به یکی از فرزندانشان بوده مثلا نداشتند و بعدا ارائه داده‌اند – اخیرا هم دیدم اعلام کردند که همه اعضای دولت لیست اموالشان را به قوه قضائیه داده‌اند.

اگر اعضای دولت کاری کرده باشند که اموالشان به صورت غیرطبیعی افزایش پیدا کرده باشد، رئیس قوه قضائیه طبق قانون اساسی مکلف به رسیدگی و برخورد است. قانون اساسی در این زمینه به صراحت اظهار نظر کرده است. من فکر می‌کنم بخشی از اینها حواشی است، البته ممکن است جایی هم دوستان ما بی‌جهت بهانه‌ای به دست داده باشند، من نمی‌خواهم بگویم هیچ ضعفی نبوده است. ما باید اشکالات را بپذیریم و حتما ان‌شاءالله اصلاح کنیم.

سعید لیلاز: انتقادی که به خصوص در دو سه ماه اخیر علیه دولت مطرح می‌شود این است که تحرک دولت بعد از عید نوروز خیلی زیاد شده است هم آقای روحانی سفرهای بسیار زیادی دارند و هم مثلا طرح‌هایی چون افزایش مستمری مستمری‌بگیران سازمان بهزیستی و کمیته امداد از اول امسال اجرا شده که گفته می‌شود شائبه تبلیغات انتخاباتی دارد. آیا برای این اتهام پاسخی دارید؟

واقعا هیچ کدام از این افزایش‌ها به خاطر انتخابات نبوده است، بلکه تماما تکالیف قانونی بوده که بعضا در سال ۹۴ یا ۹۵ در لایحه پیشنهادی برنامه دولت (در برنامه ششم) وجود داشته است؛ چون برنامه پنجم تا پایان سال ۹۵ اجرا شده است. برنامه سال ۹۶ از سال ۹۴ به مجلس رفته و ممکن است مثلا یک جایی از آن هم در لایحه نبوده اما در گفت‌وگویی که در هنگام رسیدگی بین مجلس و دولت، شکل گرفته به تصویب رسیده است. شورای نگهبان اصلا طرحی که بار مالی داشته باشد را به رسمیت نمی‌شناسد؛ لذا در یک نقطه‌ای تفاهم کردند. این‌ها مواردی بوده که در برنامه ششم دیده شده است. به هر حال ما به همان دلیلی که گفتیم باید برای طبقات نیازمند فکری می‌کردیم، این افزایش‌ها بر اساس همان برنامه قبلی‌مان انجام گرفته است.

راجع به سفرهای آقای رئیس‌جمهور هم اولا سفرهای من به استان‌ها قبل از این دو سه ماه اخیر بسیار زیاد بود.

بعضی وقت‌ها در طی یک روز به چند استان تشریف می‌بردید.

بله ما مجموعه‌ای از طرح‌های بزرگ را شروع کردیم یا طرح‌هایی از قبل شروع شده بود و طبیعی است که اینها به بهره‌برداری می‌رسد. انتظار طبیعی مجری طرح این است که توسط رئیس‌جمهور، معاون اول و یا وزیر افتتاح شود. برخی از طرح‌ها واقعا در حدی هستند که باید برای افتتاح آنها رئیس‌جمهور برود. انباشت طرح‌ها الان زیاد است، هنوز هم طرح‌های بسیاری برای افتتاح مانده که ما دیگر گفتیم افتتاح آن را به بعد از انتخابات موکول کنیم.

سعید لیلاز: شاید آقای قوچانی یادشان باشد، من از نیمه سال گذشته به ایشان عرض می‌کردم که شما آثار سیاست‌های اقتصادی دولت یازدهم را از این به بعد اول ماه به ماه و بعد هفته به هفته خواهید دید. فکر می‌کنید برای دولت دوازدهم، مهم‌ترین و فوری‌ترین اولویتتان چه خواهد بود؟ یک بار دوستی فرانسوی من می‌گفت اصلاح‌طلبان معمولا یادشان می‌رود که انتخابات را شعارها می‌برند نه برنامه‌ها و می‌گفت ما در فرانسه بحثمان همیشه این است. الان دولت در نظر دارد چه وعده شدنی – نه مثل آنچه الان رقبای دولت می‌گویند و هیچ محلی از اعتبار ندارد – به رای‌دهندگان به خصوص اقشار فرودست اجتماعی بدهد و بنا هم دارد که ان‌شاءالله از روز ۱۵ مرداد ۱۳۹۶ به دنبال اجرای آن برود؟

ما همچنان فکر می‌کنیم مسائل اقتصادی، مسئله اول کشور است؛ یعنی استنباط من این است که اقتصاد همچنان تا چند سالی مسئله اول کشور خواهد بود و ما بر حل آن تمرکز می‌کنیم. در حل مسائل اقتصادی، مهم‌ترین چالش ما مسئله بیکاری و سپس معیشت مردم است. این دو موضوع دستور اول کار ماست. همین الان هم که صحبت می‌کنیم در دستور کار ما قرار دارد. ما باید کاری کنیم که اقتصاد کشور قادر باشد هشتصد هزار تا یک میلیون شغل ایجاد کند. این خود یک اتفاق مهم است؛ مجموعه طرحی هم در این راستا تهیه کرده‌ایم که در چه زمینه‌هایی چه کارهایی می‌توان کرد.

یعنی می‌فرمایید اینها از ۱۵ مرداد اجرا خواهد شد؟

بله. امسال در راستای نامگذاری‌ای هم که شد، اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال، ما تمرکزمان را روی این مسئله گذاشتیم. من حتی در همین ایام هم به طور مرتب با وزرا جلسه برگزار می‌کنم. همین امروز مهم‌ترین جلسه‌ای که داشتم راجع به اشتغال در سال ۹۶ بود که در آنجا تصمیم‌گیری کردیم که هدف برنامه ششم که ۹۵۰ هزار شغل است را هدف‌گذاری کنیم، طرح‌های مختلفی هم آنجا مطرح و تصویب شد.

محمد قوچانی: پس دولت به خاطر انتخابات تعطیل نیست؟

نه. تنها وقتی که برای انتخابات از من گرفته می‌شود، وقتی است که از اینجا به صداوسیما می‌روم و در آنجا در حدود یک یا نیم ساعت در برنامه‌ای شرکت می‌کنم و مجددا به دفترم برمی‌گردم.

که در واقع آن هم جبران نقص اطلاع‌رسانی دولت است.

واقعا هم همین است. تازه به همان نسبت هم سعی می‌کنم از صبح کمی زودتر بیایم که بتوانم جبران کنم یا شب کمی زیادتر بمانم.

چرا می‌گویند دولت تنبل است، دیر حرکت می‌کند، سفر نمی‌رود؟

واقعا بی‌انصافی می‌کنند. من فکر نمی‌کنم در تاریخ دولت‌های بعد از انقلاب هیچ معاون اولی این‌قدر سفر کرده و برای استان‌ها وقت گذاشته باشد.

در مورد دیگران می‌پرسیم. دولت پیشین مدعی بود که مثلا رئیسش ۱۶ ساعت کار می‌کند.

من اصلا این روش کار کردن را مفید نمی‌دانم، بلکه معتقدم که به هر حال بعد از ساعتی که مغز خسته می‌شود تصمیم‌های دقیق گرفته نمی‌شود. من اصرار دارم که بیشتر از ساعت ۹ شب، مگر در موارد استثنایی، در دفتر نمانم. اصرار دارم که شب حتما در دفتر نخوابم. من در طول این ۴ سال حتی یک شب در دفتر نخوابیده‌ام. حتما فکر می‌کنم برای اینکه آرامش کامل داشته باشم باید به منزل بروم و استراحت کنم و مجددا فردا صبح به دفتر کارم برگردم. می‌گویند برخی از مسئولان پیشین شب در دفتر می‌خوابیدند؛ اما من اصلا فکر نمی‌کنم این کار امتیازی محسوب شود. مهم این است که با این وقت‌گذاری بازدهی چه باشد.

بالاخره شما یک منابعی در اختیار دولت می‌گذارید و می‌گویید شما با این میزان منابع چه بازدهی‌ای برای ملت خواهید داشت. اگر منابعی که در اختیار دولت گذاشتید، نتیجه‌اش این شد که ۵ بازدهی به ملت داد و ۱۰ ساعت کار کرد یا ۱۲ ساعت کار کرد ۲ بازدهی داد، حتما ملت ضرر می‌کند. ملت باید ببیند چه بازدهی از منابعی که در اختیار دولت قرار داده می‌گیرد؛ چون ملت صاحب منابع است. اگر دولتی با زمان کمتر خدماتی بیشتر ارائه داد، این دولت کاراتری است.

محمد قوچانی: آخرین سوال. شما به هویت اصلاح‌طلبی تاکید کردید، خودتان از بنیانگذاران کارگزاران بودید؛ از جهاد سازندگی تا کارگزاران سازندگی! آیا به نظرتان این هویت حزبی در سیاست ایران، در مورد کل فضا، باید پررنگ شود یا نه؟ بسیاری می‌گویند آقای جهانگیری هم برای اینکه رئیس‌جمهور شود می‌خواهد از کارهای حزبی فاصله بگیرد. نکته دوم در حوزه سیاست داخلی جدا از اهمیت مسائل اقتصادی، چون به داستان آقای منتظری اشاره کردید که در یک محدوده محلی انجام شد، فکر می‌کنید به لحاظ کشوری آیا واقعا آنچه در مورد بهبود فضای سیاسی شعار است؟ آیا این دومی به نظر شما در دولت آینده امکان تحقق دارد؟

من با هویت سیاسی خودم آمدم، هویت من قابل پنهان کردن نیست. من نماینده مجلس بوده‌ام، بخشی از مسئولیت‌هایم هم در دوران جنگ و دوران سازندگی بوده است.

سعید لیلاز: رهبری هم هویتتان را تایید کردند.

بله. در آن جلسه آقای علی لاریجانی گفت «آقا ایشان چپ بودند.» ایشان گفت: «آن موقع چپ بودند حالا اصلاح‌طلب‌اند.» من اصلاح‌طلب بوده‌ام، عضو حزب کارگزاران بوده‌ام و همین الان هم عضو حزب هستم ولی جزء مسئولانش نیستم. از مشروطه تاکنون بیش از صد سال می‌گذرد. ما از آن زمان به دنبال استقرار دموکراسی در ایران به معنای واقعی‌اش هستیم؛ اما هنوز نواقصی داریم. یکی از دلایل این نواقص هم این است که نتوانستیم دموکراسی را به گونه‌ای نهادینه کنیم که مانع از آن شود که ناگهان فردی گمنام که هویت روشنی ندارد به قول شما با چهار شعار بیاید و در راس کار قرار بگیرد. وقتی دموکراسی نهادینه شود، افرادی می‌آیند که سابقه‌شان معلوم است و مشخص است از چه طریقی حمایت می‌شوند. الان برخی از کاندیداها واقعا چیزهای عجیب و غریبی می‌گویند.

سعید لیلاز: آقای رئیسی گفته بود من میزان تولید پتروشیمی را از دو به ۱۰ میلیون تن می‌رسانم. آقای زنگنه به من می‌گفت من از آن زمان تا حالا در این فکر هستم که چطور می‌شود میزان تولید پتروشیمی را از ۴۵ میلیون تن به ۱۰ میلیون تن رساند!

حالا این بخش مورد نظر من نبود. این مورد نظر من بود که فرض کنید آقای رئیسی، بالاخره از سوی جریان اصولگرا آمده و جریان اصولگرا او را کاندیدای خود می‌دانند. اصلا مهم نیست این فرد چه سابقه و توان مدیریتی دارد، به هر حال یک جریان شناسنامه‌داری آمده و می‌گوید ایشان کاندیدای ماست و مسئولیتش را هم می‌پذیرد؛ اما در مورد برخی هیچ کس رسما نمی‌گوید ایشان کاندیدای ماست؛ یعنی اصلا کسی مسئولیت کارش را به عهده نمی‌گیرد. اینکه طرف تا آخر می‌گوید من به هیچ حزب یا گروهی وابسته نیستم یا وامدار هیچ گروهی نیستم، خطرناک است.

محمد قوچانی: ولی شما نخستین فردی هستید که می‌گویید من یک هویت حزبی دارم در حالی که حتی آقای خاتمی هم مستقل وارد شد.

بله حالا اصلاح‌طلبان هم که از ما حمایت نکردند ما خودمان گفتیم اصلاح‌طلبیم. من این را قبول دارم که رئیس‌جمهور وقتی انتخاب شد، رئیس‌جمهور همه ملت ایران است و باید هم از همه ملت استفاده کند.

آقای روحانی این را به واقعیت اجرا کردند.

بله الان واقعا دولت ما دولتی است که همه گروه‌ها احساس می‌کنند در آن حضور دارند.

سعید لیلاز: به همین دلیل است که تمام افراد استخوان‌دار جناح راست که اصولگرا خوانده می‌شوند مثل آقای ناطق نوری، علی لاریجانی و آقای باهنر مدافع دولتند.

من در آن گفت‌وگویی که راجع به آیت‌الله منتظری مثال زدم، اولا خواستم نمونه‌ای از مدیریت کشور را مثال بزنم گفتم در کشور دو نمونه مدیریت وجود دارد: یکی کارهای ساده را به بحران تبدیل و کشور را گرفتار می‌کند و بعد با سختی و هزینه بالا آن را حل می‌کند، یک عده هم کارشان این است که آنچه را ممکن است به بحران تبدیل شود، بدون تحمیل هیچ هزینه‌ای بر کشور، ساده حل می‌کنند و حتی دستاوردی هم برای کشور می‌آورند. بعد همین نمونه را مثال زدم که در همین داستان آقای منتظری می‌شد طوری رفتار کرد که اصفهان و نجف‌آباد به هم بریزد، در قم مسئله ایجاد شود و کشور هزینه زیادی پرداخت کند؛ اما ما با یک روش ساده مثلا با یک مذاکره توانستیم این مسئله را به بهترین وجه ممکن حل کنیم. مسائل کشور اکنون به نقطه پیچیده بدی رسیده است. شرایط خاصی هم هست.

محیط بین‌المللی؟

شرایط بین‌الملل، منطقه و مسائل اقتصادی و سیاسی مهم است. به هر حال نسل اول کشور، آقای هاشمی‌رفسنجانی، از بین ما رفت ما اکنون دیگر ایشان را نداریم؛ بنابراین باید برای حل مسائل فکر کنیم؛ مسائلی که اتفاقا همین الان هم باید حل شود. من معتقدم الان وقت حل همه مسائل ایران است و این کار شدنی است. حسن برجام این بود که الگویی را ارائه داد که می‌توان با آن پیچیده‌ترین مسائل کشور را حل کرد.

محمد قوچانی: یعنی می‌شود در سیاست داخلی هم همین کار را کرد؟

بله می‌شود با همین الگو، تیمی کارآمد قرار دهیم که مورد اعتماد و حمایت رهبری باشد و رئیس‌جمهور خود مدیریت کار را به عهده بگیرد، جریانات سیاسی نیز این مسئله را به عنوان مسئله اصلی کشور بپذیرند و به دنبال راهکار باشند و بحث کنند. در همین هفته گذشته من با یکی از بزرگان اصولگرا نشستی طولانی داشتم؛ یعنی ایشان درخواست کرده بود من هم قبول کردم. بعد از مناظره اول گفته بود اگر بشود همدیگر را ببینیم، استنباط من این بود که تاثیر مناظره است بعد دیدم نه. من در آنجا با ایشان هم بحث کردم وقتی یکی دو موضوع پیچیده مطرح شد، گفتم «از نظر من این مسئله باید حل شود» ایشان گفت «نه حل نمی‌شود» من گفتم «می‌شود.» گفت «خوب پس باید این کار را انجام دهیم» گفتم «وقتی شما می‌گویید باید این کار را بکنید معنی‌اش این است که شما هم قبول دارید که باید حل شود. حالا شما برای حل آن دو قدم را مطرح می‌کنید، من راجع به این دو قدم می‌نشینم با شما مذاکره می‌کنم اگر ممکن است یک قدم من جلو بیایم یک قدم شما بیایید و بالاخره به یک نقطه تفاهم می‌رسیم چون هر دو می‌خواهیم که ایران و نظام سربلند و مسائل کشور حل شود.»

من فکر می‌کنم اگر گروهی؛ یعنی رئیس‌جمهور و تیمش مورد اعتماد قرار بگیرند و قدرت چانه‌زنی داشته باشند، رهبری حمایت کند و مردم هم بپذیرند که این گروه خواستار حل مسئله است، سخت‌ترین مسائلی هم که الان دوستان مطرح می‌کنند با این مدل قابل حل است. من در گفت‌وگوهایم با رهبری مخصوصا در گفت‌وگوی آخر راجع به اصلاح‌طلبان و بحث‌هایی که آنجا انجام دادم، اطمینان حاصل کردم که همه مسائل را می‌شود حل کرد. من البته نمی‌توانستم همه مباحث آن جلسه را مطرح کنم تنها در حدی که می‌توانستم منتقل کردم؛ ولی برای شخص خود من الان اطمینان کامل وجود دارد که با حمایت شخص رهبری مسائل قابل حل است. ایشان با صراحت به من گفتند اصلاح‌طلبان فرزندان من هستند من اجازه نمی‌دهم با کسی به عنوان اینکه اصلاح‌طلب است برخورد شود بله ممکن است یک اصلاح‌طلب تخلفی کرده و برای تخلفش با او برخورد می‌کنند این بحث دیگری است، همین‌طور که ممکن است با اصولگرایی که تخلفی کرده برخورد شود؛ لذا این مدلی است که من اعتقاد دارم بر اساس آن می‌شود همه مسائل کشور را حل کرد.

و ان‌شاءالله ۱۴۰۰ می‌آیید؟

حالا تا ۱۴۰۰ خدا عمر بدهد.

من اصلاح‌طلب بوده‌ام، عضو حزب کارگزاران بوده‌ام و همین الان هم عضو حزب هستم ولی جزء مسئولانش نیستم. از مشروطه تاکنون بیش از صد سال می‌گذرد. ما از آن زمان به دنبال استقرار دموکراسی در ایران به معنای واقعی‌اش هستیم؛ اما هنوز نواقصی داریم. یکی از دلایل این نواقص هم این است که نتوانستیم دموکراسی را به گونه‌ای نهادینه کنیم که مانع از آن شود که ناگهان فردی گمنام که هویت روشنی ندارد به قول شما با چهار شعار بیاید و در راس کار قرار بگیرد.

مجلس

شوراها جای متخصصان است

گفت‌وگو با پروانه مافی نماینده مردم تهران و کارگزار سازندگی ایران

خانم مافی با گذشت یک سال از اعلام موجودیت فراکسیون امید در مجلس شورای اسلامی، اکنون می‌توان ارزیابی‌ای از عملکرد آن داشت، شما چه نگاهی به فعالیت یکساله این فراکسیون دارید؟

فراکسیون امید با توجه به اینکه کلیه نمایندگان متعلق به این تفکر را دور هم جمع کرد، ظرفیت مناسب و قابل‌توجهی را در خود جای داد. با توجه به تصمیمات مهمی که گاهی در مجلس نیاز به اجماع مشترک اعضا برای پیروی از آن بود، اقدام‌های لازم اتخاذ و هماهنگی انجام می‌شد و در این راستا فراکسیون امید در بسیاری از زمینه‌ها موفق و موثر ظاهر شد.

به مصادیقی از این تاثیرگذاری اشاره می‌کنید؟

به عنوان نمونه فراکسیون امید در رای‌آوری وزرایی که آقای روحانی به مجلس معرفی کردند، تلاش‌های زیادی داشت و در این راستا موفق ظاهر شده و نقش موثری داشت. در آن ایام پس از برگزاری نشست‌هایی با وزرا و دریافت نقطه‌نظرات در یک تصمیم مشترک هر سه وزیر ارشاد و فرهنگ اسلامی، ورزش و جوانان و آموزش و پرورش رای مورد نیاز را کسب کردند.همچنین در بخش پست‌ها و موقعیت‌هایی که برخی مواقع در شوراهای عالی مطرح است، هر زمان فراکسیون تصمیم نهایی را می‌گرفت، به اعضا ابلاغ و پیروی می‌شد و آن شخصی که فراکسیون مطرح می‌کرد می‌توانست رای مورد نیاز را از مجلس کسب کند. همچنین در موارد خاص که نیاز به موضع‌گیری سیاسی خاص بود، تصمیم جمعی فراکسیون موثر بوده و اثرگذاری خود را در نتیجه آن کار داشته است.

اگر بخواهیم یک بررسی آسیب‌شناسانه داشته باشیم، چه مواردی در فراکسیون امید نیاز به اصلاح دارد؟ نقاط ضعف و قوت آن تا امروز چه بوده است؟

آنچه به اعتقاد من در فراکسیون امید باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، برنامه‌ریزی و بازدهی بیشتر است که این موارد مستلزم آن است که هیأت رئیسه فراکسیون امید نقش‌آفرینی بیشتری داشته باشد. به هر رو در فرایند انتخابات، هیأت رئیسه فراکسیون انتخاب و به آنان این اختیار داده شده که تصمیماتی برای ایجاد تغییر و تحولات اساسی در فراکسیون اتخاذ کنند؛ این امر نیازمند ایجاد کمیته‌های چندگانه‌ای بوده که معتقدم هیأت رئیسه فراکسیون امید باید در فعال نگه داشتن این کمیته‌ها موثرتر ظاهر شود. نگاه ما این است که تصمیمات کارگروه‌ها و کمیته‌ها به صورت طرح در سطح فراکسیون مطرح و از آنجا به مجلس بیاید. در این بخش ما توفیق چندانی نداشتیم. این از وظایف هیأت رئیسه فراکسیون بوده که با فعال کردن کمیته‌ها و کارگروه‌ها فضایی در آنها ایجاد می‌کرد تا برنامه‌ها در مجموعه فراکسیون رای آورد و به صحن مجلس بیاید تا در تغییرات اثرگذار باشند و برای فراکسیون کارنامه قابل توجهی را اخذ کند. در فراکسیون سالانه انتخابات هیأت رئیسه داریم که برای انتخابات سال آینده باید براساس تقویت کمیته‌ها برنامه‌ریزی کرد تا افرادی صاحب اندیشه و برنامه‌ریز به هیأت رئیسه راه یابند و بتوانند فعالیت‌های مربوط به فراکسیون و اداره کمیته‌ها و برنامه ریزی مربوط به آن را بهتر از گذشته راهبری کنند.

به بحث بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا بپردازیم. مجلس در این مسیر چه وظیفه‌ای را عهده دار است؟

براساس قانون اساسی، نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا بر عهده مجلس شورای اسلامی و عمدتا کمیسیون شوراهاست. به عبارتی اگر چه ناظر سایر انتخابات شورای نگهبان است؛ اما در انتخابات شوراها به‌طور خاص این کار و وظیفه را مجلس عهده‌دار بوده و کمیسیون شوراها از طرف مجلس نمایندگی این کار را دارند. در این دوره از انتخابات اتفاقات نسبتا مناسبی انجام شد. ترکیب اکثریت تیم معرفی‌شده برای نظارت در هیأت مرکزی اصلاح‌طلب و اقلیت اصولگرای معتدل بودند.

این ترکیب چه تاثیری در تایید صلاحیت‌ها داشت؟

این ترکیب بر هیأت نظارت استان‌ها، شهرستان‌ها و شهرها نیز نظر داشته و موثر بودند. با توجه به آمار بالای ثبت‌نام‌کنندگان در این دوره از انتخابات شوراها، این هیأت کار سنگینی را عهده دار بوده و تلاش زیادی داشت تا حقی از کسی ضایع نشود. از جمله تلاش‌های این هیأت این بود که محکومیت‌های سیاسی چندان مورد توجه قرار نگیرد؛ مگر محکومیت‌های موثر کیفری و قضایی. البته همانطور که قانون اشاره می‌کند هیأت نظارت باید تصمیمات خود را براساس تصمیماتی که مراجع چهارگانه اعلام می‌کنند، تنظیم کند و این اتفاق در این دوره رخ داده و آنچه مراجع چهارگانه اعلام کردند مورد توجه هیأت نظارت قرار گرفته است.

آماری از میزان ثبت‌نام متقاضیان وجود دارد؟

فکر می‌کنم ثبت‌نام داوطلبان از افزایش ۱۰ تا ۱۲ درصدی برخوردار بوده است. ۶ هزار و ۷۵۰ تن در این شوراها به عنوان عضو اصلی انتخابات و ۲هزار و ۷۵۴ تن نیز عضو علی‌البدل می‌شوند. انتخابات شوراهای اسلامی در هزار و ۲۴۴ شهر انتخابات شورای شهر برگزار خواهد شد.همچنین در ۴۰ هزار روستا انتخابات داریم که نسبت به دوره قبل پنج هزار روستا اضافه شده است و در این انتخابات ۱۲۶ هزار تن اعضای اصلی شوراهای روستا و ۴۲ هزار و ۷۰۰ تن نیز اعضای علی‌البدل خواهند بود.

از میزان ردصلاحیت‌ها آماری وجود دارد؟

آمار هنوز نهایی نشده است؛ اکثریت قریب به اتفاق کسانی که محکومیت موثر کیفری نداشتند، صلاحیت شان تایید شده است.

اما در برخی از استان‌ها شاهد ردصلاحیت‌های گسترده بودیم.

رد صلاحیت در برخی استانها به دلیل ترکیب هیأت نظارت بوده است که متاسفانه مسائل سیاسی را مورد توجه قرار دادند و براساس آن تایید و رد صلاحیت انجام شده است. البته این قانونی نیست و مراجع چهارگانه باید اظهارنظر کنند. به عبارت دیگر محکومیت سیاسی جزو اختیارات مراجع چهارگانه است که در بخش نظارت طبیعتا قانون اینگونه پیش‌بینی کرده است در صورتی‌که در حوزه اجرا نامزدی ردصلاحیت شد، می‌تواند شکایت خود را به نظارت شهرستان، نظارت استان و بالاخره نظارت مرکزی اعلام کند و در این دو سه مرحله بررسی‌ها دقیق‌تر و موثرتر خواهد بود.

در مرحله تجدیدنظر آمار بررسی‌ها تغییر چشمگیری داشت؟

بله این اتفاق افتاد و در بسیاری از کسانی که در استانها ردصلاحیت شدند، در اعتراض‌ها مجدد مورد بررسی قرار گرفته و تایید صلاحیت شدند.

شما توصیه خاصی برای لیست شوراها دارید؟

با توجه به تایید صلاحیت‌ها امیدواریم در عرصه مبارزات انتخاباتی خصوصا در کلانشهرها در تعیین لیست‌هایی که رای آوری دارند، بتوانیم افراد متخصص، متبحر، سالم، پاکدست، با سابقه و تجربه اجرایی را در حوزه مدیریت شهری داشته باشیم و این ترکیب بتواند شورای پنجم را یک شورای بیشتر متخصص و فنی و کمتر سیاسی بچینند زیرا کار سخت مدیریت شهرها با تصمیمات اعضای این شوراها انجام می‌شود و آنان بتوانند برای مدیریت هر چه بیشتر کلان‌شهرها اقدامات موثری داشته باشند.

قالیباف در ۱۲ سال فقط برنامه نوشت

گفت‌وگوی صدا با محسن هاشمی، نامزد اصلاح‌طلبان در انتخابات شورای پنجم

لیست نهایی شده را چگونه می‌بینید؟ شاهدیم که انتقادهایی به این لیست وجود داشته است؟

بنده به‌عنوان فردی که بنابر توصیه برخی بزرگان اصلاحات و اعتدال، در انتخابات ثبت‌نام کردم، نقشی در انتخاب افراد لیست نداشته‌ام، اما باید این واقعیت را در نظر گرفت زمانی که قرار است از بین حدود ۹۰۰ کاندیدای متقاضی، تنها حدود سه‌درصد انتخاب شوند نارضایتی همواره وجود خواهد داشت اما شفافیت معیارها واقناع افکار عمومی و بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان می‌تواند این اعتراضات را کاهش دهد در هرصورت موضوع لیست‌های موازی یا جایگزینی چند نفر در فهرست اصلی، مساله‌ای است که می‌تواند موفقیت کل لیست را تهدید کند و موجب رای‌آوری افراد غیراصلاح‌طلب شود، البته موضوعات سیاسی و مدنی با شیوه دستوری حل نمی‌شود و بزرگان اصلاحات حتما راه حل مناسبی برای پاسخ به اعتراضات بدنه اجتماعی دارند.

شما گزینه شهرداری از سوی اصلاح‌طلبان بودید، چطور شد برای شورا داوطلب شدید؟

عمده انتقاداتی که امروزه به ساختار اجرایی مدیریت شهر می‌شود ناشی از ضعف در عملکرد شوراست، اگر شورای شهر به وظایف خود بدرستی عمل می‌کرد هیچ یک از معضلات فوق تا این حد حاد نمی‌شد،ابزار شهروندان برای نقش‌آفرینی در مدیریت شهری و تحول در رویکردها، شورای شهر است، یعنی رای مردم به نمایندگانشان در شورا پشتوانه و تکیه‌گاه مدیریت شهری است واگر قرار باشد تحولی در شهرداری ایجاد شود گام نخست از شورا باید برداشته شود. من به این دلایل برای انتخابات شورای شهر پنجم نامزد شدم.

نظرشما در مورد آینده شورا چیست؟

شورای پنجم مسیر دشوار و سختی را پیش رو دارد، بدهی‌های انباشته و پروژه‌های نیمه تمام، پیش‌فروش تراکم و حاد شدن معضلات اجتماعی از جمله موانع جدی در مسیر شورای آینده هستند، البته برخی از دوستان تعبیر آواربرداری ۱۲ ساله را به کار می‌برند که من به این اندازه بدبین نیستم و معتقدم کارهای مثبتی نیز در مدیریت شهری انجام شده است که باید مورد قدردانی قرار گیرد اما مسیر آینده مدیریت شهر بسیار مشکل و حساس است.

درصد موفقیت لیست اطلاح‌طلبان در انتخابات شورای شهر را چقدر می‌بینید؟

موفقیت لیست بسته به حمایت مردم و بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان دارد و همانقدر که اقناع این بدنه مهم است حفظ وحدت نیز اهمیت دارد، اگر این دو موضوع اتفاق نیفتد امکان عدم تکرار نتیجه انتخابات مجلس در تهران وتکرار نتیجه‌ای مشابه انتخابات دوره قبل شورا وجود دارد.

در لیست اصلاح‌طلبان ۳۰ درصد کرسی‌ها به زنان و جوانان تعلق گرفته است، به نظر شما جوانان و زنان چه تاثیری در شورا خواهند داشت؟

جوانان و زنان بعنوان اقشار فعال حوزه مدنی، نقش قلب را در جامعه شهری ایفا می‌کنند و حیات اجتماعی شهر به آنها وابسته است، متاسفانه بعضا ما فرصتها وسرمایه‌ها را تهدید تلقی می‌کنیم. باید سعی می‌کنیم از ظرفیت جوانان وزنان برای فعال‌سازی حوزه اجتماعی وفرهنگی شهر استفاده کنیم و به جای تصدی‌گری فعالیتهای فرهنگی واجتماعی توسط شهرداری، این حوزه را به تشکل‌های مردم‌نهاد که عمدتا توسط زنان وجوانان فعال شده‌اند بسپاریم و فقط مدیریت شهری زیرساخت‌ها وبسترها را فراهم کند. گزینش زنان وجوانان درلیست شورای شهر اگر براساس معیارهای شفاف و اقناع‌کننده برای این قشر صورت گرفته باشد و اعضای شورا بدنه اجتماعی خود را حمایت کنند می‌تواند در قدرت، کارایی و موفقیت شورا بسیار موثر باشد.

نظر شما در مورد عملکرد شورای چهارم چیست؟ دستاوردهای این شورا که قابل ادامه و توسعه هستند کدام‌ها و نقاط ضعف شورای چهارم که نیازمند اصلاح است، کدام است؟

شورای چهارم نتوانست از اختیارات قانونی خود برای نظارت وسیاستگذاری مدیریت شهری استفاده کند و به همین دلیل شاید نوعی دلسردی در مردم نسبت به کارآمدی نهاد شورا ایجاد شد، البته این شورا در فعال کردن برخی مکانیزیم‌های نظارتی در تفریغ بودجه وحفاظت از باغات و محیط زیست نسبت به گذشته عملکرد خوبی داشته است.

یکی از مواردی که مانع از کار شورا می‌شد رابطه پر از اصطکاک دولت و شورا در چندین سال گذشته بود، حالا در صورت موفقیت لیست اصلاح‌طلبان در شورا و تداوم دولت آقای روحانی رابطه بین شورا و دولت چه تغییراتی خواهد کرد؟ ابعاد مثبت و منفی این همسویی پچه چیزهایی خواهد بود؟

البته اینکه روابط شورای شهر و دولت از حوزه سیاسی خارج و به تعاملی –کارشناسی و در جهت مصالح شهر تبدیل شد، بهترین حالت است و باید تبدیل به رویه شود. اگر بدنه شورای شهر پنجم تخصصی و کارشناسی باشد و رویکرد دولت نیز براساس مصالح شهروندان باشد تنش‌ها و گله‌های گذشته را شاهد نخواهیم بود.

آیا شما هنوز به شهردار شدن فکر می‌کنید؟ اگر نه گزینه اصلاح‌طلبان برای شهرداری چه کسی خواهد بود؟

موضوع شهردار شدن بحثی است که مربوط به شورای شهر است و متاسفانه در رسانه‌ها ومحافل سیاسی، به اندازه‌ای که به عملکرد شهرداری و نقش آن می‌پردازند به شورای شهر و اهمیت وتاثیر آن پرداخته نمی‌شود، اگر شورای شهر نقش خود را به خوبی ایفا کند و سیاستگذاری، تصویب بودجه و نظارت را به‌صورت کامل انجام دهد طبعا شهردار مجری برنامه‌های شورا خواهد شد.

به عنوان مدیر عامل سابق مترو تهران وضعیت شهر تهران را چگونه می‌بینید؟

شاید بتوان ضعف در سیستم حمل ونقل عمومی شهر را سرچشمه بسیاری از معضلاتی نظیر ترافیک، آلودگی هوا و تراکم خودرو دانست، باوجود اینکه با اقدامات مناسبی که طی دو دهه گذشته در شبکه مترو انجام شده است، زیرساخت‌های استفاده از مترو فراهم شده است اما به‌دلیل ناکافی بودن سرمایه‌گذاری انجام شده در بخش تامین تجهیزات وتکمیل خطوط، بارگذاری لازم در شبکه مترو انجام نشده است.

شما متروی تهران را در چه شرایطی تحویل دادید و شهردار بعد آن را در چه شرایطی تحویل خواهد گرفت؟

بنده از سال ۱۳۷۲ در هیات مدیره شرکت مترو واز سال ۱۳۷۶ تا انتهای سال ۱۳۸۹ بعنوان مدیرعامل و تا سال ۱۳۹۲ نیز بعنوان هیات مدیره این شرکت حضور داشتم، طی این بیست سال تقریبا همه خطوط اصلی مترو یا به بهره‌برداری رسید ویا با استفاده از دستگاههای حفاری وساخت تونل عملیات آن بصورت جدی آغاز شد، البته در این مدت عملیات حفاری تونل‌های خط سه، شش وهفت در جریان بوده است اما درجهت بارگذاری و استفاده از ظرفیت کامل این خطوط تجهیزات و واگن کافی باید تامین شود.

به طور کلی عملکرد آقای قالیباف را در ۱۲ سال شهرداری چگونه می‌بینید؟

آقای قالیباف طی این ۱۲ سال که رکورد تصدی شهرداری تهران را به خود اختصاص داده است، عملکردی داشته دارای نقاط مثبت ومنفی که در جای خود باید نقد شود اما در کنار اقدامات گسترده در حوزه ساخت پل و بزرگراه وتونل به نظر می‌رسد توجه کافی به تجهیزات متحرک و ثابت حمل و نقل عمومی و حفظ محیط زیست وصیانت از سرمایه‌های فرهنگی ایرانی اسلامی صورت نگرفته است و رویکرد مدیریت شهری عمدتا خودرومحور و سازه‌محور بوده است تا انسان‌محور.

تهران در ۱۰ سال گذشته دو برنامه پنج ساله را پشت سر گذاشته است، همچنین برنامه جامع تهران نیز از دیگر اسناد بالادستی بود که چشم‌انداز توسعه شبکه حمل و نقل و وضعیت میزان درآمدهای پایدار شهر و دیگر زیرساخت‌های پایتخت را مشخص کرده بود، این برنامه‌ها چقدر محقق شده‌اند تا کنون و نظر شما در مورد میزان پایبندی شهرداری به این برنامه‌هاچیست؟

این برنامه‌ها کمتر از ۳۰ درصد محقق شده‌اند و در این ۱۲ سال کاری که شهرداری کرد تنها نوشتن برنامه بود. متاسفانه در این سال‌ها ضعف نظارت شورای شهر نیز انحراف شهرداری از اسناد بالادستی را هموارتر کرد.

به عنوان سرلیست اصلاح‌طلبان فکر می‌کنید شورای پنجم چه اقداماتی را باید در راس کار قرار دهد؟

معضلات اصلی شهر تهران مشخص است، فربه شدن و هزینه‌های سنگین اداره شهر، ترافیک، آلودگی هوا، ضعف سیستم حمل ونقل عمومی، بارگذاری نامناسب در نقاط شمالی ومرکزی، بافت‌های فرسوده،آسیب دیدن محیط زیست و نابودی باغات، معضلات اجتماعی و شعاری وغیرمردمی بودن رویکرد فرهنگی مدیریت شهری، از مشکلات امروز تهران است که شورای پنجم باید در جهت کاهش و حل آنها گام بردارد. من برنامه‌ای برای فعالیت شورا تدوین کرده‌ام که در صورت موفقیت آن را با دوستان اصلاح‌طلب شورا در میان خواهم گذاشت.

به برنامه‌هایتان اشاره کردید، چه اولویت‌هایی را برای تهران در این برنامه در نظر گرفته‌اید؟

موسسه مرسر در گزارش خود شرایط زندگی را در بیش از ۴۵۰ شهر در سراسر دنیا ارزیابی کرده است که متاسفانه پایتخت ایران رتبه ۱۹۹ دنیا را در اختیار دارد. اوضاع وخیم مسکن، وضعیت بحرانی محیط زیستی و دلایل دیگری را می‌توان در چرایی قرارگیری تهران در فهرست بدترین شهرهای جهان دخیل دانست. از سوی دیگر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ با مدیریت شهری در شهر تهران ارتباط مستقیمی دارد و می‌تواند راهنمای مدیریت شهری در ارائه مدلی مطلوب در مسیر توسعه شهری شهر تهران و نیز بررسی میزان عملکرد مدیریت شهری در سال‌های آینده باشد اما میزان تحقق این چشم‌انداز و توان مدیریت شهری در بهره‌گیری از این ظرفیت در ایفای نقش واقعی خود، در گرو الزامات و تمهیدات دیگری است. از این رو با عنایت به پتانسیل‌های بسیار زیاد در حوزه‌های اجرایی و علمی، باید به تولید، تقویت و ارائه مدل‌های راهبردی نوین توسعه شهری و ملی پرداخت و با این رویکرد نقش بسزایی را در جهت راهبری غالب حوزه‌های مدیریت شهری جهانی داشت.

لذا پس از انجام اقداماتی چون تدوین و تکمیل سلسله‌ای از نظام برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت در راستای تحقق سند چشم‌انداز نظام جمهوری اسلامی ایران باید گام موثری در ترسیم الگوی ایرانی – اسلامی پیشرفت مدیریت شهری تهران و ارتقای آن در راستای تحقق توسعه ملی در افق ۱۴۰۴ برداشت. اولویت‌های برنامه تاکتیکی من خدمات شهری، اولویت همیشگی، توسعه فرهنگی، با محوریت صیانت از فرهنگ و هویت دینی و ملی، توسعه حمل و نقل عمومی، با محوریت خطوط ریلی انبوه‌بر (پکن و سئول)، توسعه شهرسازی و معماری، با محوریت بافت فرسوده و زلزله، توسعه مدیریت، با محوریت شهر الکترونیک، کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی، با محوریت مساجد و سمن‌ها، غنی‌سازی اوقات فراغت، با محوریت سلامت و ورزش همگانی، تأمین منابع، با محوریت افزایش دریافت عوارض، مالیات و اعتبارات در درازمدت، بهبود ساختار سازمانی، با محوریت کوچک و چابک‌سازی مدیریت شهری است.

مینایوسفی: محسن هاشمی، زمانی که ۱۳ اسفند ۱۳۸۹ از متروی تهران استعفا داد؛ در مراسم سخنرانی خود گفت که از مدیریت شهری خداحافظی نمی‌کند و در آینده‌ای نزدیک دوباره باز خواهد گشت؛ اگر چه یک بار در بازگشت و آن هم برای مدیریت شهری ناکام ماند. او که ۱۳ سال ریاست هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت متروی تهران را بر عهده داشت با آغاز کار چهارمین دوره شورای اسلامی شهر تهران، گزینه اصلی اصلاح‌طلبان برای شهرداری تهران بود، اما در نهایت با یک رأی مغلوب محمدباقر قالیباف شد. حالا در چرخش سیاست‌های اصلاح‌طلبان، او که تا همین یک ماه پیش گزینه اصلی اصلاح‌طلبان برای جایگزینی محمدباقر قالیباف بود، این بار به احتمال زیاد به عنوان سرلیست اصلاح‌طلبان برای انتخابات پنجمین دوره شورای شهر تهران معرفی خواهد شد. محسن هاشمی از وضعیت مدیریت شهری تهران انتقاد دارد و می‌گوید: به عنوان عضو احتمالی شورای تهران برنامه‌هایی ویژه برای شهر دارم. البته در عین حال او پاسخ روشنی به تمایلش برای شهردار شدن نمی‌دهد. در ادامه گفت‌وگوی صدا با محسن هاشمی را چند روز بعد از انتشار لیست کاندیداهای اصلاح‌طلب در شورا که نام او نیز به عنوان عضوی شاخص در آن به چشم می‌خورد، می‌خوانید:

با ۵ نامزد پوششی مذاکره کردیم

گفت‌وگو با یدالله طاهرنژاد درباره ورود اسحاق جهانگیری به انتخابات

برای اولین بار رئیس‌جمهور و معاون اولش هر دو در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کرده‌اند؛ اما چه شد که اسحاق جهانگیری در دقایق آخر ثبت‌نام انتخابات ریاست جمهوری خود را به وزارت کشور رساند؟ شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان چه نقشی در متقاعد کردن حسن روحانی داشتند؟ «سازندگی» پاسخ این سوالات را از یدالله طاهرنژاد، نایب رئیس شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان و نماینده حزب کارگزاران سازندگی ایران در این شورا جویا شده است.

بعد از توفیق لیست امید در انتخابات هفتم اسفند ۹۴، قرار شد شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان به فعالیت خود ادامه دهد. این شورا چه همپوشانی‌ها و تقسیم کاری با شورای هماهنگی جبهه اصلاحات دارد؟ رسالت این شورا انتخاباتی است یا ماهیت تشکیلاتی دارد؟

شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان کشور از سال ۹۳ فعالیت خود را آغاز کرد که به دلیل اختلاف‌نظرهایی که بین رویکرد شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و شورای مشورتی آقای خاتمی وجود داشت و بعضا مواضع و تصمیمات بر هم منطبق نبود، تصمیم بر این شد که بین این دو مجموعه یکپارچگی و هماهنگی ایجاد شود. در آستانه سال ۹۴ که انتخابات مجلس شورای اسلامی در دستور کار بود، شورای هماهنگی جبهه اصلاحات کمیته انتخابات تشکیل داده بود و شورای مشورتی هم کمیته انتخابات داشت. این دو کمیته از ناحیه این دو مجموعه وارد استان‌ها شده بودند و سردرگمی بین نیروهای اصلاح‌طلب ایجاد کرده بود که ادامه آن روند می‌توانست به انشقاق کامل جبهه اصلاحات بینجامد. من قائم‌مقام کمیته انتخابات بودم که ریاست آن با آقای محسن رهامی بود. ماه‌ها بحث می‌کردیم که این دو مجموعه باید در هم ادغام شوند. نهایتا با ابتکار آقای خاتمی در دو جلسه مفصل خدمت ایشان رسیدیم و بحث کردیم. قرار شد که این دو کمیته انتخابات شورای هماهنگی و شورای مشورتی در هم ادغام شوند. اسم این مخلوق جدید سیاسی شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان شد که در سال ۹۴ امر انتخابات مجلس شورای اسلامی را هدایت کرد و در سایه آن انتخابات مجلس خبرگان رهبری هم مورد توجه بود. نتیجه خوبی هم حاصل شد. بعد از انتخابات بعضی دوستان ما در شورای هماهنگی جبهه اصلاحات اعتقاد داشتند که ماموریت این شورا تمام شده است و دیگر دلیلی برای ادامه فعالیت آن نیست. ما معتقد بودیم که شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان تجربه موفقی بود ضمن اینکه بیش از ۱۶۰ نفر از لیست این شورا در سراسر کشور وارد مجلس شدند و در قبال این شورا متعهدند و عمکردشان باید مستمر رصد بشود برای اینکه در ادوار آتی بتوانیم در مورد آنها تصمیم‌گیری کنیم و برای انتخابات سال ۹۶ هم این شورا می‌تواند کارساز باشد. کمیته‌ای تشکیل شد که نقاط قوت و ضعف را بررسی کند و تصمیم بگیریم که ادامه دهیم یا فعالیت شورای‌عالی متوقف شود. این کمیته در سال ۹۵ تشکیل شد و تا مردادماه بررسی‌ها را انجام داد و در شهریورماه بود که جلسه‌ای در حضور آقای خاتمی برگزار و نظر بر این شد که شورا با شمایل جدیدی به کار خود ادامه دهد. به این معنا که همه اعضای شورای هماهنگی به علاوه چهار حزب جدیدالتاسیس اصلاح‌طلب و تعدادی از شخصیت‌های در تراز ملی، شورای جدید را تشکیل دهند. این اتفاق افتاد و ۲۴ حزب عضو شورای‌عالی شدند؛ ۲۰ حزب عضو شورای هماهنگی و ۴ حزب جدید. بعلاوه ۱۵ شخصیت اصلاح‌طلب در تراز ملی با مشورت دوستان و با عنایت آقای خاتمی به این جمع اضافه شدند و شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان با این شکل جدید خود فعالیت خود را آغاز کرد.

تمام اعضا و نمایندگان احزاب آرای برابری دارند؟

هر حزبی یک نماینده در این شورا دارد که او هم یک رای دارد. در شهریورماه جلسات شروع و انتخابات هیأت رئیسه برگزار شد. بعد کارگروه‌ها تشکیل شد و هیأت رئیسه کارگروه‌ها انتخاب شدند. آئین‌نامه‌های مختلف توسط کارگروه‌ها تهیه شد و به صحن آمد. سه کارگروه اصلی شهرستان‌ها، تعامل و تدوین مقررات و برنامه‌ریزی به سرعت کار خودشان را شروع کردند و بعد با مدیریت کارگروه استان‌ها وارد استان‌ها شدیم. در هر استان ۳ نفر انتخاب شدند که ماموریت داشتند شورای اصلاح‌طلبان آن استان را تشکیل دهند. در حال حاضر تقریبا در ۲۸ استان شورای اصلاح‌طلبان شکل گرفته و دو سه استان مانده که با رفع مشکل آنها این شورا تشکیل می‌شود. در این استان‌ها اکثرا شورای شهرستان‌ها هم تشکیل شده است. بنابراین در حال حاضر شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان در تمام کشور تقریبا تشکیل شده و مشغول فعالیت است. ما در ابتدا فکر می‌کردیم بتوانیم در سراسر کشور در انتخابات شوراها لیست بدهیم ولی تعدادی از دوستان اظهارنظر کردند که ممکن است در شهرهای کوچک که بافت‌های قومی در آن پررنگ است ارائه لیست باعث ریزش آرای کاندیدای ریاست جمهوری شود و لطمه ببینیم. لذا تصمیم گرفتیم موضوع را محول کنیم به استان‌ها که آنها تشخیص دهند در چه شهرهایی ارائه لیست مفید خواهد بود و در چه شهرهایی ضرورتی برای ارائه لیست نیست.

اما اولین و مهم‌ترین دستور کار این شورا انتخابات ریاست جمهوری بود؟

مهم‌ترین موضوع در دستور کار شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان معرفی کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری بود که بعد از چند جلسه صحبت و مذاکره و نشست اعضای هیأت رئیسه شورا با رئیس‌جمهور نهایتا شورا تصمیم گرفت از کاندیداتوری آقای دکتر روحانی حمایت کند و این را اعلام کرد.

آیا نظرات دیگر یا افراد دیگری هم مطرح بودند و یا نه صرفا درباره نوع حمایت از روحانی جلسه تشکیل شد؟ آیا احزاب دیگری بودند که نظر دیگری داشتند که شورا را به خود مشغول کند؟

هیچ رقیبی برای آقای روحانی در جلسات شورا مطرح نشد ولی عمدتا معتقد بودند باید کاندیدای دیگری در کنار آقای روحانی داشته باشیم تا اگر خدای ناکرده اتفاقی افتاد عرصه خالی نباشد و در عین حال کاندیدای کمکی می‌تواند به آقای روحانی در مناظره‌ها کمک کند که پاسخ برخی از نقدها و شبهات و ابهامات را بدهد که مقداری فشار از روی آقای روحانی برداشته شود. بر اساس این جمع بندی بود که بعد از ملاقات اول هیأت رئیسه با رئیس‌جمهور، در ملاقات دوم آقای روحانی پذیرفتند که کاندیدای دیگری در کنار ایشان ثبت‌نام کنند و بعد از رایزنی در جبهه اصلاحات هیأت رئیسه شورای‌عالی و بزرگان عرصه اصلاحات، به آقای جهانگیری رسیدیم که در دقایق آخر در وزارت کشور برای انتخابات ثبت‌نام کردند.

جلسات با رئیس‌جمهور در چه تاریخ‌هایی برگزار شد؟ شنیده شده که در روز آخر ثبت‌نام آقایان موسوی لاری وحسین مرعشی به ملاقات آقای روحانی رفتند و ایشان را متقاعد کردند با نامزدی آقای جهانگیری موافقت کند.

بله جلسه دوم در روزهای آخر بود. اما جلسه اول حداقل ۳ ماه قبل از آن بود که با آقای روحانی جلسه داشتند و این پیشنهاد را مطرح کردند. آقای روحانی در ابتدا موافق نبود ولی بعد قرار شد که فکر کند و پاسخ دهد و بعد متقاعد شد که بودن کاندیدای دیگر به نفع ایشان است.

مخالفت آقای روحانی با حضور کاندیدای دیگر به این علت بود که هزینه رد صلاحیت ایشان را کاهش می‌داد؟

نه البته فقط این نبود. آقای روحانی به طور قاطع مطمئن بود که صلاحیتش مشکل پیدا نمی‌کند و به همین دلیل می‌گفت که ضرورتی به حضور کاندیدای دیگر ندارد. از این باب نگرانی نداشت ولی بعضی از اطرافیان ایشان فکر می‌کردند که کاندیدای پوششی ممکن است سیگنالی باشد برای شورای نگهبان که می‌شود آقای روحانی را هم رد صلاحیت کرد.

آن موقع که با آقای روحانی مذاکره می‌کردید، این کاندیدای دیگر را چطور تعریف کردید؟ قرار بود این کاندیدا چه باشد؟ پوششی یا ضربه‌گیر یا کمکی یا زاپاس؟

اصل نگرانی این بود که ممکن است شورای نگهبان آقای روحانی را رد صلاحیت کند و اگر اینطور شد اصلاح‌طلبان دستشان خالی نباشد. بحث ضربه‌گیر و پوششی جدی نبود. چون آقای روحانی نمی‌پذیرفت رد می‌شود. دوستان می‌گفتند حتی اگر ردصلاحیت هم نشوید یک کاندیدایی به کمک شما می‌آید. اصل بر این بود و ما دغدغه جدی داشتیم که اگر رد صلاحیت آقای هاشمی‌رفسنجانی در شورای نگهبان میسر است، چرا ردصلاحیت آقای روحانی ممکن نباشد؟ بنابراین گفتیم حتما باید احتیاط کنیم و کسی بگذاریم که مطمئن باشیم تایید می‌شود. به صرف اینکه کاندیدا داشته باشیم مشکل ما را حل نمی‌کرد. کاندیدایی باید معرفی می‌کردیم که مطمئن بودیم از شورای نگهبان عبور می‌کند.

آقای جهانگیری موافق بود این نقش را برعهده بگیرد؟

خیر موافق نبود.

دلیلش چه بود؟

آقای جهانگیری برای خود جایگاهی قائل است، فراتر از اینکه به عنوان پوششی بخواهد بیاید و وقتی موضوع احتمال ردصلاحیت دکتر روحانی مطرح شد پذیرفت در روز آخر ثبت‌نام کند.

برنامه‌ای که شما به ایشان ارائه کردید چه بود؟ حضور در مناظره‌ها؟ یا ماندن در صحنه تا آخرین روز و سپس انصراف؟

آن را به عهده آقای روحانی گذاشتیم که ایشان مطمئن باشد هیچ قصد و نیت سویی در کار نیست. هدف کمک به ایشان است. بنابراین ادامه حضور آقای جهانگیری در عرصه را بر عهده آقای روحانی گذاشتیم که هر وقت صلاح می‌دانند ایشان بمانند.

همانطور که آقای جهانگیری در مناظره اول گفتند حضور ایشان برای این بود که صدای طیف اصلاح‌طلب هم شنیده شود. این قرار از اول بود که در کنار نماینده طیف اعتدال یک نماینده از طیف اصلاحات باشد؟

بعضی اعضای شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان این را مطرح می‌کردند ولی واقعیت این بود که عمده‌ترین دلیل کاندیداتوری آقای جهانگیری که توسط بزرگان اصلاحات تصمیم‌گیری شد، نگرانی از رد صلاحیت اقای روحانی بود.

کاندیدای دیگری هم در نظرتان بود؟ چون گفتید آقای جهانگیری در ابتدا موافقت نکردند. آیا سراغ چهره‌های دیگری هم رفتید؟

بله ۵ نفر مطرح بودند. آقایان جواد ظریف، دکتر ملک زاده (وزیر بهداشت دولت هاشمی)، حبیب الله بیطرف و بیژن زنگنه.

این افراد به عنوان نمایندگان طیف اصلاحات مطرح شدند؟

بله همه اینها اصلاح‌طلب هستند.

مذاکره شد با آنها؟

با آنها صحبت اولیه‌ای شد.

شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان پس از گذر از گردونه انتخابات به کار خود ادامه می‌دهد؟ چون موضوع شوراها مطرح می‌شود و رصد اعضای آن؟

بله درصدد هستیم از کمیسیون ماده ده مجوز بگیریم.

به عنوان شورا یا جبهه؟

می تواند به عنوان شورا باشد اما کارکرد جبهه‌ای داشته باشد.

شوراها می‌توانند مجوز بگیرند؟

ماهیت جبهه و عنوانش شوراست.

این مورد توافق همه هست؟ چون درباره لیست شوراهای اسلامی شهر و روستا برخی اعضای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات درصدد ارائه لیست دیگری هستند.

شورای هماهنگی جبهه اصلاحات ۲۰ عضو دارد که ابتدا ۶ عضو مخالف پیوستن به شورای‌عالی بودند و معتقد بودند شورای هماهنگی باید محور باشد. مخالفین معتقد بودند شورای هماهنگی پوشش لازم را برای اینکه همه اصلاح‌طلبان کشور را پوشش بدهد ندارد و نهایتا رای گیری شد، اکثریت قاطع رای دادند به اینکه فعالیت در قالب شورای‌عالی ادامه پیدا کند. از ۶ حزبی که مخالف بودند بعدا ۴ حزب پیوستند. ۲ حزب بیرون ماندند؛ حزب مردمسالاری و مجمع نیروهای خط امام (ره). این دو حزب هنوز عضو شورای‌عالی هستند ولی نمایندگانشان در جلسات شرکت نمی‌کنند. اینها به اتفاق احزابی که در نوبت پذیرش شورای هماهنگی جبهه اصلاحات بودند با هم بیانیه‌ای دادند که ما در انتخابات لیست جداگانه می‌دهیم.

الان در شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان هادی غفاری عضو است به عنوان نماینده مجمع نیروهای خط امام.

بله اما در جلسات شرکت نمی‌کنند.

برای انتخابات شوراها چه برنامه‌ای در نظر دارید؟ گفته می‌شود حدود ۸۰۰ رزومه آمده است. این افراد تک تک بررسی شدند؟

کمیته‌ای مامور غربالگری بوده است. بررسی‌ها در هیأت رئیسه شده است و گزارش آن به جلسه شورای‌عالی داده می‌شود.

طبق همان سهمیه‌بندی برای زنان و جوانان این فهرست ارائه شد؟

ما سهمیه نداریم. یک رویکرد است که نقش زنان و جوانان را هم در ترکیب شورا ببینیم؛ پررنگ‌تر از گذشته.

اغلب افرادی که در شورای‌عالی سیاستگذاری عضویت دارند کاندیدای انتخابات شورای شهر شدند. آیا این امتیازی برای اعضا برای رفتن در فهرست اصلاح‌طلبان در شورای شهر نبود؟

ما آیین‌نامه‌ای تصویب کردیم که جدول امتیازات ضمیمه آن است و اعم از کسانی که در شورا هستند یا داوطلب عضویت در لیست هستند در جدول آنالیز شدند که اگر امتیاز آوردند در لیست قرار بگیرند. به صرف در شورا بودنشان کمک زیادی به آنها نکرد.

این امتیازات را در آینده اعلام می‌کنید؟ چون نامه‌هایی منتشر و درخواست شده از شورای‌عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان که شفاف‌تر دست به چینش فهرست انتخاباتی بزنند. آیا این معیارها را پس از انتشار لیست اعلام می‌کنید که افراد بدانند چرا در لیست گنجانده نشده اند؟

ما به استان‌ها اعلام کردیم که معیارها چیست و امتیازات چگونه داده شده است؟

اگر فردی فعال سیاسی نیست یا فعال جامعه مدنی یا روزنامه‌نگار یا تکنوکرات است شانس برابری با اعضای شورای‌عالی سیاستگذاری داشت که در فهرست اصلاح‌طلبان بگنجد؟

عضویت در شورای‌عالی هیچ امتیازی تلقی نمی‌شود. این افراد موقع رای‌گیری حضور پیدا نکردند. امتیازات به گونه‌ای تعریف شده که اگر فردی اصلا سیاسی نباشد اما بقیه امتیازات را داشته باشد می‌تواند در لیست قرار بگیرد. اگر رشته و تجربه مرتبط و فعالیت‌های اجتماعی موثر داشته باشد می‌تواند امتیاز بگیرد.

تعهدات اخلاقی یا میثاق‌هایی امضا می‌کنند؟

بله امضا کردند.

درباره شهردار تصمیم‌گیری شده است؟

نه فعلا تصمیم‌گیری نشده است.

اقتصاد سیاسی

آدرس غلط: تقابل ٤درصدی‌ها و ٩٦درصدی‌ها؟

سعید لیلاز
کمیته اقتصادی

شعارهای انتخاباتی را باید در بستر مناسبات اجتماعی بررسی کرد؛ هر شعاری پاسخ به تقاضایی است که در قعر مناسبات اجتماعی وجود دارد و بازتابنده خواست و ساخت لایه‌های مختلف جامعه است. از این جهت باید دید شعارهایی که در ادوار گوناگون انتخابات مطرح شده، پاسخ به کدام خواسته‌های مقطعی و منطقی و بازتاب چه نیاز و نظری است؟ آیا باید با انگزنی به رقیب، شعارش را به سخره گرفت یا با نگاه علمی، آثار و آرای حاکم بر طیفی از جامعه رای‌دهندگان را بررسی کرد؟ من با راهکار دوم موافقم. معتقدم شعار را باید در ترازوی زمانه و زمینه خود وزن کرد تا به این باور رسید که این شعار بازتاب واقعی تقاضاهای موجود در قعر مناسبات اجتماعی است یا از زمانه خود عقب‌تر و یا از زمینه خود جلوتر است که در هر دو صورت ناکامی به بار می‌آورد.

یکی از شعارهای پرتکرار در این دوره از انتخابات که از سوی یکی از نامزدها مطرح می‌شود، تقسیم جامعه به دو گروه ۴ درصدی و ۹۶ درصدی است. اولین پیام کاندیدایی که با این شعار به میدان آمده اینست که باور ندارد می‌خواهد رئیس‌جمهور شود. کسانی که از این دست شعارها می‌دهند تلاطمی در جامعه ایجاد می‌کنند که خود به خوبی می‌دانند توانایی اداره و مهار آن را ندارند. کسانی که می‌خواهند در نظام حاکم به نقطه بالای اجرایی برسند باید در وهله اول این نظم را حفظ کنند ولی این شعارها درصدد بی‌ثبات کردن این نظم است. از این جهت آنان که اینگونه شعار می‌دهند به این باور رسیدند که قرار نیست در مقام حفظ نظم در آینده برآیند چون توانایی اداره تلاطم‌ها را ندارند.

این شعار به طور تلویحی به این معناست که انقلاب اسلامی در اصلی‌ترین ماموریت خود یعنی رفع تبعیض شکست خورده است. یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌ها و عوامل انقلاب اسلامی سال ۵۷، وجود احساس تبعیض در لایه‌های مختلف اجتماعی بود. تقسیم جامعه به یک اقلیت چهار درصدی و اکثریت ۹۶ درصدی چه معنی می‌دهد جز اینکه ۳۸ سال پس از انقلاب، نظام را از تحقق این خواسته و رفع این دغدغه ناتوان نشان می‌دهد؟

در اوایل انقلاب بی‌اعتنایی مشهودی به مسائل اقتصادی و معیشتی رواج داشت و این روزها توجه مبرزی به این نوع مسائل می‌شود. انتخابات فعلی ریاست جمهوری تبدیل به ماتریالیستی‌ترین انتخابات پس از انقلاب شده که گویی این افراط امروز بازتاب تفریط دیروز است. کدام تحول موجب شده که در ارزشی‌ترین و عقیدتی‌ترین لایه‌های سیاسی این دست شعارهای مادی‌گرایانه موج می‌زند؟ برخی به ماتریالیسم مبتذلی سقوط کرده‌اند که انتخابات را تبدیل به بازار مکاره‌ای کرده که چهره تاثربرانگیزی در جهان به ما داده است. اینان که در سال ۹۶ با شعارهای پوپولیستی قصد صید رای دارند، به کدام تقاضای موجود در قعر مناسبات اجتماعی پاسخ می‌دهند؟ آیا این متاعی که می‌خواهند در این بازار بفروشند الان دیگر خریداری دارد؟ در سال ۸۴ از هفت کاندیدای ریاست جمهوری، پنج نفرشان شعارهای پوپولیستی مطرح کردند و بعضا هم جواب گرفتند ولی چندان مشخص نیست که این شعارها با گذشت ۱۲ سال همچنان همان جاذبه‌ها را داشته باشد. طراحان شعارهای پوپولیستی در سال ۹۶ دیر اقدام کردند؛ این شعارها ۱۲ سال قبل آن هم در برخی لایه‌های اجتماعی خریدار داشت و برخی با یک تاخیر فاز تاریخی تازه به آن رسیده‌اند. اینکه یخ شعارهای انتخاباتی پوپولیستی نگرفته به دلیل همین عقب‌ماندگی تاریخی طراحان آنست. حتی اگر برخی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ که شعارهای پوپولیستی می‌دادند دوباره مجال شرکت در انتخابات می‌یافتند، نوع تکامل یافته‌تری از شعارهای خود را مطرح می‌کردند نه اینقدر ناشیانه. این شعارها دیگر تازگی ندارد و حتی شعور ملت ایران را دست‌کم گرفته است چراکه انتخابات سال ۹۲ نشان داد این گفتمان توزیع مناسب نبود که پیروز شد چراکه آرای روحانی در روستاها بیشتر از شهرها بود. کسانی که دوباره به شعارهای ۸۴ رجعت کرده‌اند در واقع این شعور روستاییان را دست‌کم گرفتند. شعارهای پوپولیستی سال ۸۴ بعد از ۱۲ سال نمی‌تواند موتور محرکه اصلی جامعه باشد. پوپولیسم ۸۴ مخلوق وفور درآمدهای حاصل از فروش نفت خام بود نه پایگاه اجتماعی در بین مردم. امروز نه در شرایط وفور هستیم و نه آن پایگاه اجتماعی وجود دارد. پوپولیسم به همان نسبت که قدرت زیادی دارد، عمرش کوتاه است. دوران آلمان هیتلر از ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۷ نرخ بیکاری عملا به صفر رسید اما کتاب سوزان و یهودی‌کشی و حمله به اتریش و لهستان آن هم با پشتیبانی مردمی ۱۰ سال بیشتر عمر نکرد و در سال ۱۹۴۵ فروپاشید. این کاندیداها آیا بهتر از مادورو در ونزوئلا می‌توانند شعار پوپولیستی بدهند؟ ایران بدون روحانی را در آینه امروز ونزوئلا می‌توان دید؛ تازه کشوری که مانند ایران تحریم هم نیست. دولت احمدی‌نژاد دو تا سه برابر موجودی جیب مردم را برداشت کرد و یک چهارم آن را در قالب یارانه به مردم تحویل داد. با تک‌نرخی شدن تورم دیگر این پول از جیب مردم برداشت نمی‌شود تا به جای آن مبلغ اندکی به حسابشان واریز شود. یک حساب سرانگشتی صداقت طراحان شعار افزایش یارانه‌ها به ۲۵۰ هزار تومان را در رفع نیازهای معیشتی مردم روشن می‌کند: برای اینکه دولت بتواند یارانه را به ۲۵۰ هزار تومان در ماه افزایش دهد، دلار در این شرایط ۸ هزار تومان می‌شود. آیا طراحان شعارهای پوپولیستی حاضرند که حقیقت را به مردم بگویند و تورم برخی دیگر از حامل‌های انرژی و ارز را هم بشمارند؟ طراحان شعارهای پوپولیستی این را هم به مردم بگویند که به ازای هر ۶۰ تا ۷۰ هزار تومانی که به یارانه اضافه شود، قیمت بنزین هزار تومان افزایش می‌یابد. دولت طی پنج سال گذشته ۳۲۰ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی پرداخت کرده است؛ اما در این مدت جمع کل بودجه عمرانی خرج شده در ایران به ۱۰۰ هزار میلیارد نرسیده است. حالا که تورم تک نرخی شده، عملا قدرت خرید مردم ۵ برابر افزایش یافته است؛ یعنی هر ایرانی با ۴۵ هزار تومان فعلی و با ثبات تورم در مرز تک رقمی حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان قدرت خرید دارد. این محاسبه هم باید در نظر آید که رقم پرداختی یارانه در حال حاضر بیشتر از رقم عایدی است. رقم اولیه یارانه ۲۷ هزار تومان از مازاد آزادسازی حامل‌های انرژی بود و قرار بود ۱۳ هزار تومان وارد بخش تولید شود که رئیس‌جمهور وقت آن را به ۴۵ هزار تومان بدون پرداخت یک ریال به بخش تولید افزایش داد. در حال حاضر دولت برای پرداخت یارانه ماهانه، مابه‌التفاوت ۲۷ تا ۴۵ هزار تومان را به زور از شرکت‌ها می‌گیرد. مثلا در سال ۸۹ منابع افزایش سرمایه شرکت ملی فولاد را که مبلغ هزار میلیارد تومان بود و به حسابشان واریز شده بود، شب عید از حسابشان برداشت کرد. در دولت سابق قدرت خرید کارگران ۷۳ درصد سقوط کرد و تنها در عرض سه سال (۸۹ تا ۹۲) قدرت خرید بازنشستگان ۵۰ درصد افت کرد و قدرت خرید کارگران نیز ۳۵ تا ۴۰ درصد کاهش یافت. ۱۱ درصد سقوط قدرت خرید کارگران فقط متعلق به سال ۹۰ است. اما در چهار سال دولت روحانی، قدرت خرید کارمندان ۲۰ تا ۲۵ درصد، قدرت خرید کارگران ۲۵ درصد و قدرت خرید بازنشستگان ۲۷ درصد افزایش یافت. با این کارنامه منتقدان به دولت می‌تازند درحالی که نسیه‌ای که آنها می‌خواهند به مردم بدهند، چهار سال است که با تدبیر دولت روحانی نقد شده است.

آغاز اصلاح‌طلبی انتخاباتی

مجموعه بیانیه‌های کارگزاران سازندگی ایران/ ۱: بیانیه اعلام موجودیت

۲۲ سال پیش، دی‌ماه ۱۳۷۴ شانزده نفر از مدیران اجرایی و سیاسی دولت آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند که قصد دارند با انتشار فهرستی از نامزدهای مورد نظرشان برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، وارد انتخابات دوره پنجم پارلمان شوند. این بیانیه پس از آن صادر شد که جامعه روحانیت مبارز تحت تاثیر متحد سیاسی خود، جمعیت موتلفه اسلامی قرار گرفتن نام حداقل پنج نفر از نیروهای میانه‌رو در فهرست نامزدهای نمایندگی مجلس از تهران را قبول نکرده بود. به گفته منابع آگاه تاریخی این پنج تن: عبدالله نوری، مصطفی معین، فائزه هاشمی، مسعود روغنی‌زنجانی و ایرج فاضل بودند. البته پیش از این امضاکنندگان بیانیه ۲۷ دی‌ماه (که خود را کارگزاران سازندگی ایران می‌خواندند) از سیدمحمد خاتمی هم خواسته بودند در راس این فهرست قرار گیرد که ظاهرا او نپذیرفته بود. آنچه می‌خوانید متن کامل نخستین بیانیه کارگزاران سازندگی ایران است.

پای این بیانیه امضای ۱۶ تن قرار داشت. ۱۰ وزیر، دو رئیس سازمان دولتی، شهردار تهران رئیس کل بانک مرکزی و قائم مقام وزیر امور خارجه.

وزرای امضاکننده عبارت بودند از: اکبر ترکان، سیدمحمد غرضی، غلامرضا شافعی، بیژن زنگنه، عیسی کلانتری، سیداسماعیل شوشتری، محمدرضا نعمت‌زاده، مرتضی محمدخان، غلامرضا درویش، محمدعلی نجفی در کنار محسن نوربخش (رئیس بانک مرکزی) غلامحسین کرباسچی (شهردار تهران) سید عطاالله مهاجرانی (معاون پارلمانی و حقوقی رئیس‌جمهور) سید مصطفی هاشمی‌طبا (رئیس سازمان تربیت بدنی) رضا امراللهی (رئیس سازمان انرژی اتمی) و محمد هاشمی (قائم مقام وزیر امور خارجه)

کارگزاران سازندگی ایران به صفت شخصی و حزبی خود در این بیست ساله نشریات بسیاری منتشر کرده‌اند. پس از روزنامه همشهری (که نشریه شهرداری تهران بود) هفته‌نامه بهمن، نخستین ارگان غیررسمی کارگزاران بود که سید عطاالله مهاجرانی معاون وقت رئیس‌جمهوری هاشمی، دو هفته قبل از اعلام موجودیت کارگزاران آن را منتشر کرد. سردبیر این نشریه علیرضا علوی‌تبار بود و فعالیت کارگزاران در آن محوریت اساسی داشت. محسن کدیور و مسعود بهنود از نویسندگان این نشریه هفتگی بودند. «سازندگی» به عنوان ارگان رسمی حزب در این صفحه می‌کوشد با گردآوری و بازنشر همه بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های کارگزاران سازندگی ایران یک بایگانی حزبی ایجاد کند.

متن کامل بیانیه مهم انتخاباتی ۱۶ عضو دولت

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۷ سال پیش، با فروپاشی رژیم ستمشاهی، روزی که ملت سلحشور ایران با گذر از دریای خون و حماسه، جشن انقلاب خویش را گرداگرد شمع وجود مبارک امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه، در سرتاسر میهن اسلام و در وسعت قلب‌های ملتهب پیشکسوتان جهاد و شهادت برپا داشت، به راستی بر این باور بود که با نفخه مسیحائی و هدایت‌های روشنگرانه و گرانقدر امام عظیم‌الشان، پایه‌های حکومتی را بنیان خواهد نهاد که حاصل به ثمر نشستن استقامت‌ها و مولود حق‌طلبی‌ها و مظلومیت‌های فرزندان خویش، در طول دو دهه جهاد مبارزه باشد ملت ایران با دست نیرومند امام و پیشوای هوشمندش به غرس شجره طیبه‌ای همت گماشت که نسل‌های آینده از ثمرات پربار آن برخوردار شوند. درخت تناوری که امروز در غیبت رهبر کبیر انقلاب، نگاهبانی و حراستش به دست باکفایت و اراده بابرکت خلف صالح امام عظیم‌الشان ادامه‌دهنده نهضت جهانی اسلام، سرسلسله مجاهدان و سرحلقه بسیجیان سلحشور، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مد ظله‌العالی قرار گرفته تا ملت‌های مسلمان دنیا در زیر بارش انوار ارشادات الهی و ریزش فیوضات معنوی و هدایت‌های قیمه او متنعم شوند.

سامان سیاسی و تمرین تشکل زجردیدگان و مجاهدان انقلاب، تحت ارشادات حضرت امام (قدس سره) که برخاسته از اعتقاد راسخ و وجدان بیدار و خودآگاهی امت و امام بود، به فرجامی نیک رسید و از بلوغ و پختگی والائی برخودار شد و بدین سان نظام جمهوری اسلامی به دست معمار بزرگ انقلاب تولد یافت. زیباترین و پرمعناترین جلوه حقیقت و ناموس انقلاب – حاکمیت مردم– در چارچوب نظام، در هیبت مجلس شورای اسلامی ظاهر شد و امام بزرگوار لحظه‌ای از تقویت و تایید این نهاد مردمی بازنایستاد، تا بدآنجا که مجلس را که فراهم آمده از الله اکبرهای مردم بود، به نام عصاره فضایل ملت نامید.

تاریخ پرنشیب و فراز ۱۷ ساله انقلاب چه در دوران حیات امام راحل(ره) و چه در ایام پربرکت رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که در چشم تیزبین پیشوایان و راهبران انقلاب در هیچ شرایطی نه تنها از عزت و اقتدار و حیثیت سیاسی اجتماعی نهادی چون مجلس کاسته نشد بلکه همواره بر عمق و ابعاد عظمت آن افزوده گشت و در مقاطع گوناگون بزرگان دین و سیاست علی‌الخصوص روحانیون والامقام و پیشتاز و مسئولیت‌پذیر برای حفظ شان و منزت آن همت والایی را مصروف داشتند، و تحقق مجلسی را که در شان انقلاب باشد، وجهه همت خویش قرار دادند.

در مقام تبیین جایگاه رفیع مجلس و به‌منظور ادای حق‌شناسی و شکرگزاری، ضرورتا باید به نقش بارز و تعیین‌کننده حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که خود از سررشته‌داران نهضت ۱۵ خرداد و «صحابی بلندمرتبه» امام راحل بود، بیش از همه اشاره کرد؛ شخصیت والامقام و دلیرمردی که دوران ۱۵ ساله نهضت را همچون ابوذر، در حبس و زجر و شکنجه و هجرت و غربت به سرآورد و هر روز در مقام پاسداری از کلمه طیبه خمینی که تجلی اسماءالله بود و انعکاسی از روح خدا در کالبد زمان و سرادقی ایمان از اسارتی به هجرتی و از هجرتی به غربتی، رنج روزگار را به‌جان خرید و مهاجر الی‌الله در موکب رهبری غیرتمند و عزت‌بخش انقلاب، نگاهبان فروغ هدایت بود و صیقل‌بخش جهاد مردان بزرگمردی که دوشادوش سید شهیدان انقلاب، شهید مظلوم حضرت آیت‌الله سیدمحمد حسین بهشتی رحمت‌الله علیه و در پیوندی پایدار و اخوتی عمیق با ذخیره انقلاب خمینی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله، به تجدید بنای کعبه آمال ملت مجروح و مظلوم، سلمان‌وار همت گماشت و در هر بحرانی و در چرخش هر گردابی با جانفشانی از حریم ولایت پاسداری کرد و در تحکیم مواضع اصولی انقلاب از جان مایه گذاشت. در شان و منزلت و عزت مجلس شورای اسلامی همین افتخار بس که ولاتش را با «هاشمی» آغاز کرد و دوران بلوغ، رشد و کمالش را با او سپری نمود. هاشمی زنده‌دل ده سال از چنین عمر بابرکتی را در شکل‌گیری و استقرار مرتبت و رفعت مجلس به کار گرفت.

آقای هاشمی رفسنجانی، در طول دوران مسئولیت خویش در مجلس بر اساس اندیشه والا و جامع و درکی درست، نسبت به حفظ تمامی نیروهای زجردیده انقلاب که ضمن دارا بودن دیدگاه‌ها و سلایق شخصی و سیاسی متفاوت، خدمتگزار کشور بودند، همت بلندی را به کار بست و چون پدری دلسوز و مهربان در تالیف و تحکیم و همبستگی مجلسیان و دولتیان از هر خط و ربطی نقش به‌سزایی را ایفا نمود. حمایت‌های گسترده ایشان در دفاع از دولت خدمتگزار و دستگاه‌های اجرایی نظام و همچنین هدایت نظریات و اعتقادات متنوع نمایندگان مجلس به سمت تشخیص، تسجیل و تحقق مصالح انقلاب، زبانزد آن دوران بود و از این رهگذر وزن و شان مجلس را اعتباری دو چندان بخشید.

هاشمی و مجلس دو کلمه مترادفند که اقتدار هر یک مایه عزت دیگری است و هر دو محل امن و امید رهبری نظام و روشنی چشم و قوت قلب ملت ایران.

حال به راستی وقتی نهاد شریف و نیرومندی به نام مقام و مظهر اراده ملت و با اوصافی آنچنان که شرحش برفت، شکل گرفت و ملتقای اندیشه فرهیختگان و شایستگان امت اسلامی شد و اراده شگرف و حقیقت‌بین مردم شاکله وجودی آن را محقق ساخت و عزم ملی بر این تعلق گرفت که این نهاد آینده و سرنوشت ملتی را رقم زند و تداوم حکومت اسلام را در این سرزمین صیانت نماید، با چه جراتی می‌توان چشم توجه و عنایت از این نهاد مهم و حساس برگرفت و در قبال این همه شهادت‌طلبی‌ها و عشق و اخلاص بی‌توجه بود؟ حق‌شناسی از قدر و منزلت ملتی که با اعتمادی به وسعت آحاد مردمش و به عمق دریای پرتلاطم قلب‌های‌شان مجلس را به مثابه سنگری نیرومند برای شکوفایی آزادی و توحید و امامت جهانی نبی اکرم(ص) برگزید. این است که افراد برجسته و کارآمدی به نمایندگی از این ملت در مجلس شورای اسلامی حضور یافته و ایفای وظیفه کنند.

امروز پس از شش سال که از عروج روح بلند و ملکوتی امام راحل(ره) می‌گذرد، ما مجریان صحنه سازندگی و کارگزاران میدان خدمت آمده‌ایم تا تحت لوای ولایت عظمای رهبری برومند و ناخدای سکان عظیم انقلاب، که امر هدایت و سرپرستی ملت ایران را بر دوش پرتوان و شایسته خویش فداکارانه تقبل فرموده است، به ادای وظیفه بپردازیم و در قبال تکلیفی که همواره به انجام آن دعوت می‌شویم، به ندای تاریخی امام پاسخ دهیم.

امروز آحاد ملت هر یک «علی‌قدر منزلتهم» مکلفند براساس ارشادات صریح و دستورات مهم رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله که در دیدار اخیرشان با استانداران محترم سراسر کشور بر شرکت همه‌جانبه و گسترده مردم در انتخابات تاکید فرمودند، در تعیین سرنوشت سیاسی اجتماعی خویش مشارکت نمایند. غفلت از این امر واجب همانگونه که بارها و بارها امام بزرگوار مردم را نسبت بهدان تنبه و هشدار می‌داد و بر مدخلیت و حضور تمام و کمال آنان تاکید می‌ورزید، خبطی عظیم و گناهی نابخشودنی می‌دانیم. معتقدیم، صحنه گسترده انتخابات مجلس شورای اسلامی صحنه شکوهمندی است که آهنگ موزون و مقدس توحید کلمه و کلمه توحید همواره در فضای آن مترنم است و این شکوه و اعتبار و اقتدار ناشی از حضور یکپارچه قاطبه عظیم مردم و همچنین شخصیت‌ها و عناصر ذی‌صلاحی است که از متن ملت برخاسته و در خویش مراتبی از توانمندی‌ها و شایستگی‌ها را سراغ دارند و مصمم‌اند تا به نمایندگی از مردمشان، مدافع ارزش‌های انقلاب و دستاوردهای بلند آن، در تمامی ادوار و از جمله در فراخنای دوران سازندگی باشند. بدیهی است تحقق این امر عظیم و شکوهمندی آن مرهون این دو حضور گسترده است و باید عنایت داشت که بنا به سنت تاریخی و تجربه عقل سیاسی، حضور گسترده و موثر ملت، در گروی حضور نیروهای شایسته مردمی به‌منظور تقبل مسئولیت نمایندگی است، تا از این رهگذر به دور از هر گونه توهم و جبر و انقیاد، بنا به تشخیص و تصمیم خویش و مبتنی بر اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب و رهبری معظم نظام که او را چراغ راه و مشعل فروزان حیات سیاسی خویش می‌دانند، داوطلبان اصلح را برگزینند، کسانی که سرنوشت آینده نظامشان را اسلامی و با عزت رقم زنند.

امروز ما مدیران و خدمتگزاران «سنگر سازندگی» معتقدیم که تضمین حیات باعزت و اقتدار جامعه بزرگ اسلامی ایران در پرتو اتحاد نیرومند همه اقشار و گروه‌های مردم، گرد محور عظیم ولایت و با اتکای گسترده بر حضور خادمانه روحانیت زنده‌دلی حاصل می‌شود که در طول مبارزات ستم‌شاهی و همچنین در ایام دفاع مقدس در صحنه‌های نبرد با دشمن، در تشویق و ترغیب جوانان غیور لحظه‌ای نیاسود و راحت را بر چشم خویش حرام کرده و با شهادت ابناء خویش، استقلال و عزت اسلامی‌مان را صیانت و حفاظت کرد.

درخشش و پیروزی و بهروزی نسل‌های آینده و فرزندان ما ریشه در چنین انسجام عمیقی میان مردم و روحانیت و مسئولین دارد که امروز باید بیش از پیش بر صلابت و استحکامش تاکید کرد و تمامی عوامل مخل به این همبستگی را با کفایت تمام از حیز قدرت و انتفاع ساقط ساخت.

تحقق وحدت ملی زیر سایه‌سار ولایت و چتر حمایت او ضرورت تاریخی زمان ماست و عزت و سربلندی ملت نیز در رهان تجلی شکوهمند آن که باطلبع توان انسانی و مکنت و مکانت مدیریتی نظام، قوت مضاعف خواهد یافت و بدانیم که «سازندگی و توسعه» و تحقق ایرانی آباد و سرافراز با پیشانی بلند سعادت اسلامی, کمترین نمره و نتیجه‌ای است که بدان بشارت داده خواهیم شد.

امروز عزت اسلامی ما، اقتدار و شکوه ملی ما، توسعه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ما، منوط به حضور شایسته همه نیروهای مردمی در صحنه انتخابات و احراز کرسی نمایندگی ملت توسط شایسته‌ترین شخصیت‌های کارساز و جامع‌ترین نیروهاست که دل در هوای اسلام ناب محمدی داشته و جنگ هفتاد و دو ملت را عذر نهاده، در مسیر تحقق عدالت اجتماعی متواضعانه و به دور از هر گونه هیاهو، برای ایجاد شرایط بهتر زندگی مردم دل‌سوخته، دل سوزانده‌اند و لحظه‌ای از تلاش و کوشش در مسیر احیای توانایی‌ها و استعدادهای نهفته این سرزمین نایستادند. حق این است که در این دوران پرتلاطم و حادثه که هر روز از سوی دشمن به بهای آزادی و تاوان استقلال و عزت خویش، آزار می‌بینیم و در صدر سپاه کفر، آمریکای جنایتکار پرچم تهاجم فتنه و شبیخون را در اهتزاز برافراشته و لحظه‌ای بر زمین ننهاده است و علیه دولت و مردم، تضییقات و تحمیلات فروانی را برای در هم شکستن استخوان ملت فراهم می‌آورد، بکوشیم تا مجلس را کانون گرم و پرجنب و جوش و تحرک اجتماعی، سیاسی در سطح کلان مسائل ملی نگه داریم و با اندیشه‌های والای تداوم سازندگی و توسعه، بقای نظام و استقلال کشور را در پرتو قوتمندی و تجهیز ملت به‌منظور مقابله با ترفندهای نوین خصم، که همانا درگیری و جنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، آماده کنیم.

ایرانی آباد و نیرومند و توسعه‌یافته، اقتصادی توانا و سالم و مستحکم، فرهنگی غنی و پاک و بی‌آلایش برای رویارویی با تهاجمات فرهنگی دشمن، رفاه و آسایش عمومی و ترمیم جراحت‌ها و خستگی‌های بازمانده از جنگ و اندوه‌زدایی از قلب رئوف ملت نجیب و شریف، تقویت همبستگی اجتماعی و سیاسی و... همه و همه شاخص‌ها و اهرم‌ها و سلاح‌های نیرومندی است که طبق سنت جاری پرودگار در برابر آن دشمن به زانو درخواهد آمد.

ما مدیران خدمتگزار مردم که به دور از هر وابستگی حزبی، تنها با ابتناء بر این حقیقت که عامل مهم خدمت به مردم همبستگی توانمندی را به محوریت مرد بزرگ صحنه‌های جهاد و اجتهاد، شکل داده است برای ادای وظیفه در این صحنه اعلام حضور می‌نماییم. حضور برای تکمیل و تتمیم رسالت چهره منظور و بلندمرتبه‌ای که بازوی توانای رهبری معظم انقلاب است و آموزش‌دیده مکتب آموزگار بزرگ زمان، همو که به حق سردار سازندگی، عاشق و دلباخته مردم و خادم راستین ملت است.

ما بر این باوریم که با حضور چهره‌های درخشان روحانی و اجرایی کشور که دوشادوش در سنگر قانونگذاری مجلس خدمات و سوابق و تجارب ارزشمندی را به همراه دارند ملت ما

بیانیه‌ی اعلام موجودیت کارگزاران در ۲۷ دی ۷۴ به امضای این ۱۶ نفر رسیده بود

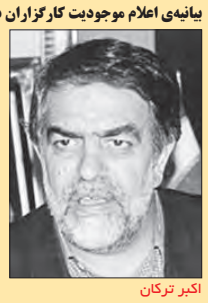
اکبر ترکان
وزیر دفاع دولت هاشمی
بعدا به حزب اعتدال و توسعه و دولت روحانی پیوست

سیدمحمد غرضی
وزیر مخابرات دولت هاشمی
در سال ۷۶ برخلاف کارگزاران به ناطق‌نوری رای داد و در سال ۹۲ مقابل حسن روحانی بود

غلامرضا شافعی
وزیر تعاون دولت هاشمی
به عنوان یک بوروکرات با دولت‌های بعد از هاشمی همکاری کرد

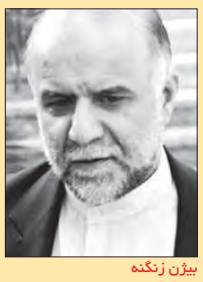
بیژن زنگنه
وزیر نیرو در دولت هاشمی
از مدیران موفق دولت خاتمی بود که با اصرار روحانی به دولت بازگشت

عیسی کلانتری
وزیر کشاورزی دولت هاشمی
گرچه هنوز به کارگزاران نزدیک است اما خود بعد خانه کشاورز را پایه گذاشت

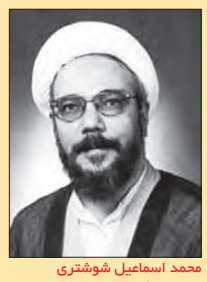
محمد اسماعیل شوشتری
وزیر دادگستری دولت هاشمی
سال‌هاست از فعالیت سیاسی علنی خودداری می‌کند

محمدرضا نعمت‌زاده
وزیر صنایع دولت هاشمی
رئیس ستاد روحانی در انتخابات ۹۲ شد و همان وزارت قبلی را عهده‌دار شد

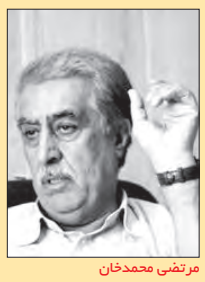
مرتضی محمدخان
وزیر اقتصاد دولت هاشمی
وقتی محافظه‌کاران به نوربخش رای ندادند جایگزین او شد اما سال‌هاست که فعال نیست

غلامرضا فروزش
رئیس وزیر جهاد سازندگی
هنوز همراه هاشمی است و امور اجرایی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام را برعهده دارد

محمدعلی نجفی
وزیر آموزش و پرورش هاشمی
چهره محبوب دولت‌های هاشمی، خاتمی و روحانی شد اما بیماری قلبی مانع از تداوم مسوولیتش شد

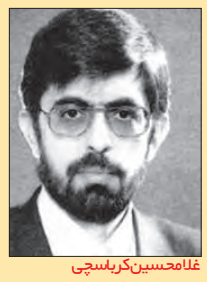
غلامحسین‌کرباسچی
شهردار تهران در دولت هاشمی
پس از دولت هاشمی برای ده سال انفصال از خدمات دولتی محکوم شد

سیدعطاءالله مهاجرانی
معاون پارلمانی و حقوقی هاشمی
در مقام وزیر فرهنگ خاتمی سخنگوی دولت هم شد اما ناگزیر به استعفا شد

محمد هاشمی
قائم مقام وزارت خارجه در دولت هاشمی
رئیس دفتر سیاسی حزب کارگزاران و از راسخ‌ترین مدافعان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی است

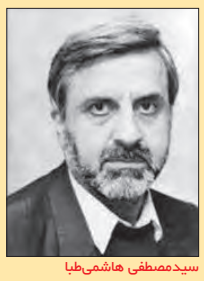
سیدمصطفی هاشمی‌طبا
رئیس سازمان تربیت بدنی در دولت هاشمی
از کارگزاران فاصله گرفت و در سال ۸۰ خود نامزد ریاست‌جمهوری شد

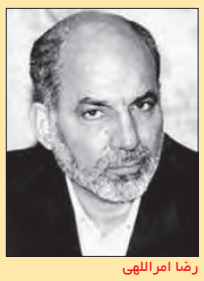
رضا امراللهی
رئیس سازمان انرژی اتمی در دولت هاشمی
عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران است

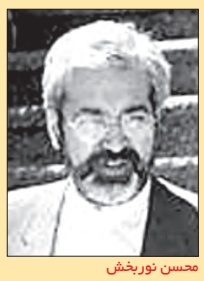
محسن نوربخش
رئیس بانک مرکزی در دولت هاشمی
پایه‌گذار اندیشه اقتصاد آزاد در دولت بود اما فوت ناگهانی‌اش به کارگزاران صدمه زد

هاشمی و مجلس دو کلمه مترادفند که اقتدار هر یک مایه عزت دیگری است و هر دو محل امن و امید رهبری نظام و روشنی چشم و قوت قلب ملت ایران.

هفته‌نامه بهمن: نخستین ارگان کارگزاران

خواهد توانست خط‌مشی سازندگی و توسعه را که ریاست محترم جمهوری طبق منویات رهبری معظم انقلاب آغاز نموده، به فرجام و نیکی رساند. تداوم این راه، یگانه راه‌حل و طریقتی است که موجبات تقویت بنیان‌های انقلاب و ارکان نظام را فراهم خواهد آورد و بر عزت و سرافرازی امت خواهد افزود.

اجرای موفق برنامه اول توسعه، کارنامه درخشان سال‌ها تلاش و جهاد مستمر در ساحت اجتماع و فرهنگ، اقتصاد و صنعت تحت مدیریت باکفایت جناب آقای هاشمی رفسنجانی، به‌منظور تقدیر معیشت مادی و تدبیر امور معنوی مردم و تاکید بر ادامه همین راه، یعنی اجرای برنامه دوم توسعه، شاهدی بر حصول نتیجه قطعی و تحکیم زیرساخت‌ها و مبانی کشور خواهد بود.

ملت ما امروز با آگاهی دینی و شعور سیاسی زایدالوصفی دریافته‌اند که شعار حمایت از هاشمی فی‌الواقع همان شعار فطری و قلبی مردم برای سازندگی و توسعه ایران اسلامی است. حمایت از هاشمی تنها بیان ارادتمندی صرف کسی نیست. حمایت از هاشمی توصیف و تشریح تداوم‌بخشی خط روشن آرمان‌ها و اهداف بلند انقلاب خمینی(ره) و پاسخگویی به منویات مقدس مردم و رهبری و روحانیت عضیم‌القدر است. حمایت از هاشمی یک لفظ نیست و نباید به حصارهای تنگ‌حزبی و جناحی گرفتار آید. شعار حمایت از هاشمی نباید تنها در بهره‌وری‌های تاکتیکی مبارزات انتخاباتی محصور و محدود شود.

تحدید و حصر شخصیت آقای هاشمی رفسنجانی در قالب جزمیت‌ها و اندیشه‌های گروهی و جناحی به همان اندازه خطا و جفاست که بخواهیم سنگر مجلس شورای اسلامی را در حد و حصر گروه‌ها قرار دهیم؛ گروه‌هایی که تنها بخشی از توانمندی‌های ملت را دارا هستند و حق این است که مجلس نیرومند پنجم، برخوردار از تمامی قدرت‌ها و فضایل ملت باشد، سرشار از همه شایستگی‌ها و پربار برای هدایت جامعه اسلامی ایران.

ما مجریان و کارگزاران نظام بر این باوریم که مجالس اول تا چهارم در حد کفایت همواره بهره‌مند از وجود و حضور نمایندگانی بوده است که در مقام تثبیت ارزش‌های انقلاب و نظام گام‌های مهمی برداشته و به تدبیر سیاست‌های عمومی کشور پرداخته و تا حد رضایت‌بخشی در جهت تنقیح برنامه‌های توسعه پیشنهادی دولت خدمتگزار به ادای وظیفه ملی و قانونگذاری خود اهتمام ورزیده‌اند. لکن امروز که نیازهای مبرم دوران اولیه انقلاب برآورد شده است و پایه‌های نظام در عالی‌ترین وضع ممکن تثبیت گشته و موجودیت انقلاب و نظام را تهاجمات و خطرات خارجی تهدید نمی‌کند و کشور از ناحیه دشمن بیرونی تا حد اطمینان‌بخشی از نگرانی رهیده و عمده مقدورات و امکانات او در مسیر تضعیف پایگاه اقتصادی و قدرت سازندگی و بالندگی کشور متمرکز گشته و به کار گرفته می‌شود. باید سلاح کارآیی و خبرویت خویش را به سوی خطراتی نشانه رویم که در لباس عدم توسعه‌یافتگی ظهور خواهد یافت و با تقویت سیاست‌های اقتصادی و بهبود ساختار اجتماعی و تعمیم و تقویت اعتماد عمومی مردم نسبت به دولت خدمتگزار، علاقه و عقیده آحاد ملت را به قدرت، کفایت و صلاحیت خویش برای اداره حکومت اسلامی بیشتر نماییم و این مهم میسر نیست مگر اینکه علاوه بر حضور شایستگان از نمایندگان فعلی مجلس، با استفاده از فرصت ارزنده و میدان موسعی که به فرموده و با عنایت و هدایت‌های مقام معظم رهبری فراهم گردیده، صلحاء بخش اجرایی و تخصصی نظام و اصلح کارشناسان ارشد در صحنه رقابت‌های سالم انتخاباتی حضور یافته تا با مشارکت چنین نیروهای لایق و تلاشگر که صادقانه در مسیر تحقق اهداف توسعه و رشد و شکوفایی مدنیت اسلامی می‌کوشند و بنا به تشویق و راهنمایی اخیر رهبر عظیم‌الشان و به اعتبار احراز شرایط و صلاحیت‌های لازم در خود، قصد ادای تکلیف و داوطلبی و پاسخگویی به دعوت رهبرشان را دارند، سرمایه‌های سنگین مکتسبه ملی را برای مقابله با دنیای پرآشوب و فرهنگ‌های منحط زمانه، در صحنه‌های تنازع بقاء جهانی به میدان آوریم و بر قدرت و کفایت مجلس بیافزاییم. و مسلم اینکه مردم هوشمند ما با فراست خاص خویش در صحنه تنگاتنگ رقابت‌ها، چنین خدمتگزارانی را شناخته و از آنها برای موفقیت بیشتر و حضور در مجلس حمایت خواهند کرد.

بدیهی است مجلس پنجم، با اتکال به لطف پرودگار متعال و با بهره‌گیری از حجت بالغه الهی برای مقابله با دشمنان اسلام و ایران، نقطه عطفی خواهد بود که نیروهای کارآمد و تحت امر سردار صحنه سازندگی و توسعه به نهاد قانونگذاری کشور ملحق شوند و توان ملی را مضاعف سازند و زمینه رشد و بالندگی نظام را در بستر توسعه و تعمیم عدالت اجتماعی مبتنی بر اهداف بلند رهبری معظم انقلاب و راهنمایی‌های مشفقانه روحانیت دلسوز و صادق، فراهم سازند.

مردم شریف و عزیز ما در سراسر میهن اسلامی روز ۱۸ اسفند با اتکا بر روشن‌بینی و توجه به حقایق ملموس روزگار خویش در عرصه بلند و وسیع انتخابات در بسیجی عظیم، فراسوی هم آمده و با داوری درست، به انتخاب داوطلبان اصلح می‌پردازند و در ادای دین خویش به پیام امام عظیم‌الشان که فرمود: «مجلس امروز مواجه است با دنیای پرآشوب و سیاسی پیچیده و فرهنگ‌های غربی و شرقی و صحنه‌های تنازع بقاء بین‌المللی و چنین مجلسی باید انباشته از مطلعین و دانشمندان و متخصصان هر رشته باشد.

پاسخی به موقع و شایسته خواهند داد. آنها با انتخاب شایسته‌ترین افراد، عملا پایداری «**عزت اسلامی – تداوم سازندگی – آبادانی ایران**» را تضمین خواهند کرد.

امید آنکه در پاسخ به فرمان و حکم رهبر بزرگ و سمبل عظیم‌القدر وحدت ملی، مرزبان حریم دین و سیاست چهره‌های خدوم و تلاشگری که شایستگی احراز مسئولیت نمایندگی ملت را در خویش می‌یابند و دارای سوابق درخشان سیاسی و اجرایی در مقام خدمت به مردم عزیز هستند و صداقت و دلسوزی‌شان بر این حقیقت دلالت می‌نماید، به صحنه فرا آیند و با حضور شکوهمند خویش، آینده درخشان و توسعه روز افزون ایران اسلامی را نوید دهند.

والعاقبه‌للمتقین

۱۳۷۴/۱۰/۲۷

هر دو مخالف برخورد با آیت‌الله منتظری بودیم

نخستین جلد خاطرات آیت‌الله هاشمی پس از درگذشت ایشان به حوادث سال ۱۳۷۳ به‌خصوص تغییر و تحول در نهاد مرجعیت شیعه اختصاص دارد

سرگه بارسقیان
روزنامه‌نگار

اولین کتاب خاطرات آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی در فراق او منتشر شد. وقتی محسن هاشمی‌رفسنجانی مدیر دفتر نشر معارف انقلاب داشت یادداشت آغازین کارنامه و خاطرات پدرش در سال ۱۳۷۳ را می‌نوشت ۴۰ روزی از درگذشت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس‌جمهور آن سال‌ها می‌گذشت. «صبر و پیروزی» از این نظر اولین کتاب از روزنوشت‌های هاشمی است که در غیاب او منتشر شده و فرزند ارشدش از این رو روزنوشتی از ایام درگذشت پدرش نوشت: «غروب روز نوزدهم دی‌ماه ۱۳۹۵ به منزل باز می‌گشتم که محافظان تماس گرفتند و گفتند که حال پدرم نامساعد است و او را به بیمارستان منتقل کرده‌اند. به بیمارستان که رسیدم، تیم پزشکی در حال انجام عملیات احیا بودند. بعد از حدود نیم ساعت، زمانی که اظهار می‌کردند هیچ امیدی نیست، با مشورت پزشکان محترم، آقایان هاشمی وزیر بهداشت و درمان، زالی رئیس سازمان نظام پزشکی و طباطبایی رئیس واحد پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی تهران، خواستم عملیات احیا متوقف شود. ایشان در سن ۸۲ سالگی، به جز قند محدود و کنترل شده، سابقه بیماری خاصی نداشتند و در سلامتی بودند. او به ما آموخته بود در برابر ابتلائات و ناملایمات، صبور و قوی باشیم و در هر حال، خدا را ناظر بر اعمال خود ببینیم. پیکرشان را به جماران منتقل کردیم و حسینیه برای مراسم وداع مردم آماده شد.»

میراث مکتوب هاشمی‌رفسنجانی که به دست فرزندانش رسیده شامل ۳۵ سررسید از خاطرات روزنوشت ایشان از ابتدای سال ۱۳۶۰ تا یک روز قبل از رحلت در ۱۹ دی ۱۳۹۵ است؛ از این تعداد ۱۳ کتاب منتشر شده و یک جد هم همین کتاب کارنامه خاطرات سال ۱۳۷۳ است که توسط خودشان بازبینی و آماده‌سازی شده بود. دفتر نشر معارف انقلاب جز آن بیش از ۱۰۰ کتاب جنبی هم آماده کرده که مجموعه خطبه‌ها و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های ایشان در طول سال‌های مختلف است.

سال ۱۳۷۳، اولین سال دولت دوم سازندگی است. به تعبیر فرزند رئیس‌جمهور، وقت سالی که «قطار بازسازی کشور با سرعت باورنکردنی پیش می‌رفت.» سالی که قطار راه آهن بندرعباس–بافق حرکت کرد و با آن آرزوی اتصال بازارهای بکر آسیای میانه به دریای آزاد محقق شد. سد ۱۵ خرداد افتتاح کرد، اولین شبکه تلفن همراه تهران شروع به کار شد، مجتمع عظیم پتروشیمی بندر امام با ۱۱ کارخانه تولیدی، وارد مدار صنعت شد، نیروگاه سیکل ترکیبی کازرون، نیروگاه بزرگ بیستون کرمانشاه و نخستین نیروگاه بادی کشور در رودبار افتتاح شد. کشور از لحاظ نیازهای پروتئینی به خودکفایی رسید. دیگر گوشت، پنیر و بسیاری از محصولات لبنی وارد نمی‌شد. بیش از ۹۵ درصد داروهای مورد نیاز کشور در داخل ساخته می‌شد. تولید نفت خام به ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز رسید که به طور متوسط روزانه ۲ میلیون و ۳۴۳ هزار بشکه به خارج صادر شد. سهم یارانه‌ها و دیگر کمک‌های دولتی در کل بودجه به ۲۱ درصد رسید. میزان صادرات کشور که در ابتدای دولت سازندگی، کمتر از یک میلیارد دلار بود به پنج میلیارد رسید؛ با اینکه جمعیت کشور از ۳۵ میلیون نفر به ۶۲ میلیون نفر بالغ شده و مصرف کشور هم بهبود یافته بود. برای تکمیل نیروگاه بوشهر پس از یأس از برگشت آلمان با روسیه مذاکره شد و نهایتا قرارداد تکمیل آن در سال ۱۳۷۳ منعقد شد.

در ضمایم کتاب مکتوبات پدر – فرزندی آمده که نامه محسن هاشمی مسئول دفتر بازرسی‌ویژه‌رئیس‌جمهوربه هاشمی‌رفسنجانی و پاسخ پدر به ایشان است. محسن هاشمی در نامه‌اش در روز ۲۲ بهمن ۱۳۷۳ خطاب به پدر نوشت: «حال که گزارش بازرسی ویژه را جدی نگرفته‌اید، تقاضا دارم نه به خاطر من، بلکه به خاطر مشکلات اقتصادی کشور، دستور فرموده و نظارت کنید که حداقل اولویت‌های تصویبی در مجمع مترو اجرا گردیده، تا در سال ۷۶ شاهد راه‌اندازی بخشی از مترو باشید. باعث تاسف است که هیچ وقت نتوانستم رودرروی شما مسائلم را به بحث جدی بگذارم و فقط به دادن توضیحات پرداختم. البته این خوشبختانه به علت کم‌رویی و عدم اعتماد به نفس نیست بلکه ابهت شما و احترام پدرانه مرا دچار مشکل نموده است.» پاسخ پدر که روز ۶ اسفند نوشته شد از این قرار است: «مسئله مترو بعد از انقلاب فوق‌العاده پیچیده و مشکل شد. اوایل با شیطنت عواملی از کمونیست‌ها که هنوز در خیلی از جاها نفوذ داشتند و با استفاده از روحیات خاص انقلابیون آن زمان که با اینگونه طرح‌های پر خرج آن هم در تهران و آن هم به دست خارجی‌ها مخالف بودند به عنوان یک اقدام انقلابی لغو شد... با آن همه منفعت مترو و با آن همه خسارت نداشتن مترو، یکی از اصول مورد توجه آن روز و امروز من این بوده و هست که هرچه زودتر این طرح به ثمر برسد، به صلاح است و با آن همه مخالفت که وجود داشت خوف داشتیم که اگر محدود شروع کنیم، در همان حد بماند و هنوز هم این خطر رفع نشده است. بنابراین وسعت دامنه کار حساب شده بوده و هست شجاعت و بی‌پروایی مدیر فعلی، جزو امتیازات کار است و به همین دلیل حمایت شد.» محسن هاشمی که از سال ۶۹ تا ۷۶ عضو عیات مدیره شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه (مترو) بود از سال ۷۶ به بعد رئیس هیات مدیره و مدیرعامل مترو شد و در دوران او بود که رویای متروی پایتخت محقق شد.

در این سال اتفاقات سیاسی متعددی چون سقوط هواپیما و شهادت فرماندهای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، رحلت یادگار امام حجت‌الاسلام سید احمد خمینی، رحلت آیت‌الله‌العظمی اراکی و مسأله مرجعیت، تصویب قانون ممنوعیت ماهواره، پیشروی آب دریای خزر، بلوای قزوین و... رخ داد که هاشمی دیده‌ها و شنیده‌هایش را از این رخدادها به رشته تحریر درآورده است.

یکشنبه اول آبان ۱۳۷۳؛ هاشمی‌رفسنجانی در یادداشت‌های روزانه اش درگذشت آیت‌الله‌العظمی اراکی را قریب الوقوع می‌داند:« شب میهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودم، درباره حال آیت‌الله [محمدعلی] اراکی که در بیمارستان قلب بستری است و احتمال فوتشان زیاد است، صحبت کردیم؛ مسئله مرجعیت بعد از ایشان و لزوم تقویت قم در مقابل نجف و راه‌های وصول به این هدف.» روز نهم آبان سران سه قوه در دفتر آیت‌الله یزدی رئیس قوه قضائیه جلسه داشتند: «درباره مرجعیت بعد از آقای اراکی، نامه آیت‌الله منتظری به جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] و جواب آنها، فشارهای خارجی و تحرکات جریان چپ داخلی مذاکره کردیم.» روز ۱۶ آبان بعد از نماز صبح علی‌محمد بشارتی، وزیر کشور تلفن کرد و خبر درگذشت آیت‌الله اراکی را همراه با پیشنهاد تعطیلی آن روز می‌دهد و هاشمی هم در تماس با آیت‌الله خامنه‌ای این خبر را به ایشان می‌دهد و راهی بیمارستان قلب می‌شود که «در بیمارستان هیچ علامتی از عزا و مرگ ندیدم، داخل شدم. پسر آقای اراکی به استقبال آمد. خواستم تسلیت بگویم، دیدم لبخند بر لب دارد. جمله را با عبارت: «خداوند به شما...» شروع کردم، با دیدن لبخند او تردید کردم و به جای صبر بدهد گفتم زحمت درست کرده! با هم به طرف تخت آقای اراکی رفتیم. دیدم زنده‌اند؛ خوشحال شدم و از خبر نادرست آقای بشارتی تعجب کردم. احوالپرسی نمودم. معلوم شد حالشان خوب نیست. به دفتر رفتم. جریان را تلفنی به آیت‌الله خامنه‌ای گفتم. ایشان هم مثل من از خبر آقای بشارتی ناراحت شدند و گفتند آقای محمدی گلپایگانی را به بیمارستان فرستاده‌اند و خبر فوت را به اطرافیان داده‌اند و نیمی از اطلاعیه شان را نوشته‌اند. من هم تسلیتی خطاب به رهبری نوشته بودم! به آقای بشارتی تلفنی عتاب کردم. گفت نیمه شب خبر مرگ رسید.آقایان [محمدرضا] نقدی و [یوسف رضا] ابوالفتحی به بیمارستان رفتند و خبر را تایید کردند و من هم اول وقت به شما اطلاع دادم و جای دیگری نگفتم. قرار شد تعقیب کنیم. خبر در بین مسئولان سطح بالا پخش شده است، لذا صداو سیما خبر وخامت حال و رویه بهبود را پخش می‌کند.» ششم آذر بین رهبری و رئیس‌جمهوری درباره اصرار خانواده آیت‌الله اراکی برای بردن او به خارج از کشور صحبت می‌شود: «در عین مخالفت اطبا که بی‌اثر می‌دانند – آقای خامنه‌ای هم با اینکه مخالفند نمی‌خواهند دخالت کنند.» ساعت ۱۰ شب ۸ آذر دکتر [علیرضا] مرندی اطلاع می‌دهد که حال آیت‌الله اراکی وخیم است و ساعت ۱۱ خبر داد که ایشان به رحمت ایزدی پیوسته‌اند: «گفتم فردا را تعطیل و یک هفته عزای عمومی اعلام کنند. پیام من خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای را بخوانند. این پیام را چند روز پیش، به دنبال اخبار آقای بشارتی نوشته بودم.»

تشییع جنازه روز ۹ آذر با حضور هاشمی برگزار شد:«خانواده ایشان دورم جمع شدند. از محبت‌های من ممنون بودند و از اینکه این مرگ در سفر به انگلستان واقع نشد، اظهار خوشحالی کردند. قرار بود برای معالجه، به زودی به انگلستان بروند و گفتند روح ایشان خیلی از بیگانه و به خصوص انگلیس متنفر بوده و تعجب است چرا با این اطلاع می‌خواستند برخلاف نظر پزشکان ببرند.» به فاصله دو روز بعد احمد جنتی در نماز جمعه تهران صریحا روی مرجعیت آیت‌الله خامنه‌ای تبلیغ و تاکید کرد «که با نظراتی که رهبری با من در میان گذاشته بودند، نمی‌سازد. چون مایل نبودند از تریبون‌های رسمی و به خصوص آنها که به خودشان مربوط است تبلیغ شود؛ حتی به نوعی در بیانیه‌ای که برای وفات آیت‌الله اراکی صادر کردند، مرجعیت را به علمای قم حواله دادند. شاید این دو روز با اصرار دیگران، تغییری در نظرشان پیش آمده که من نمی‌دانم و یا اینکه بدون کسب موافقت ایشان، اقدام شده باشد. موارد دیگری هم در تریبون‌های دیگر نماز جمعه و اظهارات علما پیش آمده؛ مثل اظهارنظر آقای [محمد] یزدی و بعضی از علمای حوزه‌ها و بلاد که در رسانه‌ها هم آمده است.» فردای آن روز جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز اسامی جمعی از علما را به عنوان افرادی که دارای صلاحیت مرجعیت هستند منتشر می‌کند که نام آیت‌الله خامنه‌ای هم در لیست بود. به نوشته هاشمی «این باعث خوشحالی علاقه‌مندان به رهبری و باعث خشم دیگران شده است.»

روز ۱۳ آذر علی اکبر ولایتی وزیر خارجه پس از سفر به قم همراه با علی لاریجانی رئیس سازمان صداوسیما و ملاقات با اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گزارشی از قرار دادن نام آیت‌الله خامنه‌ای در لیست ذی‌صلاحان مرجعیت ارائه داد.

بعد از رحلت آیت‌الله اراکی، بار دیگر مسئله مرجعیت آیت‌الله منتظری توسط عده‌ای از علمای حوزه مطرح شد. بعد از آن گروهی از طلاب به بیت ایشان حمله کردند و در روز سوم دی ماه ۱۳۷۳ یورش مجدد به محل درس و شکستن تریبون و لوازم حسینیه و تهدید شاگردان انجام شد. هاشمی در خاطراتش می‌نویسد که در جلسه شورای‌عالی امنیت ملی (۳ دی ۷۳) اعتراضات جمعی از طلبه‌های قم به آیت‌الله منتظری مطرح شده و او به وزارت کشور و اطلاعات گفته جلوی شلوغی را بگیرند و حتی علی فلاحیان، وزیر اطلاعات هم خبر داد که آیت‌الله خامنه‌ای هم از این اقدام طلاب اظهار نارضایتی کرده‌اند. فردای آن روز این موضوع در گفت‌وگوی هاشمی با رهبری هم مطرح می‌شود: «هر دو مخالف بودیم و پیام فرستاده بودیم که مهار شود.»

در آن ایام البته تبلیغات منفی علیه آیت‌الله سیستانی هم از تریبون‌های رسمی شنیده می‌شد: «دکتر روحانی [دبیر شورای عالی امنیت ملی] آمد. درباره مسائل زیادی، از جمله ضعف‌ها و مشکلات وزارت اطلاعات، مسائل مرجعیت و نحوه تبلیغات جاری و نادرست بودن تبلیغات منفی آن هم از تریبون نماز جمعه تهران در مورد آقای سیستانی، انتخابات مجلس و ریاست جمهوری آینده صحبت کردیم.»

یک روز پس از درگذشت آیت‌الله اراکی جامعه روحانیت مبارز تهران با صدور بیانیه‌ای حضرات آیات خامنه‌ای، فاضل‌لنکرانی و میرزا جوادآقا تبریزی را به عنوان علمای جایزالتقلید اعلام کرد. در بیانیه این تشکل دینی ـ سیاسی پایتخت آمده بود: «اسامی آیات عظام و فقهای والامقامی که تقلید از آن بزرگواران جایز و عمل به فتاوی آنان صحیح و مبرءالذمه می‌باشد اعلام می‌دارد... قابل ذکر است که هر سه نفر از این آیات عظام، بقای تقلید بر مجتهد میت را جایز می‌دانند و آن افرادی که احیانا دسترسی به بخشی از فتاوای مرجع تقلیدشان نداشته باشند می‌توانند طبق فتوای مجتهد میت مثلا مانند امام خمینی عمل نموده و نگرانی برای عدم انتشار رساله عملیه نداشته باشند.»

فردای آن روز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با صدور بیانیه‌ای اسامی هفت نفر از علمای کشور را به عنوان مراجع جایزالتقلید اعلام کرد. علاوه بر سه مجتهد مذکور در لیست جامعه روحانیت، نام حضرات آیات عظام محمدتقی بهجت، حسین وحید خراسانی، سید موسی شبیری زنجانی و ناصر مکارم شیرازی در لیست مورد نظر این نهاد حوزوی به چشم می‌خورد. بعدها اعلام شد که اسامی این لیست به ترتیب آرای موافق آنها در جلسه جامعه مدرسین نوشته شده بود.

لیست جامعه مدرسین از لیست جامعه روحانیت کامل‌تر بود، اما باز هم نام چند نفر از علمای بزرگ قم و نجف که مقلدین قابل توجهی داشته و دارند در فهرست جامعه مدرسین نبود. افرادی همچون آیت‌الله سید علی سیستانی، آیت‌الله حسینعلی منتظری، آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله یوسف صانعی و آیت‌الله حسین نوری همدانی که غیبتشان در فهرست اعلام شده حرف و حدیث‌هایی را در پی آورد.

منشور سازندگی و آزادی

سند مواضع حزب کارگزاران سازندگی ایران/ بخش اول

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم
لااکراه فی‌الدین قدتبیّن الرشد من الغی
هیچ اجباری در دین نیست چرا که راه از بیراه روشن است
سوره‌ی بقره آیه ۲۵۶

پیش‌گفتار

در ارزش‌ها و روش‌های حزب کارگزاران سازندگی ایران: حزبِ برنامه محور

«کارگزاران سازندگی ایران» حزبی است سیاسی و قانونی، برآمده از آرمان‌های انقلاب اسلامی که می‌کوشد در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با فعالیت تشکیلاتی به بهبود و اصلاح مدیریت کشور و حاکمیت اصول «حکمرانی خوب» کمک کند. ما یک حزب سیاسی هستیم و سیاست‌ورزی مسالمت‌آمیز را بهترین راه اصلاح امور کشور می‌دانیم. ما معتقدیم نهاد انتخابات به عنوان نماد دموکراسی بدون نهاد تحزب، ناتمام است اما فعالیت انتخاباتی را تنها شکل فعالیت حزبی نمی‌دانیم.

ما معتقدیم گرچه «اساس» حکومت باید بر «رضایت» جامعه باشد و گرچه «استقرار» حکومت باید با «انتخاب» ملت صورت گیرد اما «تداومِ» مشروعیت حکومت فقط با رضایت جامعه از عملکرد دولت ممکن است. بر این اساس سیاستمداران نباید تنها به انتخابات یا دیگر فرآیندهای مشارکت سیاسی فکر کنند بلکه با توجه به اصول «حکمرانی خوب» باید کشور را به صورتی اداره کنند که کارآمدی دولت‌ها موجب تداوم و توسعه‌ی مشروعیت حکومت‌ها شود. از این‌رو به نظر ما احزاب سیاسی ضمن طرح مباحث سیاسی و فکری و انتخاباتی باید برای اداره‌ی دولت و کشور «برنامه» داشته باشند و مقدم بر «ایدئولوژی»های ذهنی با پیشنهادی «برنامه»های عینی کشور را به سوی توسعه، عدالت و آزادی هدایت کنند. درست به همین علت است که ما از جمع فکر «تکنوکراسی» و «دموکراسی» حمایت می‌کنیم و به همین دلیل است که ما «کارگزاران سازندگی ایران» در این منشور به جای مباحث کلان فلسفی و نظری به نسبت نهاد دولت به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اداره‌ی جامعه با دیگر نهادهای عمومی (دین، اقتصاد، جامعه، قانون و سیاست) پرداخته‌ایم. ما خود را حزبی «برنامه‌محور» می‌دانیم و سعی داریم در این منشور، اصول و قواعد سیاسی و فکری خود را در صورت کسب قدرت و اخذ رأی ملت در نسبت با همه‌ی ارکان و نهادهای اجتماعی روشن کنیم. «کارگزاران سازندگی ایران» از آن‌جایی که خود را یک حزب سیاسی می‌داند نه ایدئولوژیک، برنامه‌ی اصلی خود را تشکیل یا تقویت یک «دولت خوب» می‌داند و منشور خود را بر این اساس به رابطه‌ی نهاد دولت با نهادهای اجتماعی دیگر اختصاص داده است. این اصول چهل‌گانه مانیفست (سند مواضع) حزب ما را تشکیل می‌دهد و مبنا و معیار هر نوع سیاستگذاری، برنامه‌نویسی، مبارزه‌ی انتخاباتی و فعالیت مدنی ما در «کارگزاران سازندگی ایران» در درون یا بیرون از حاکمیت خواهد بود.

گفتار یکم

در اندیشه‌ی سیاسی حزب کارگزاران سازندگی ایران/ رابطه‌ی دولت و ملت: حزب آزادی‌خواه معتدل

«کارگزاران سازندگی ایران» یک حزب «آزادیخواه معتدل» است.

به باور ما تاریخ تحزب در ایران از وجود احزاب میانه‌رو، آزادیخواه و معتدل به معنای جدید آن در اندیشه سیاسی تهی یا دست‌کم فقیر بوده است. درواقع عمده‌ی احزاب ایران یا رادیکال بوده‌اند یا محافظه‌کار، یا چپ‌گرا بوده‌اند یا راستگرا. در مواردی که از صدر مشروطیت تا امروز احزاب معتدل و میانه‌رو شکل گرفته‌اند به علل تاریخی و نظری مفصلی که جای بحث آن در این منشور نیست این احزاب ناپایدار بوده‌اند. احزاب و جمعیت‌های متفاوت و متنوعی مانند «اعتدالیون اجتماعیون» در صدر مشروطه، حزب «دموکرات» احمد قوام در سال‌های شهریور ۱۳۲۰ «نهضت آزادی ایران» در سال‌های پس از کودتای سیاسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نیز حزب «جمهوری اسلامی» پس از پیروزی انقلاب اسلامی همه سعی می‌کردند خود را به اصطلاح جامعه‌شناسی سیاسی یک «حزب مرکز» معرفی کنند که «نه چپ/ نه راست» و «نه رادیکال و نه محافظه‌کار»اند اما در عمل «هم چپ/ هم راست» و «هم رادیکال و هم محافظه‌کار» شدند و همین عامل سبب شد بسیاری از این تجربه‌ها به علت خصلت غیرحزبی و صورت‌بندی جبهه‌ای خود تداوم پیدا نکنند و دچار انشعاب، انحلال یا توقف فعالیت‌شوند.

«کارگزاران سازندگی ایران» از نظر تبارشناسی سیاسی خود را حزبی میانه‌رو و معتدل و دارای افکار آزادیخواهانه می‌داند. آزادیخواهی «کارگزاران سازندگی ایران» بیش از آن‌که متأثر از ایدئولوژی «لیبرالیسم» باشد مبتنی بر تاریخ، فرهنگ و اندیشه‌ی سیاسی‌ای است که در بند اول از ماده‌ی سوم مرامنامه حزب مصوب هیات موسس کارگزاران سازندگی ایران آمده است: «توجه و احترام به کرامت ذاتی و شرافت وجودی انسان و حاکمیت او بر سرنوشت خویش و آزادی توام با مسوولیت وی در برابر خداوند». در بند دوم از همین ماده به خط مشی حزب پرداخته شده است: «تقویت روح آزادگی و آزادیخواهی و نفی هرگونه ستمگری و ستم‌پذیری در روابط متقابل انسانی براساس معیارهای الهی» که از اصول فکری حزب برشمرده شده است و در بند چهارم: «دفاع از آزادی اندیشه، بیان، نوآوری و خلاقیت‌های فکری و هنری» از اهداف حزب شمرده شده است.

ما براساس مرامنامه‌ی کارگزاران «آزادیخواهی» را به عنوان یک ارزش فکری و روش سیاسی، مبنای تعریف حزب خود در همه‌ی ابعاد تشکیلاتی آن می‌دانیم. از نظر ما، آزادی ارزشی ذاتی، حقی فطری و طبیعی و مبنای حقوق فردی و اساسی انسان‌هاست که در حق انتخاب او نسبت به دین، دولت و جامعه تحقق می‌یابد. ما به آزادی نه به عنوان یک شعار که به عنوان یک «ارزش» و نیز «روش» اداره‌ی جامعه می‌نگریم و آن را بر همه‌ی اصول و مواضع دیگر حزب مقدم می‌دانیم. به نظر ما اسلام و ایمان تنها با آزادی است که مجال ظهور و بروز می‌یابد و درواقع بنا به آیه‌ی شریفه‌ی «لااکراه فی‌الدین...» هیچ اجبار و اکراهی در دینداری وجود ندارد و انتخاب دین یک حق الهی است.

مبنای نگرش ما به آزادی (به عنوان مبنای اندیشه سیاسی کارگزاران سازندگی ایران) به گونه‌ای است که آن را حتی بر دموکراسی (مردم‌سالاری) مقدم می‌دانیم؛ یعنی معتقدیم هر انسان به صرف انسان بودن دارای حقوق و آزادی‌هایی است که جامعه و دولت نمی‌تواند حتی در صورت تصویب اکثریت، آن حقوق و آزادی‌ها را از انسان سلب کند. مبنا و معیار مواجهه فرد با جامعه و دولت، قانون است اما حتی قانون نمی‌تواند نافی حقوق انسان باشد این حقوق در اندیشه دینی به «حقوق فطری» و در اندیشه سیاسی جدید به «حقوق بشر» مشهورند و اسنادی برای تعریف آن وجود دارند. به این معنا «کارگزاران سازندگی ایران» دموکراسی را تنها با حکومت اکثریت تعریف نمی‌کند بلکه رعایت حقوق اقلیت و فردیت انسان‌ها را مهمترین معیار دموکراسی و مردم‌سالاری می‌داند.

بدین ترتیب «کارگزاران سازندگی ایران» حتی از آزادی و آزادیخواهی تلقی اعتدال‌گرایانه و میانه‌روانه‌ای دارد. در نظر ما آزادی نه به معنای رهایی فرد از هر قید و بندی است و نه به معنای اختیار جامعه و دولت در نقض حقوق اقلیت است. از نظر ما آزادی به عنوان یک حق در نسبت با حکومت معنا می‌یابد و حدود خود را با هرج‌ومرج تعیین می‌کند و این‌گونه است که یک حکومت معتدل و مطلوب شکل می‌گیرد. در اندیشه سیاسی «کارگزاران سازندگی ایران» اصول «حکمرانی خوب» عبارتند از:

۱ اصل حکومت قانون: تنها معیار اداره جامعه از سوی دولت، «قانون» مصوب منتخبان اکثریت جامعه است که در پارلمان، شورا، کابینه و دیگر نهادهای انتخابی مستقر می‌شوند.

۲ اصل رعایت حقوق انسان: تنها معیار قانون «خوب» ابتنای آن بر حقوق (فطری و طبیعی) فرد است که در اعلامیه جهانی حقوق‌بشر به آن اشاره شده است.

۳ اصل مالکیت خصوصی: یکی از مهمترین این حقوقِ «فطری/ طبیعی» حق مالکیت فردی و خصوصی انسان است که غیرقابل سلب و نقض است.

٤ اصل توسعه متوازن: مهمترین وظیفه «دولت/ حکومت» فراهم آوردن زمینه توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور است.

۵ اصل جامعه باز: اداره جامعه از سوی دولت باید براساس حفظ حقوق و آزادی‌های فردی با رعایت حدود و قوانین اجتماعی باشد. دخالت دولت در امور فرد و جامعه حداقلی است و باید از سپردن امور جامعه به دست جامعه حمایت کرد. تساهل و تسامح در امور اجتماعی مبنای حکمرانی است.

٦ اصل عدم خشونت: اداره جامعه از سوی دولت باید براساس خشونت‌زدایی از روابط اجتماعی و مصالحه میان نیروهای اجتماعی باشد. ابزار این کار اعمال قانون است و اعمال خشونت قانونی (مجازات‌های قانونی) تنها از سوی دولت ممکن است که آن نیز باید حداقلی و برای دفاع از کیان کشور و جامعه در برابر خشونت و در برابر دشمن و منطبق بر قانون باشد.

۷ اصل حکومت معتدل: سازمان دولت برای اداره جامعه باید براساس آشتی نیروهای اجتماعی و مشارکت همه‌ی گروه‌ها، اقشار و طبقات در حکومت باشد. «کارگزاران سازندگی ایران» از نظریه‌ی «حکومت مرکب و معتدل» حمایت می‌کند که اساس آن بر ائتلاف نیروهای سیاسی در ساختار حکومت است.

گفتار دوم

در اندیشه‌ی دینی حزب کارگزاران سازندگی ایران /رابطه‌ی دولت و شریعت: حزب آزادی‌خواهِ متدین

کارگزاران سازندگی ایران یک حزب «آزادیخواه متدین» است.

کارگزاران سازندگی ایران در عین اینکه یک حزب ایدئولوژیک نیست (یعنی از یک تفسیر منجمد از دین، تاریخ و اندیشه دفاع نمی‌کند و قائل به تنوع در فهم دین، تاریخ و اندیشه است) یک حزب لائیک هم نیست (یعنی از نقش اجتماعی و سیاسی دین در جامعه دفاع می‌کند) این تفاوت و تمایز واجد تناقض نیست چراکه ما میان «دین ایدئولوژیک» و «دین مدنی» تمایز می‌گذاریم از نظر ما «دین مدنی» دینی است که در جامعه حضور دارد اما حضورش را با اجبار و زور به دست نمی‌آورد و با رای و نظر عامه مردم در سیاست و جامعه ایفای نقش می‌کند. ما به عنوان «کارگزاران سازندگی ایران» تاکید می‌کنیم که دین اسلام افزون بر اخلاق، واجد فقه و شریعت هم هست و نمی‌توان نقش آن را در زندگی اجتماعی و سیاسی نادیده گرفت. نظریه‌ی «دین مدنی» به رسمیت شناختن نقش اجتماعی و سیاسی دین اسلام است با این فرض که این نقش از راه دموکراتیک یعنی اتخاذ روش‌های مردم‌سالارانه مبتنی بر حق رای، حکومت اکثریت و حقوق اقلیت ایفا می‌شود. «دین مدنی»پذیرش نقش تمدن‌آفرین و تمدن‌ساز دین است که از نظر ما یک واقعیت تاریخی و اجتماعی است و فکر می‌کنیم حتی حکومت اسلامی پیامبر اسلام در مدینه یک حکومت مدنی یعنی حکومت مبتنی بر رضایت عمومی بوده است و گرچه رسالت آن حضرت یک امر الهی بوده است اما حکومت ایشان با رضایت عامه مردم استقرار یافته است. به نظر ما اگر دین بخواهد در جامعه ایفای نقش کند متدینین باید این اصول در الهیات سیاسی خود را در دستور کار خود قرار دهند و از چنین دینی دفاع کنند:

۸ اصل دین عقلانی: ما گرچه منکر سودمندی برداشت‌های عرفانی در فهم فردی دین نیستیم اما معتقدیم تنها راه پذیرش دین در جامعه بهره بردن از عقل در درک دین است یعنی تنها با استدلال عقلی می‌توان حضور اجتماعی دین را پذیرفت.

۹ اصل دین اخلاقی: مبنای دین بر رعایت اخلاق و عدالت است و احکام دینی نمی‌تواند غیراخلاقی و غیرعادلانه باشد. چنان که شیعه را مذهب عدلیه نامیده‌اند و اسلام بر تقوا تاکید دارد. بنابراین ما از آن دینی سخن می‌گوییم که اخلاق مبنای اجتهاد در آن است.

۱۰ اصل دین رحمانی: به نظر ما گرچه دین دارای ابعاد قهرآمیز هم هست اما اساس دین اسلام بر رحمت است و خشونت تنها زمانی مجاز است که از حدود اجتماعی تجاوز شود. خدای اسلام از نظر ما نسبت به ادیان و مذاهب دیگر و نیز معتقدان و ملتزمان به خود رحمان و رحیم است.

۱۱ اصل اجتهاد دینی: ما ضمن تاکید بر اهمیت سنت‌های دینی، به ضرورت نواندیشی دینی براساس سنت‌های فقهی و فلسفی و کلامی معتقدیم و بدون آنکه خود را (به عنوان یک حزب سیاسی) در این عرصه مدعی بدانیم معتقدیم باید ضرورت‌های زمان و مکان در اندیشه دینی و اسلامی مورد توجه قرار گیرد و عنصر اجتهاد در فهم دین به کار بسته شود. این کار البته بر عهده مجتهدان و دین‌پژوهان حوزه و دانشگاه است و ما به عنوان یک حزب آزادیخواه متدین به دستاوردهای این عالمان توجه داریم.

گفتار سوم

در اندیشه اقتصادی حزب کارگزاران سازندگی ایران / رابطه‌ی دولت و بازار: حزب آزادی‌خواهِ توسعه‌گرا

کارگزاران سازندگی ایران یک حزب «آزادیخواه توسعه‌گرا» است.

کارگزاران نهاد اصلی اقتصاد را نهاد «بازار آزاد رقابتی و غیرانحصاری» می‌داند و گرچه برای دولت در توسعه نقش قائل است اما این نقش را زمانی می‌پذیرد که دولت تنها در مرحله‌ی گذار جامعه از توسعه‌نیافتگی به توسعه‌یافتگی به موتور توسعه تبدیل شود نه اینکه با انحصار مانع از رشد بخش خصوصی شود و استقلال و اختیار و آزادی نهاد بازار آزاد رقابتی و غیرانحصاری را تهدید کند. نظریه محوری «کارگزاران سازندگی ایران» در این بخش نظریه «توسعه متوازن» است که براساس آن میان رشد اقتصادی و رشد سیاسی رابطه‌ای متوازن برقرار است و در واقع سازندگی و آزادی به یکدیگر یاری می‌رسانند. از نظر «کارگزاران» هر نوع رشد اقتصادی در نهایت به صورت ناگزیر به رشد سیاسی منتهی می‌شود و مردم‌سالاری ریشه در اقتصاد آزاد دارد. اصول اندیشه اقتصادی کارگزاران عبارتند از:

۱۲ اصل بازار آزاد: که خود مبتنی بر اصل مالکیت خصوصی است یعنی هر کس حق دارد از راه‌های مشروع صاحب دارایی شود و حق دارد دارایی‌های خود را در یک بازار آزاد و غیرانحصاری بدون دخالت هیچ نهاد سیاسی یا عقیدتی و براساس قانون معامله کند.

۱۳ اصل رقابت آزاد: بازار تنها زمانی آزاد است که رقابت در آن آزاد باشد و هیچ نوع ویژه‌خواری و انحصار اطلاعاتی و امنیتی در آن صورت نگیرد. هر کس حق دارد محصولات خود را که از راه قانونی به دست می‌آورد در یک رقابت و مشارکت عمومی عرضه کند.

۱٤ اصل تجارت آزاد: هیچ‌کس و هیچ نهادی حق ندارد خرید و فروش (چه در اقتصاد داخلی و چه در اقتصاد خارجی) را به انحصار خود درآورد. انحصار بازرگانی خارجی در دست دولت برخلاف اصول اقتصاد آزاد و آزادی اقتصادی است و تحریم‌های سیاسی در عرصه‌ی بین‌المللی نیز مانع اقتصاد آزاد است.

۱۵ اصل توسعه ملی: دولت به عنوان یک نهاد ملی (برآمده از جامعه و منتخب ملت) وظیفه دارد زمینه رشد اقتصادی جامعه را فراهم کند و آن را در توازن با اجزای دیگر رشد اجتماعی و فرهنگی و سیاسی قرار دهد. اما دولت و دیگر نهادهای عمومی حاکمیتی یا حکومتی نباید به رقیب بازار (بخش خصوصی) تبدیل شود و تنها در جاهایی که بخش خصوصی امکان فعالیت ندارد باید وارد اقتصاد شوند. این نقش باید در طول زمان اندک و اندک‌تر شود اما نقش دولت به عنوان موتور توسعه ایران در میان مدت قابل انکار نیست.

۱٦ اصل توسعه صنعتی: دولت باید استراتژی اقتصادی کشور را براساس توسعه صنعتی، رشد فناوری و تکنولوژی‌های نو قرار دهد. تمام بخش‌های اقتصادی اعم از خدمات، تجارت و کشاورزی باید صنعتی شوند.

۱۷ اصل فن‌سالاری: دولت باید به دست متخصصین و کارشناسان اداره شود و در اداره کشور و انتخاب مدیران اجرایی نباید گرایش‌های سیاسی، جناحی و حزبی معیار و ملاک قرار گیرد. از نظر ما در مدیریت دولت و کشور اصل بر تخصص است.

۱۸ اصل کارآفرینی: دولت باید از رشد سرمایه‌گذاری ملی توسط کارشناسان و کارآفرینان داخلی حمایت کند و ضمن جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از سرمایه‌گذاری‌های داخلی حمایت کند و از طریق آن استقلال اقتصادی کشور را تامین کند.

۱۹ اصل اقتصاد غیرنفتی: به نظر ما درآمد نفت به‌عنوان یک ثروت ملی باید از بودجه عمومی کشور جدا شود و در برنامه‌های توسعه ملی ایران سرمایه‌گذاری شود. تنها راه توسعه واقعی اقتصاد ایران استقلال بودجه دولت از نفت و اداره‌ی دولت به‌وسیله‌ی مالیات است و تنها در این صورت است که می‌توان از تداوم یک دولت رانتی جلوگیری کرد و مانع ویژه‌خواری افراد، اقشار و نهادهای خاص شد و نفت را به جایگاه واقعی خود به‌عنوان نماد ثروت ملی ایران بازگرداند.

گفتار چهارم

در اندیشه اجتماعی حزب کارگزاران سازندگی ایران/ رابطه دولت و جامعه: حزب آزادی‌خواهِ شهروند محور

کارگزاران سازندگی ایران یک حزب «آزادیخواه شهروندمحور» است.

اساس نظریه اجتماعی کارگزاران گسترش و رشد «طبقه متوسط» جامعه است. از نظر کارگزاران سامان‌دهی جامعه باید به گونه‌ای باشد که با کاهش فقر و کاستن از ثروت‌های بادآورده (که نه در یک اقتصاد آزاد و رقابتی که در اقتصادی انحصاری به دست آمده است) اکثریت مطلق جامعه از سطح زندگی آبرومندانه، مرفه و رو به رشد برخوردار شوند و اگر رویای جامعه بی‌طبقه ممکن نیست تا حد امکان شکاف و فاصله طبقاتی کم شود. در یک جامعه متعادل فاصله اجتماعی نباید به گونه‌ای باشد که سبب بی‌عدالتی شود. ما طرفدار مساوات‌گرایی نیستیم اما از عدالت‌طلبی حمایت می‌کنیم و عدالت از نظر ما یعنی هر کسی این امکان را داشته باشد که با کار و سرمایه شخصی‌اش بتواند به رفاه و آسایش بیشتری برسد. به نظر ما طبقه متوسط در برابر دو طبقه فرودست و فرادست تمایل بیشتری به دموکراسی و مردم‌سالاری دارد و برای بزرگ‌تر ساختن کمیت این نیروی اجتماعی دولت باید از توانمندسازی شهروندان حمایت کند. از نظر ما افراد نه به شکل «رعیتِ» جوامع استبدادی و سنتی، نه به صورت «تودهِ» بی‌هویت انسان‌ها در دموکراسی توده‌ای و نه به شکل مفاهیم کلانی مانند «مردم» که به صورت شهروندان دارای حقوق (چه در شهر و چه در روستا) اساس جامعه را تشکیل می‌دهند و خدمات دولتی و اجتماعی باید انسان صاحب حق و تکلیف یعنی شهروند را در بر بگیرد.

از نظر ما شهروند هم دارای حق است و هم دارای تکلیف. حقوق فردی و تکالیف اجتماعی را قانون مشخص می‌کند اما اساس وجودی دولت، شهروندان و اجتماع آنان است. تاکید بر هویت شهروندی، دموکراسی را از تبدیل به پوپولیسم نجات می‌دهد، اصول اندیشه اجتماعی کارگزاران به شرح زیر است:

۲۰ اصل مشارکت اجتماعی: همه شهروندان حق دارند از فرصت برابر برای پیشرفت و ترقی و مشارکت در حوزه عمومی اعم از بازار (اقتصاد)، دولت (سیاست) و فرهنگ برخوردار باشند. این برابری فرصت‌ها همه‌ی زنان و مردان با هر عقیده سیاسی یا مذهبی را در بر می‌گیرد.

۲۱ اصل تقویت، جامعه مدنی: همه شهروندان حق دارند بنا به حق آزادی انتخاب شغل خود اتحادیه‌های صنفی و اجتماعی تشکیل دهند و در میان حوزه فردی و حوزه حکومتی، یا عرصه عمومی را تشکیل دهند و دولت باید از این حق حمایت کند. حق تاسیس اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی در این حوزه یک حق بنیادین و اساسی است.

۲۲ اصل حمایت از حقوق اقوام: ایران یک جامعه و کشور متکثر و متنوع با اقوام، مذاهب، زبان‌ها و فرهنگ‌های متنوع است باید هر گونه تبعیض میان این اشکال زندگی اجتماعی برچیده شود و ضمن به رسمیت شناختن حق خودگردانی در امور شهری در امور کشوری هم باید امکان مشارکت آنان، به‌گونه‌ای که مانع از استقلال ملی و تمامیت ارضی ایران نشود، فراهم آید.

۲۳ اصل توسعه فرهنگی: از نظر ما یکی از مبانی توسعه‌ی جامعه، رشد فرهنگ و آموزش است و دولت ضمن جلب مشارکت بخش خصوصی در این عرصه باید از توسعه‌ی آموزش عمومی و تقویت مبانی فرهنگ ملی به خصوص ترویج زبان فارسی حمایت کند. البته این حمایت نباید با نادیده‌گرفتن دیگرزبان‌ها و فرهنگ‌های بومی ایران همراه باشد. همچنین دولت باید مدافع آزادی خلاقیت‌های فرهنگی و هنری باشد و به نام مصالح سیاسی یا امنیتی دست به سانسور نزند.

۲٤ اصل صیانت از نهاد خانواده: ما نهاد خانواده را طبیعی‌ترین و مشروع‌ترین نهاد اجتماعی می‌دانیم و معتقدیم در میانه‌ی فرد، جامعه و دولت باید حرمت و اصالت نهاد خانواده حفظ شود و در همه‌ی قوانین ضمن رعایت حقوق افراد و دولت، حقوق و صلاحیت‌های نهاد خانواده محفوظ بماند.

۲۵ اصل حفاظت از محیط زیست: ما حفظ محیط زیست و زیست بوم انسانی را یک ضرورت اجتماعی می‌دانیم و به‌شدت نگران بحران آب، آلودگی هوا و از دست‌رفتن دیگر منابع طبیعی در کشور هستیم و معتقدیم دولت به عنوان نماینده جامعه باید از طبیعت و منابع طبیعی صیانت کند و در برنامه توسعه متوازن و پایدار حفظ محیط زیست را به عنوان یک اصل موردتوجه جدی قرار دهد.

۲٦ اصل تامین اجتماعی: ما ضمن دفاع از اقتصاد آزاد معتقدیم دولت موظف است مبانی یک زندگی انسانی مبتنی بر عزت و کرامت را برای همه شهروندان فراهم آورد. این مساله تنها شامل حقوق بازنشستگی نیست. حق سلامت و حق آموزش از اصول زندگی اجتماعی است که دولت‌ها باید حداقل آنها را برای همه شهروندان فراهم آورند و با تقویت نظام‌های بیمه و تامین اجتماعی با مشارکت بخش خصوصی از کرامت همه شهروندان حمایت کنند.

ادامه دارد

۷ نظریه برگزیده کارگزاران

۱	نظریه‌سیاسی	حکمرانی‌خوب	تداوم مشروعیت حکومت به کارآمدی آن است
۲	نظریه‌الاهیاتی	دین مدنی	نقش سیاسی و اجتماعی دین از راه دموکراتیک ممکن است
۳	نظریه‌اقتصادی	توسعه‌متوازن	رشد سیاسی و رشد اقتصادی دو روی یک سکه است
۴	نظریه‌اجتماعی	شهروندتوانمند	اعضای جامعه شهروند آزاد هستند، نه رعیت
۵	نظریه‌حقوقی	عدالت به مثابه انصاف	عدالت حقوقی برتر از مساوات اقتصادی است
۶	نظریه سیاسی داخلی	اصلاح‌طلبی‌سیاسی	تنها راه تحول سیاسی مبارزه انتخاباتی است
۷	نظریه سیاسی خارجی	بازیگر صلح‌طلب	با ایفای نقش فعال در نظام بین‌الملل می‌توان منافع و امنیت ملی ایران را حفظ کرد

پیوند لیبرالیسم و سوسیالیسم

سند مواضع حزب دموکرات ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۱۶ / بخش اول

ترجمه: ساناز نفیسی
مترجم و خبرنگار

پس از پایان مبارزات مقدماتی انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، دموکرات‌ها پیش‌نویس برنامه کاری سال ۲۰۱۶ خود را منتشر کردند، برنامه‌ای متفاوت با پلت‌فرم ۲۰۱۲ این حزب؛ هم به لحاظ ساختار نگارشی و هم از منظر مواضع سیاسی. پیش‌نویس این برنامه توسط ۱۵ عضو کمیته فرعی حزب دموکرات تایید و برای تصویب نهایی به کمیته اصلی ارسال شد. اکنون کمیته اصلی فرصت دارد تا پیش از تصمیم‌گیری کنوانسیون ملی که قرار است اواخر جولای در فیلادلفیا تشکیل جلسه دهد، ابعاد مختلف این پلت‌فرم را بررسی کند. کمیته نگارش، مواضع دموکرات‌ها را در مورد موضوعات مختلف اعلام کرد. موضوعاتی که در میانه تنش‌های سیاسی و تهدیدهای بین‌المللی حاکم بر فضای داخلی آمریکا و جامعه بین‌الملل منعکس‌کننده دغدغه میلیون‌ها شهروند آمریکایی است. در پیش‌نویس این پلت‌فرم، رد پای مطالبات جریان‌های مختلف سیاسی و مدنی دیده می‌شود؛ جنبش‌هایی چون «زندگی سیاهان» و کمپین‌های انتخاباتی نامزدهای دموکرات ریاست‌جمهوری آمریکا.

هشدار نسبت به نابرابری اقتصادی و نژادی، دستمزد کارگران، اصلاح ساختارهای اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و کاهش مالیات مهم‌ترین مسائلی بودند که نگارندگان پیش‌نویس فوق بدان‌ها پرداختند. موضوعاتی که مطمئنا مورد استقبال جنبش «مبارزه برای ۱۵ دلار» در بخش غذاهای فوری و حامیان برنی سندرز، نامزد حزب دموکرات، قرار خواهند گرفت. اصلاح ساختار کیفری از دیگر مسائلی بود که در این پیش‌نویس بدان اشاره شد و در راستای آن نگارندگان، برای نخستین بار خواستار حذف مجازات اعدام شدند. دموکرات‌ها برای لغو اعدام، حقیقتا مسافتی طولانی را طی کردند، از سال ۱۹۹۲ تاکنون، یعنی از زمان رقابت‌های انتخاباتی بیل کلینتون(نامزد دموکرات‌ها) تا به امروز. در آن زمان بیل، نامزد دموکرات‌ها از ایالت آرکانزاس، از اعدام ریکی ری‌رکتور حمایت کرد، همان کسی که چند مامور پلیس را کشت و در نهایت اقدام به خودزنی کرد. حالا دموکرات می‌خواهند اعدام از لیست مجازات‌ها حذف شود.

پیش‌نویس پلت‌فرم ۲۰۱۶ که جنبه پراگماتیستی دارد، نشان از چرخش محوری این حزب از تمرکز بر گفتمان صرف در پلت‌فرم ۲۰۱۲ به اجرای واقعیت‌های سیاسی و مدنی حاکم دارد. واقعیت‌هایی که نگارندگان در چارچوب طرح فوق جزء به جزء بدان پرداختند. با این حال به باور ناظران، دموکرات‌ها با تاکید بر مسائلی چون حقوق کارگران، اصلاح وگسترش ساختار بهداشتی و تامین بیمه شهروندان آمریکایی زمینه را برای رویارویی میان هیلاری کلینتون و برنی سندرز فراهم کردند. سندرز نماینده‌ای است که همچون نگارندگان این پیش‌نویس بارها بر نقش دولت جهت تامین مطالبات فوق تاکید داشته و دارد.

فارغ از این گمانه‌زنی‌ها، کمیته ملی حزب دموکرات(DNC) در راستای استراتژی‌ای که برایش تعریف شده، برنامه کاری نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری را در پیش‌نویس این پلت‌فرم درج کرده بود، این‌بار با زبانی شفاف و رسا. این نهاد هر چهار سال یک بار برگزارکننده نشست کنوانسیون ملی حزب دموکرات است، نشستی که در آن و به واسطه برگزاری‌اش مختصات استراتژی مبارزات انتخاباتی حزب دموکرات طی پلت‌فرمی تایید می‌شود. این کمیته ۲۰۰ نفره که اعضایش منتخب ۵۰ ایالت آمریکا هستند در جمع‌آوری کمک‌های مالی برای حمایت از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری نیز نقشی فعال دارد. فارغ از نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا به نظر می‌رسد مسائل مطرح شده در پلت‌فرم ۲۰۱۶ از یک منظر نوعی پیروزی برای این حزب قلمداد می‌شود چرا که نگارندگان آن بر خلاف گذشته حقوق اقلیت‌ها، فقرا و دیگر گروه‌هایی که مورد تبعیض قرار گرفته‌اند را نادیده نگرفته و با بیانی صریح و قاطع به دغدغه‌های اکثریت شهروندان آمریکایی پرداختند و برخلاف چهار سال گذشته برنامه‌شان را براساس خواسته‌های جنبش‌های مدنی و لیبرال ترسیم کردند.

پیش‌نویس پلت‌فرم ۲۰۱۶ حزب دموکرات

مقدمه

فارغ از تفاوت در نگرش‌ها، ما متحدیم. این همان باور اصلی و مشترکی است که دموکرات‌ها را واداشت تا همچون کنگره قاره‌ای که ۲۴۰ سال پیش برگزار شده بود، در فلادلفیا دور هم جمع شده و با یکدیگر دیدار کنند. تحت لوای ریاست باراک اوباما، رییس‌جمهوری امریکا و با تکیه بر عزم و اراده شهروندان امریکایی مسیر طولانی را طی کردیم، مسیری که به دلیل رکود و سیاست جمهوری‌خواهان پر از فراز و نشیب بود. در طول ۷۵ ماه متوالی شاهد رشد نرخ اشتغال و افزایش ۱۴،۵ میلیون فرصت شغلی بودیم. بیست میلیون نفر تحت پوشش بیمه درمانی قرار گرفتند، صنعت خودروسازی امریکا سال خوبی را پشت سر گذاشت، با استفاده از انرژی خورشیدی و بادی توانستیم واردات نفت را به شکل چشم‌گیری کاهش دهیم. با این حال در این سال‌ها شرایط نامطلوب بسیاری از شهروندان امریکایی نادیده گرفته شد، کسانی که ساعات طولانی بدون آن که از امنیت شغلی برخوردار باشند، کار می‌کنند، میزان دستمزدها تغییر چندانی نداشت و کماکان شکاف مالی عمیقی بر ساختار اقتصادی ایالات متحده امریکا حاکم است. این در حالی است که هزینه‌ها رو به افزایش است، از هزینه‌های نگهداری کودکان گرفته تا هزینه‌های مربوط به آموزش و دانشگاه. در شرایطی که افراد شاغل در تلاش برای رسیدن به وضعیت مالی مطلوبی هستند، تنها یک درصد شهروندان امریکایی از ثروت و قدرت بیشتری برخوردارند. در این میان جمهوری‌خواهان به جای چاره‌اندیشی برای حل مشکلات پیش رو در تلاشند تا مانع‌تراشی کرده و ما را در مسیر نیل به اهدافمان با چالش‌های جدی روبه‌رو سازند. خب پس جای تعجب نیست که بسیاری تصور می‌کنند که ساختار حاکم علیه آنها بسیج شده و عمل می‌کند. دموکرات‌ها بر این باورند که همکاری و تعامل در قیاس با نزاع و کشمکش گزینه مناسب‌تری است. وحدت مطمئنا بهتر از اختلاف و تفرقه است، تلاش برای توانمندسازی در اولویت قرار دارد، در یک کلام، ساخت پل بهتر از کشیدن دیوار است. ایده‌های فوق در عین سادگی بسیار تاثیرگذارند. ما در کنار یکدیگر قوی‌تر خواهیم بود. به باور دموکرات‌ها ما زمانی که ساختار اقتصادی قدرتمندی داشته باشیم طبیعتا قوی‌تر هستیم؛ ساختاری که برای همه شهروندان امریکایی کارایی داشته باشد، برای افراد شاغل درآمدزا بوده، فرصت‌های شغلی ایجاد کند و موجب رشد سطح زندگی طبقه متوسط شود. در یک ساختار اقتصادی مفید، سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت نسبت به هرگونه سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و هرگونه منفعت‌طلبی در اولویت قرار دارد، منافع مشترک در قیاس با منفعت شخصی بااهمیت‌تر است و زمینه برای گسترش ایده‌های نوآورانه و همچنین کارآفرینی فراهم است. به عقیده ما نابرابری شدیدی بر جامعه امریکا حاکم است، تنها درصد کمی ثروتمندند و نزدیک به ۱۵۰ میلیون نفر وضعیت اقتصادی مطلوبی ندارند، همین مسئله موجب می‌شود ساختار اقتصادی‌مان ضعیف‌تر، جامعه فقیرتر و سیاست‌هایمان مسموم باشد. ما به خوبی می‌دانیم که ملت امریکا برای رفع تبعیض نژادی، مبارزات طولانی را در تاریخش ثبت کرده است، نیم قرن پس از آن که رزا پارکس بر صندلی اتوبوس نشست، دکتر کینگ در تظاهرات اعتراض‌آمیز شرکت کرد و خون جان لوییس ریخته شد، بیش از نیم قرن پس از سزار چاوز، دولورس هورتا، کماکان نژاد در ساختار امریکا نقش مهمی ایفا می‌کند، ما باید با واقعیت‌ها روبه‌رو شویم و مشکلات را حل کنیم. ما معتقدیم که آموزش خوب، حق اساسی همه شهروندان امریکایی است، ما باید از خلافکار شدن دانش‌آموزان و دانشجویان ممانعت کرده و اجازه ندهیم که جوانان و نوجوانان به جای مدرسه یا دانشگاه، بزه کرده و راهی زندان شوند، هر کودکی با پتانسیل‌ها و توانایی‌های خدادادی‌اش متولد شده و رشد می‌کند. ما در تلاشیم تا به جامعه امریکا برای ایجاد تعادل در دو حوزه خانواده و اجتماع کمک کنیم، آن هم فارغ از اجرای سیستم تنبیه و مجازات. ما از گذشته در تلاش بودیم تا حقوق و دستمزد مساوی را برای زنان تضمین کنیم. به عنوان یکی از احزاب فعال در حوزه سیاست امریکا و با هدف تامین امنیت اجتماعی معتقدیم که هریک از شهروندان امریکایی باید از حق بازنشستگی برخوردار باشند، حقی که مبتنی بر شان و منزلت انسانی بازنشستگان باشد. ما بر این باوریم که باید به حرص و طمع، بی‌مبالاتی و رفتارهای غیرقانونی در وال استریت پایان داد. وال استریت نباید به مثابه تهدیدی علیه خانواده‌های امریکایی و فعالیت‌های اجتماعی قلمداد شود. حزب دموکرات صرفا با حمایت از حق رای شهروندان، نه حق رای شرکت‌ها و میلیاردها می‌تواند عملکرد مقتدرانه‌ای داشته باشد، در همین راستا ما باید به سیستم مالی ناسالم حاکم بر مبارزات انتخاباتی خاتمه دهیم، سیستمی که می‌تواند آرای شهروندان امریکایی را تحت تاثیر قرار دهد، بنابراین باید قانون مرتبط با حق رای شهروندان با دقت اجرا شده و نتیجه انتخابات به رای و تصمیم امریکایی‌ها واگذار شود. به باور دموکرات‌ها تغییرات اقلیمی و آب و هوا می‌تواند تهدید جدی علیه ساختار اقتصادی امریکا، امنیت ملی و حتی آینده و سرنوشت فرزندان این سرزمین قلمداد شود. امریکایی‌ها سزاوار برخورداری از انرژی پاک هستند و این موضوع از جمله مسائلی است که باید در اولویت قرار بگیرد. ما اعتقاد داریم که ایالات متحده امریکا زمانی قدرتمندتر و امن‌تر است که جهانی متحد را بر مبنای اصول و اهداف خویش هدایت و رهبری کرده و به جای تضعیف متحدانمان، زمینه را برای تقویت توان نظامی و اقتصادی‌اش فراهم کند. ما به قدرت حاصل از توسعه و دیپلماسی اعتقاد داریم. ما معتقدیم که ارتش ایالات متحده امریکا چه به لحاظ آموزشی و چه از منظر تجهیزات نظامی در شرایط بسیار مطلوبی قرار دارد و در همین راستا ما باید هر آنچه سزاوارنیروهای نظامی‌مان است انجام داده و از قربانیان یا سربازانی که در جنگ‌ها مصدوم شدند، حمایت کنیم. ما معتقدیم که تنها ایالات متحده امریکا می‌تواند با تکیه بر اقدام جمعی، جهان را برابر چالش‌های فرامرزی چون تروریسم بین‌المللی، تغییرات اقلیمی و بیماری‌های واگیردار بسیج کند. فارغ از هر آنچه ذکر شد، دموکرات‌ها حزبی فراگیرند، ما به خوبی می‌دانیم که تفاوت‌ها مشکل‌ساز نیست و درک‌شان بخشی از تعهد ما است. به عنوان اعضای حزب دموکرات به تفاوت‌های موجود در دیدگاه‌ها و اختلاف عقاید انسان‌ها احترام گذاشته و برای پیشرفت کشور به همکاری و تعامل فارغ از هرگونه تفاوت پایبندیم. در همین راستا ما با ارائه این برنامه صرفا در جست‌وجوی دستیابی به نتایج بهتر در کلیه زمینه‌ها هستیم. ما کشوری مهاجرپذیر بوده و هستیم، این میراث ما است و ما بدان می‌بالیم. ما به خوبی می‌دانیم که مهاجران امروز، معلمان، سربازان آینده و در یک کلام ستون جامعه‌مان محسوب خواهند شد. ما به حمایت از آزادی‌ها و حقوق مدنی، حقوق زنان، کارگران و افراد ناتوان و معلول ادامه‌خواهیم داد. به باور ما ایالات متحده امریکا همانگونه که رابرت کندی گفت، کشوری بزرگ است که شهروندانش متواضع و دلسوزند. اصول مورد اعتقاد ما در تعارض آشکار با اصول جمهوری‌خواهان قرار دارد، حزبی که پرچمدارش، کسی که قرار است به عنوان نامزد این حزب در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کند، به جای تکیه بر مسائل ماهوی مثبت جامعه امریکا، تفاوت‌های ناچیز و پیش پا افتاده را فریاد می‌زند. طبیعتا در انتخاباتی که در گذشته برگزار شد، خطرات، تهدیدات و احتیاط‌هایی وجود داشت، اما انتخابات ۲۰۱۶ کاملا متفاوت است، خطرات حاصل از آن می‌تواند گریبان مهاجران را بگیرد، کسانی که خانه‌هایشان را رها کرده و در امریکا مامن گزیده‌اند؛ مسلمانی صلح‌جو و مومن، نامزد جمهوری‌خواهان حقیقتا نسبت به متحدانمان بیگانه شده و آغوشش را به روی دیکتاتورها گشوده است. انتخابات پیش‌رو چیزی فراتر از رقابت دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان است، این انتخابات به ملت امریکا مربوط است و آینده کشورمان را رقم خواهد زد. دویست و چهل سال پیش در فیلادلفیا در حوزه ایده و عمل انقلابی به پا کردیم، انقلابی که نتایجش تاکنون نیز ادامه دارد. از آن زمان تاکنون، اتحاد ما بارها و به اشکل مختلف به بوته آزمایش گذاشته شد، از استعمار و جنگ داخلی و تبعیض نژادی گرفته تا تجربه تلخ دو جنگ جهانی و حتی خطر نابودی توسط تسلیحات هسته‌ای. نسلی از امریکایی‌ها در این مسیر جنگیدند، تظاهرات اعتراض‌آمیز برگزار کردند و دایره فرصت‌ها و ارزش‌های مربوط به کرامت انسانی را روز به روز گسترده‌تر کردند، ما هنوز هم برای پاسداری از این اصول مبارزه می‌کنیم. برخلاف آنچه می‌گویند، امریکا کشوری بزرگ است، اما این به معنای کامل بودن و بی‌نقص بودنمان نیست. آنچه موجب می‌شود امریکا بزرگ و قدرتمند جلوه کند، اجرای اصول مورد اعتقادمان و عدم لغزش در این زمینه است، ما می‌توانیم و باید زمینه را برای ایجاد ساختار اقتصادی عادلانه‌تر فراهم کنیم، جامعه‌ای برابر و کامل‌تر که می‌تواند ما را قدرتمندتر کند.

افزایش درآمد و تامین امنیت اقتصادی طبقه متوسط

دموکرات‌ها بر این باورند که می‌توان با تکیه بر اصولی بنادین قدرت طبقه متوسط را احیا کرد، با شکسته شدن موانع خاص، سخت‌کوشی و رعایت قواعد بازی می‌توانیم پیشرفت کرده و در نقطه اوج بمانیم. اما اگر ساختار اقتصادی حاکم ناسالم باشد، افراد با دستمزد پایین سخت کار می‌کنند، اما در نهایت تنها یک درصد شهروندان امریکایی ثروتمندند. در همین راستا ما بر این باوریم که دونالد ترامپ برای حراست از کرامت انسانی و حفظ ساختار اقتصادی سالم، قابل اعتماد نیست. او این حقیقت تلخ را ثابت کرده است.

حداقل دستمزد

به باور دموکرات‌ها دستمزد پایین نه‌تنها موجب ارتقای سطح زندگی شهروندان نمی‌شود بلکه زمینه را برای تضعیف طبقه متوسط و نابودی طبقه پایین جامعه فراهم خواهد کرد. خانواده افرادی که تمام وقت کار می‌کنند نباید طعم فقر را بچشند، ما معتقدیم که امریکایی‌ها باید به ازای هر ساعت کار، ۱۵ دلار دریافت کرده و حق ایجاد یا پیوستن به اتحادیه‌های مختلف را داشته باشند. ما راهکارها و طرح‌هایی که توسط ایالاتی چون نیویورک و کالیفرنیا در این زمینه ارائه شده است را تحسین می‌کنیم. حداقل درآمد افراد تعیین شده باید افزایش یابد، امریکایی‌ها باید فارغ از هر شغلی که دارند بتوانند به اتحادیه‌ها بپیوندند، ما باید با توسل به راهکارهایی جدید نه‌تنها ساختار اقتصاد کشور را قدرتمندتر کنیم بلکه در کنار آن باید زمینه را برای پرداخت دستمزد عادلانه به کارگران فراهم کنیم. دموکرات‌ها از مدلی که مبتنی بر تکیه کارفرما بر اهرم‌هایی چون دلار فدرال برای حراست از حقوق کارگران و ایجاد شرایط مطلوب زندگی برای آنهاست حمایت می‌کنند، دولت سالانه در حدود یک تریلیون دلار برای ارائه وام و کمک‌های مالی آن هم در جهت ایجاد فرصت‌های شغلی مطلوب برای طبقه متوسط صرف می‌کند.

وضعیت کارگران

حزب دموکرات معتقد است که اگر شرایط کارگران مطلوب باشد، امریکا قوی‌تر از امروز خواهد بود. دموکرات‌ها از حقوق کارگران فعال در دو حوزه عمومی و خصوصی و عضویتشان در اتحادیه‌ها حمایت خواهند کرد. ما برای تصویب قانونی مرتبط با فدراسیون ملی کارگران امریکا تلاش‌خواهیم کرد تا زمینه لازم را برای تضمین فعالیت اتحادیه‌های کارگری فراهم کنیم تا از این طریق اکثریت کارگران واجد شرایط بتوانند به واسطه کارت عضویت در چارچوب این ساختارها مشارکتی فعال داشته و پشت میز نشسته و مذاکره کنند، ما حتی به کارگران برای پیوستن به اتحادیه‌ها کمک‌خواهیم کرد. دلیل اصلی نزول ۴۰ ساله وضعیت طبقه متوسط این است که حق کارگران برای چانه‌زنی جمعی جهت کسب حقوق و مزایای بهتر در تمام سطوح تضیع شده است. در این میان دونالد ترامپ نیز عزمش را برای بدتر کردن این وضعیت جزم کرده، آن هم به واسطه ایجاد رقابت ناسالم در میان طبقه متوسط برای دستیابی به شغل، آن هم با دستمزد اندک. در واقع ترامپ تلاش دارد تا تلاش کارگران برای تشکیل اتحادیه را به بن‌بست کشانده و با ایجاد نهاد یا اتحادیه‌ای خصوصی، غیردولتی و شخصی، حقوق کارگران را تحت سلطه‌اش قرار داده و شرایطشان را تضعیف کند. دموکرات‌ها بر این باورند که قانون موسوم به حق کار به درستی اجرا نمی‌شود و این نقطه منفی در کارنامه ایالات متحده امریکا است. در همین راستا در تلاشیم تا برای پرداخت دستمزد کارگران، استانداردهایی را لحاظ کرده، بهره‌برداری از حق عضویت برای نیل به اهداف سیاسی را محدود و تلاش‌ها برای کسب مجوز سالانه عضویت را لغو کنیم. حزب دموکرات بر این باور است که مصرف‌کنندگان کالا و کارگرانی که مورد بدرفتاری قرار گرفتند، باید تحت لوای قانون قرار گرفته و در دادگاهی منصفانه به حقوق خویش دست یابند. به همین دلیل است که حزب دموکرت تلاش می‌کند تا برای استفاده از شرط داوری اجباری محدودیت‌هایی اعمال کند، حقی که کارگران و مصرف‌کنندگان را در موقعیتی نادعادلانه قرار می‌دهد.

برخورداری از حق دستمزد برابر و مرخصی با حقوق

ما برای تضمین پرداخت دستمزد برابر برای زنان مبارزه‌خواهیم کرد، حقی که پس از ۲۴۰ سال در قالب اصلاحیه‌ای در قانون اساسی برای حراست از حقوق برابر زنان لحاظ شده است. به عقیده دونالد ترامپ اشتغال زنان و ترک خانواده می‌تواند ضربات سهمگینی به ساختار اقتصادی کشور وارد کند. این در حالی است که دموکرات‌ها در تلاشند تا با تصویب قانونی، حق استفاده از مرخصی استعلاجی را برای کارگران جهت مراقبت از کودک تازه متولد شده یا درمان بیماری لحاظ کنند. ما همچنین در تلاشیم تا کارفرمایان را برای دادن مرخصی به کارگران ترغیب کنیم تا آنها فرصت داشته باشند از تعطیلات خود استفاده کنند. برای تدوین هر سیاستی در زمینه کاری باید اصل حراست از بنیان خانواده را لحاظ کرد، باید مسیر برای ایجاد نیروی کار قوی و پایدار هموار شود. ما باید برای گسترش و تقویت مراقبت‌های خانوادگی برای افراد شاغل اولین گام را برداریم. سرمایه‌گذاری برای کودکان نیز حائز اهمیت است، در همین راستا افزایش دستمزد کارمندان مهدکودک‌ها و معلمان مدارس بسیار بااهمیت است و این در حالی است که باید علاوه بر کودکان، حقوق افراد سالخورده، ناتوان و معلول را نیز مورد توجه قرار داد.

حق مسکن

بحران مسکن، موضوعی است که دونالد ترامپ نه‌تنها راهی برای حل آن نیافته بلکه تنش‌ها در این زمینه را نیز افزایش داده است، دموکرات‌ها تلاش‌هایشان را برای حراست از خانواده‌هایی که مسکن‌شان را از دست داده‌اند، متوقف نکرده و نخواهند کرد. همه خواسته ما این است که افراد از ثبات مالی بیشتری برخوردار شده و بحران مسکن کاهش یابد، دموکرات‌ها به خوبی می‌دانند که افزایش بی‌اندازه نرخ اجاره‌بها موجب شده برخی از خانواده‌ها و کارگران حاشیه‌نشین شده و به لحاظ مسائل کاری تحت فشار قرار گیرند. عرضه مسکن با تکیه بر افزایش مشوق‌ها و کاهش موانع محلی برای ساخت‌وساز، هم به کاهش بحران موجود در این زمینه کمک می‌کند و هم فرصت‌های اقتصادی مناسبی را در اختیار خانواده‌ها قرار می‌دهد. در همین راستا ما بودجه قابل توجهی را به صندوق مسکن ملی جهت بازسازی میلیون‌ها خانه اختصاص دادیم، این امر نه‌تنها می‌تواند به کاهش بحران مسکن کمک کند، بلکه زمینه رابرای کارآفرینی جهت اشتغال افراد بیکار و فاقد شغل فراهم خواهد کرد. به باور دموکرات‌ها منابع مالی دولت فدرال باید بیشتر در اختیار خانواده‌های کم‌درآمد، افراد ناتوان و معلول مسن قرار گیرد. در همین راستا ما برنامه دقیقی طراحی کرده و درصددیم تا منابع مالی بیشتری را برای بازسازی خانه‌های دولتی و ساخت مسکن فراهم کنیم. این برنامه می‌تواند بحران بی‌خانمان‌ها را تا حد زیادی کاهش دهد. ما باید اطمینان پیدا کنیم که هر فرد در حوزه مالکیت خانه از سهم عادلانه‌ای برخوردار است. ما باید وضعیت خانواده‌ها را از طریق حراست از بازار مسکن و تقویت و گسترش آن ارتقا دهیم و برای نیل به این منظور نیازمند تدوین قانونی منصفانه در این حوزه هستیم. در گام اول باید از فروشندگان خانه حمایت کرد، با این حال باید اصلاحاتی را برای حراست از حقوق وام‌گیرندگان اعمال کرد، بدین معنا که با توسل به موسسه حمایت مالی از مصرف‌کننده(CFPB) از ارائه وام با بهره‌های بالا ممانعت کنیم.

حزب کارگزاران سازندگی ایران

اتفاق

آری به اتفاق جهان می توان گرفت